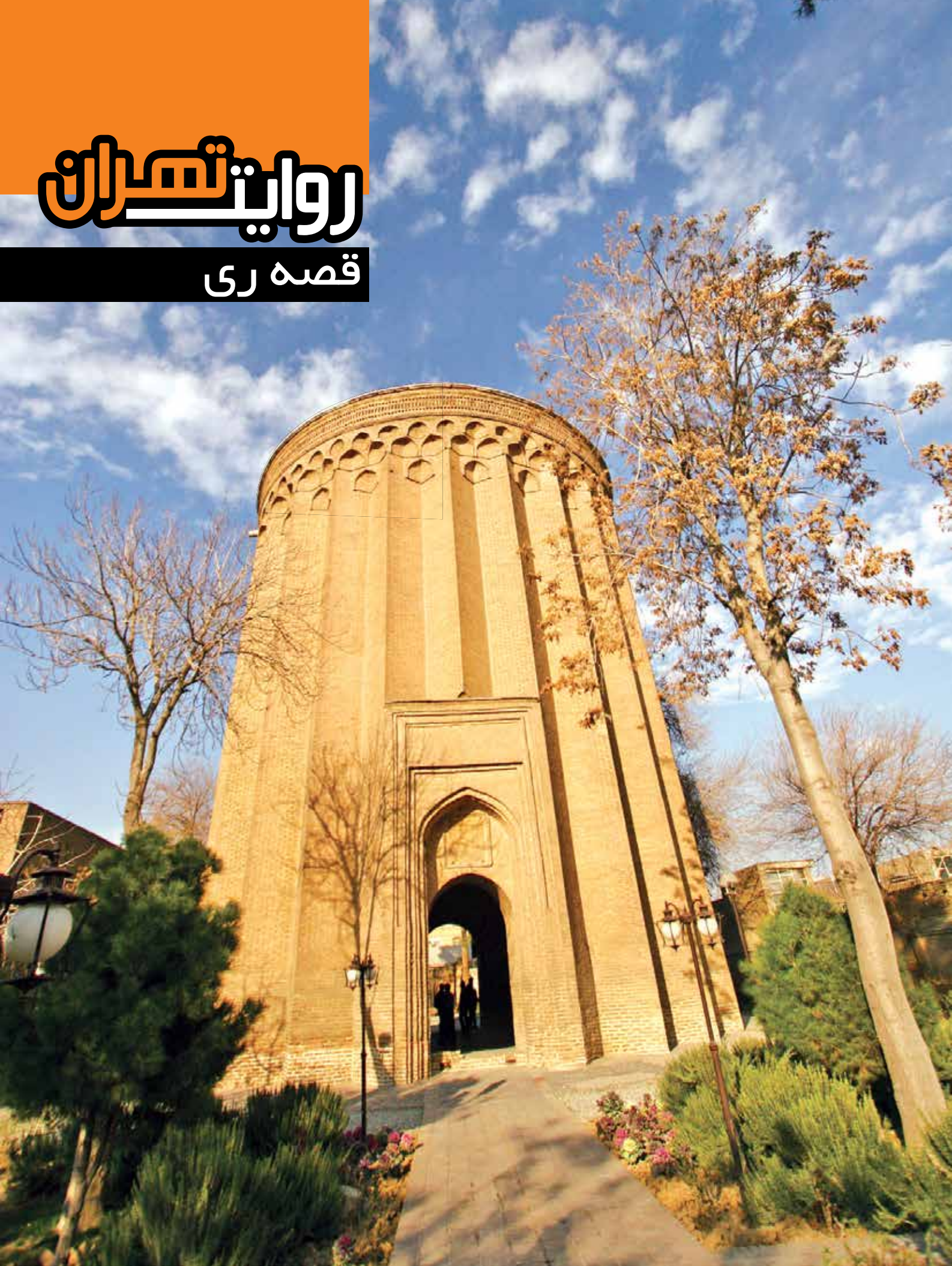


روایت تهران

قصه‌ری





کاروانسرای شاه عباسی



استودان گبرها





ویزیت‌تهرانات ویژه‌شهری



● شورای سیاستگذاری:

حسن خلیل آبادی / مهرشاد کاظمی / افشین امیرشاهی

● شورای سردبیر:

افشین امیرشاهی / سروش جنابی

● تحریریه:

فاطمه عسگرنیا / بهاره خسروی / الهه کفایتی / رایعه تیموری / حسین

زاده / رنجبر / رهرا کریمی

● مدیر هنری:

کامران مهرزاده

● صفحه‌آرا:

محمدرضا محمدی تاش / علی حسنی / فائزه توکلی / میلاد رفاقتی

● عکس:

فرشاد عباسی / ساتیار امامی / امیر رستمی / علیرضا طهماسبی

محمد عباس نژاد / امیر پناهپور / امیر ادهم / حسن شیروانی

علیرضا طهماسبی / حسین تهرانی / حامد خورشیدی / محمد سرابی

● ویراستار:

اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی

● حروفچینی:

منیره خسروآبادی



ورودی

نگاهی گذرا به سرگذشت و مهم‌ترین رویدادهای تاریخی شهر ری

ماه‌جان ری عروس زمین و شهرها

مرور سبک زندگی ری‌شهری‌ها از زبان ساکنان قدیمی

آداب و رسوم اهالی پایتخت فرهنگی جهان

وجه تسمیه و تاریخچه شکل‌گیری محله‌های شهر ری به روایت اهالی

۲۰محله، منطقه ۲۰

گشت و گذار در مهد بزرگان و دانشمندان

آنان که نام ری را پرآوازه کردند

۴

۷

۱۰

۱۶



گردشگری زیارتی

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در بقعه و بارگاهی آرمیده که به دستور «برکیارق سلجوقی»

در قرن پنجم هجری قمری ساخته شده است

تشیع علوی سوغات مسافر ری

نخستین تکیه تهران در ری برپا شد

۴۰۰ سال عزاداری حسینی در تکیه نذرآباد

گفت‌وگو با «نوروز تقی‌پور» مدیر میراث فرهنگی ری:

راه‌اندازی نخستین پایگاه میراث فرهنگی شهر ری: بزودی

تعدد بقاع متبرکه حال و هوای خاصی به قبله‌گاه تهران بخشیده است

ری: پناهگاه امامزادگان

۱۸

۲۰

۲۱

۲۱



گردشگری تاریخی

ارگ سلجوقی

بنای پادشاهی سرای ایالت

نگاهی به هویت تاریخی زندان هارون‌الرشید

آتشکده‌ای که زندان شد

بازشناسی برج نهصدساله طغرل و شاهکار معماری دوره

سلجوقی همراه با تاریخدان و پژوهشگر تاریخ اهل ری

ساعت آفتابی در روز فانوس صحرایی در شب ۳۰

برج نقاره‌خانه

نقاره‌زنی بر فراز کوه طبرک

استودان گیرها (برج خاموشان)

مقبره شمشیرزن دو دست

قلعه گبری

مدفن مرداو بیج زیاری

بقعه جوانمرد قصاب

سازه‌های مربع با ایوان الحاقی

دژ رشکان(باروی ری)

بارویی از خشت و برج‌های پشتیبان

کاروانسرای ری یکی از ۹۹۹ کاروانسرائی است که به دستور

شاه عباس ساخته شد

یادگار معماری عصر صفوی

در جست‌وجوی خانه‌های تاریخی

هویت به جا مانده در کوچه‌پس‌کوچه‌های ری ۳۸

آتشکده ری

۴۰ عبادتگاه مشهور بهرام گور

۲۸

۲۹

۳۲

۳۳

۳۴

۳۴

۳۵

۳۶

۴۰



گردشگری طبیعی

کاریزهای ری روزگاری این منطقه را به یکی از انبارهای گندم

سرزمین ایران تبدیل کرده بودند

کاریز تا کهریزک

دشت ری در پای کوه بی‌بی‌شهربانو ۹ هزار سال قدمت تمدن

دارد

کوه ری: محافظ طبیعی شهری باستانی ۴۴

پرنده‌های مهاجر را در «تالاب بهرام‌گور» موسوم به «تالاب

عشق‌آباد» بنگرید

فیروزه‌ای محصور در نزارها

همه آنچه باید درباره یک چشمه راژآلود هشت هزارساله بدانید

زایش تمدن ری از جوشش چشمه‌علی ۴۸

شناسنامه روستاهای شهرستان ری مهر تاریخی دارند

روستاهای ری گنجینه‌های پنهان هویتی و

فرهنگی ۵۰

روستاهای ری ظرفیت گردشگری مغفول

پایتخت ۵۸



گردشگری مدرن

«احمد ابوحمزه» پژوهشگر تاریخ و ری‌شناس می‌گوید که

آرزوی هر تهرانی در هشتاد سال پیش سفر با ماشین دودی

بوده است

وقتی غول آتش‌خوار به نزدیکی بازار حضرتی

رسید ۶۰

از بازار گردی تا پاساژگردی مهیاست

روایت تاریخ و فرهنگ و هنر در بازار ری ۶۲

ساختمان‌های کارخانه قند کهریزک در دوره‌های قاجار،

پهلوی اول و دوم ساخته شده‌اند

کام ایران با قند ری شیرین شد ۶۴

آیت‌الله «سید رضا فیروزآبادی» مریضخانه فیروزآبادی را با

حقوق نمایندگی مجلس ساخت و وقف کرد

بیمارستان فیروزآبادی ۶۵

اولین کارخانه سیمان روی شهر باستانی ۲۷۰۰ ساله در چند

قدیمی ادژ اشکان ساخته شده

نبض توسعه تهران در کارخانه سیمان ری می‌زد ۶۶

گزارشی از مرکز نجوم آستان حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)

نخستین رصدخانه جهان اسلام در ری ۶۷

بوستان‌های ری میزبان زائران و شهروندان

هم استراحت هم تفریح ۶۸

گشت و گذار در کتابخانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم

حسنی(ع)

گنجینه‌ای با ۱۵۰۰ هزار کتاب و هزار نسخه خطی ۷۰



گردشگری آرمستان

چگونه شکل‌گیری گورستان‌های زیرین و برین در گفت‌وگو با

علیرضا بیشه، پژوهشگر تاریخ

مدفن پادشاهان ساسانی ۷۲

نگاهی به تاریخچه آرامستان «حضرت عبدالعظیم حسنی»

و مشاهیر مدفون در آن به روایت مهدی یساولی، پژوهشگر

تاریخ

چگونه تفرجگاه باغ توتی گورستان شد ۷۴

نگاهی به هویت کسانی که آرامستان امام‌زاده عبدالله ری(ع)

خفته‌اند به روایت پیمان سمندری، پژوهشگر فرهنگ ایران

آرامستان تاریخ‌سازان ایران ۷۶

نگاهی به هویت و شکل‌گیری آرمستان ابن‌بابویه و جاذبه‌های

گردشگری آن

سیاسی‌ترین گورستان تهران ۷۸

شهردار منطقه ۲۰ از نتایج برنامه جامع استراتژیک ری

می‌گوید

ممانعت از آسیب‌های بافت تاریخی با مدیریت

جامع شهری ۸۰



نگاهی گذرا به سرگذشت

و مهم‌ترین رویدادهای تاریخی شهر ری

ماه‌جان ری عروس زمین و شهرها



پیمان سهندری

بنابر آنچه در منابع گوناگون خوانده می‌شود، تردیدی برای اینکه شهرری را یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران و جهان بنامیم باقی نمی‌ماند. در داستان‌ها آمده است که منوچهرشاه، پادشاه اساطیری و از امیران پیشدادی، شهرری را که ویران شده بود باز از نو بنا کرد و آن را «ماه‌جان» نام نهاد. بنای نخستین این شهر را به «هوشنگ» پسر کیومرث نسبت می‌دهند که از نخستین شهریاران روی زمین بوده‌اند. از سویی در منابع دینی هم بنیانگذار ری را «شیت بن آدم» نوشته‌اند و همه اینها نشان از دیرینگی این شهر بزرگ و مهم باستانی دارد.

شهری با نشان ادیان بر پیشانی

نام ری از با ادیان و مذهب‌های دینی گره خورده و از ابتدا با سرشت معنوی بشر در پیوند بوده است. در کنار مناطقی مانند آذربایجان و تخت سلیمان، خوارزم و بلخ و سیستان و حتی امل و نواحی دیگر، از ری نیز به‌عنوان شهری که زرتشت، پیامبر بزرگ ایرانی در آن‌زاده شد یاد می‌شود. در بسیاری از منابع هم زرتشت را از مادر به ری می‌رسانند و گروهی نیز به نقل از بندهشن، پیامبر مزدیسنان را مدفون در رقا (رغه) می‌دانند که به احتمال فراوان همان راگا یا ری امروزی باشد. هرچه هست این شهر تا پیش از ظهور اسلام یکی از مراکز حضور و عبادت زرتشتیان به شمار می‌رفته است. حتی نوشته شده که در فاصله سال‌های ۵۰۰ تا ۵۵۳ میلادی گروهی از ایرانیان که به کیش و آیین مسیحی روی آورده بودند، ری را مقر و مرکز تبلیغ آیین مسیح در ایران کردند. با ظهور اسلام و به‌ویژه آشنایی ایرانیان با مکتب تشیع، این شهر در کنار شهرهای قم، نیشابور

نوشته شد که بنابر آن مردم ری پذیرفتند که جزیه بدهند و علیه مسلمانان اقدامی نکنند و دست به شورش و طغیان نزنند. با این وجودگاه شورش‌هایی در ری روی می‌داد و به همین دلیل مدام فرستادگان نظامی برای فرونشاندن این قبیل شورش و اعتراض‌ها به ری گسیل می‌شدند.

وعده ملک ری؛ ارمانی به قیمت خون عزیزترین آفریدگان

جان‌گذازترین رویداد تاریخی که نام ری برای همیشه با آن گره خورده است، ماجرای وعده‌ای است که به عمر بن سعد ابی‌وقاص برای گرفتن بیعت برای خلافت یزید یا روبرویی با حضرت امام حسین علیه‌السلام داده شد. رویای حکمرانی بر ری چنان بر دل عمر سعد نشسته بود که تمامی اخلاق و نیز ایمان خویش را به زیر پای نهاد و در سال ۶۱ هجری قمری با چهار هزار نفر در مقابل خاندان پیامبر سپاه آراست. این عمر هرگز به امارت ری و دستی (دستی) پهناور میان ری و همدان که بعدها به قزوین منضم شد) نرسید و سرانجام نیز توسط مختار ثقفی و یارانش در قیام کین‌خواهی از کشتندگان حضرت سیدالشهدا و یاران گران‌قدرش کشته شد و نام وی به‌عنوان یکی از چهره‌های نفرین شده تاریخ تا ابد خواهد ماند. پیش‌تر نیز پدر عمر سعد، یعنی سعد ابن ابی وقاص در سال ۲۵ قمری در دومین یورش نیروهای عرب به ری تاخته بود و یک‌بار آنجا را به ویرانی کشیده بود، اما طعم شیرین حکومت بر سرزمین بهشتی‌گون ری گویا شیرین‌تر از بود که از آن زیر زبان این خانواده ظالم رفته باشد.

محمدیه، شهری نوین

اصطخری در کتاب مسالک‌الممالک درباره ری می‌نویسد: «بزرگ‌ترین شهری است در حدود مشرق و دروازه‌های معروف دارد. بازارها و محله‌های معروف در ری هست و کاروان‌سراها و بازارها و بازرگانی‌های بسیار در آنجا باشد، و در شارسنجان وی مسجد آدینه و گردبرگرد

شارسنجان دیوار است... و گذشته از بغداد هیچ شهری در مشرق بزرگ‌تر و آبادان‌تر از ری نیست مگر نیشابور»؛ این تنها گوشه‌ای از حال و روزگار شهرری در زمانه‌ای است که خلافت عباسیان در پهنه جهان اسلام صاحب قدرت برتر بودند. از سال ۱۴۱ هجری قمری در زمان تسلط مهدی عباسی که خود در روزگار ولایت‌عهدی ساکن ری بود، تصمیم به عمران و بازسازی این شهر گرفت که نکبت دوران بنی‌امیه به ویرانی آن انجامیده بود. شهر نوین که ساخته شد به یادآوری نام اصلی خلیفه مهدی که محمد نام داشت، «محمدیه» نامگذاری شد. جالب این است که هارون‌الرشید در همین شهر یعنی شهر ری‌زاده شد و اینجا را چنان دوست داشت که در تمام طول زندگی خود زندگی در ری را آرزو می‌کرد.

خورشید ری

در حوالی سال ۱۷۳ هجری قمری و همزمان با روزگار خلافت هارون‌الرشید، کودکی در مدینه‌زاده شد که در تمامی سال‌ها و سده‌های پس از خود چشم و چراغ مردم ایران‌زمین و به‌ویژه ساکنان و مجاوران خود در ری شد، آن‌چنان‌که تا روزگار کنونی هم حرم وی وعده‌گاه اهل دانش و دین و دوستداران خاندان امامت است. درباره حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته علمی و معنوی شیعیان روایت‌هایی فراوان موجود است. او که عبدالعظیم بن عبدالله نام دارد، از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام به شمار می‌رود و صاحب کتاب و رساله دینی و دارای شأن علمی و اجتهادی والایی است. او که در سال‌های پایانی حیات تحت تعقیب حکومت عباسی بود به‌صورت مخفیانه و ناشناس وارد ری و در منطقه‌ای به نام «سربان» یا «ساربانان» مقیم شد. حضور آن حضرت در ری، سبب شد تا اندکان‌دک

شیعیان در گرد وی و محل سکونتش و بعدها در اطراف مکان آرامگاهش گرد هم آیند.

پایتخت رنسانس اسلامی

با دمیدن حکومت ایرانی آل بویه یا به عبارتی دیلمیان به‌عنوان نخستین حکومت شیعی در جهان اسلام که بر خلافت بغداد نیز تسلط یافتند، عصری نوین در تمدن اسلامی پدید آمد. این حکومت در کنار سامانیان و تا حدودی زبیریان که بیشتر در نواحی شمال و شمال شرقی ایران تا ماوراءالنهر حکمرانی می‌کردند، زمینه‌ساز تحولی بزرگ در تمدن اسلامی شدند. برخی پژوهش‌گران از حدود قرن چهارم هجری به سبب تحولات فکری و فرهنگی که با زعامت سامانیان و به‌ویژه آل بویه و منش معتزلی آنها شکل گرفت به «دوران رنسانس اسلامی» و «دوران طلایی اسلام» تعبیر می‌کنند. در این دوران فضایی مناسب برای اهالی ادب و فرهنگ و هم‌چنین دانش‌وران علوم عقلی و نقلی و به‌ویژه دانش‌هایی نظیر نجوم، پزشکی و ریاضیات به‌وجود آمد. ری، یکی از مراکز اصلی حکومت بوییان بود که برای نمونه کتابخانه منسوب به «صاحب بن عباد» که در این دوران در ری ساخته شد، یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان تا آن روزگار بود. بسیاری از شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های علمی و ادبی و فرهنگی ایران و جهان اسلام مانند ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، ابوالوفای بوزجانی، عبدالرحمان صوفی، ابن هیثم، ناصر خسرو، المجوسی، پزشک، کلینی، شیخ مفید، شیخ صدوق، سید رضی، شیخ طوسی، جغرافی‌دانان بزرگ مانند اسطخری و ابن حوقل و بسیاری دیگران که با دربار دیالمه و آل سامان هم در ارتباط بودند، در این دوران به نشو و نما پرداختند. سرانجام با یورش سلطان محمود غزنوی به ری بود که آن عظمت و شکوه و آن حال خوش فرهنگی و



زیست علمی دچار آسیبی جدی شد.

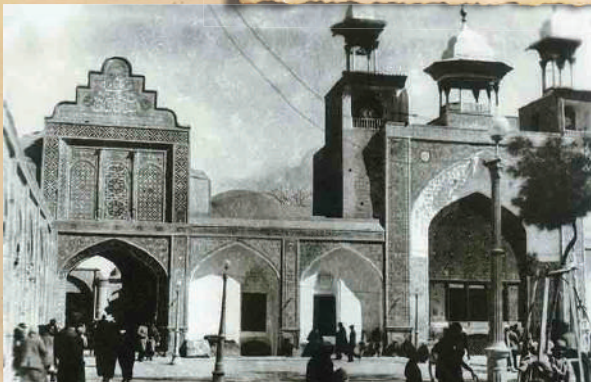
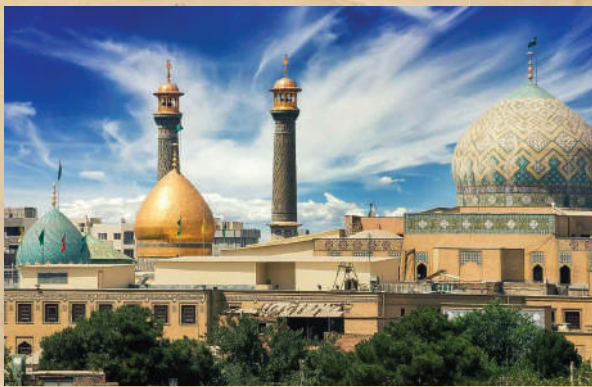
ماجرای برج طغرل

بنابر برخی منابع موجود، شهر باستانی ری، یکی از پایتخت‌های حکومت اشکانیان نیز بوده است. همزمان و در مناسبات و رویدادهای میان زیاریان با آل بویه، این خاندان نیز در دوره‌ای ری را به‌عنوان مرکز حکومت خود قرار داده بودند. یکی از مهم‌ترین سلسله‌هایی که ری را به‌عنوان دارالحکومه خود برگزیدند، سلجوقیان بودند که آثار حکومت ایشان همچنان در جاهایی از شهری به چشم می‌خورد. در زمان سلجوقیان، طغرل سلجوقی و تعدادی دیگر از حاکمان این سلسله، ری را دارالملک قرار دادند. آرتور آبراهام پوپ درباره ری روزگار سلجوقیان ایران می‌نویسد که شهری به‌ویژه در این زمانه یکی از پایتخت‌های فرهنگی جهان تبدیل شد. امرای این سلسله به ایجاد مدارس و گسترش ادب و هنر اهتمام ورزیدند و این شهر شاهد حضور بسیاری از اهل دانش و معرفت بود. هم‌چنین برخی که مقبره طغرل‌بیک سلجوقی در آن قرار دارد امروزه به‌عنوان یکی از نشان‌های ری و نقاط دیدنی این شهر به حساب می‌آید. اما جدای از جریان علمی و فرهنگی در این شهر، متأسفانه آنچه بیشتر جلوه‌گری می‌کند این است که ری بیش از هر چیز، آوردگاه نزاع‌های سیاسی پادشاهان و فرماندهان سلجوقی بوده است و همواره شرایط اضطراری سیاسی بر این منطقه و نواحی اطراف آن یعنی عراق عجم و نواحی مانند قزوین، همدان و اصفهان مستولی

بوده است.

قنوس تهران

ظهور و غلبه مغولان در کنار تحولات داخلی، زمینه‌های ویرانی و سقوط جایگاه را برای شهری فراهم کرد و به تدریج شرایطی فراهم آمد تا چند قرن بعد، از دل خاکسترهای قنوس، تهران، پایتخت امروزی ایران زاده شده و سر بر آورد. در یک چشم‌انداز کلی چنین به نظر می‌رسد که موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک ری و تمامی اهمیتی که در طول قرون چند هزار ساله سبب مائایی و رونق این شهر بزرگ بوده‌اند، بی‌کم و کاست به فرزند و حومه آن، یعنی تهران انتقال یافته است و این بدان معناست که آن همه توجه و سیل رویدادها و تحولات مربوط به ری بدون پشتوانه‌های عمیق و دقیق نبوده است. حمله مغولان به ری و قتل‌عام جمعیتی قریب هفتصد هزار تن و ویرانی بخشی بزرگ از این شهر توسط ایشان و تیمور گورکانی در وقوع زلزله‌ای شدید در حوالی همان سال‌ها، ری را به ویرانه‌ای تبدیل کرد. اما به گواه پژوهشگران علم تاریخ، آنچه موجب نابودی تدریجی ری شد، مصیبتی بزرگ‌تر بود؛ نفاق و پراکندگی که در اثر عصبیت‌های فرقه‌ای و نزاع‌های مداوم مذهبی از قرن سوم هجری به بعد در این شهر شکل گرفت، اجازه نمی‌داد تا ویرانی‌ها بازسازی شوند و اهالی ری نیز رفته‌رفته در شهرهای دیگر ساکن می‌شدند. همه اینها باعث شد تا شهری با آن همه عظمت و بالندگی، اندک‌اندک به‌صورت قصبه‌ای کوچک درآید که بیشتر به‌واسطه حضور گنبد و بارگاه حضرت شاه‌عبدالعظیم حسنی شناخته می‌شد و آنچه برایش از اعتبار و خاطرات دوران شکوه باقی مانده بود نیز به همان واسطه بود. این اختلاف‌ها تا عصر صفویان ادامه داشت تا اینکه در آن دوران به واسطه قدرت حکومت مرکزی آتش دشمنی‌ها فرو نشست اما دیگر ری جایگاه پیشین خود را بازیافت. در کتاب «وندیداد» زرتشتیان درباره شهری چنین آمده است: «دوازدهمین کشور با‌نزعت که من اهورامزدا آفریدم، رغه با سه‌نژاد است؛ اهریمن پسر مرگ برضد آن آفت بی‌اعتمادی پدید آورد»؛ این شاید هشدار و سروشی بود از روزگاری



دیرین که اسباب فترت ری را در بروز همین روحیه در مردمانش گوشزد می‌کرد.

شاه‌کشی در ری

یکی از رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران که با نام ری و حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام گره خورده است، ماجرای کشته شدن ناصرالدین‌شاه قاجار به ضرب گلوله میرزا رضا کرمانی است. در اوایل به‌ماد روز ۱۲ اردیبهشت ۱۲۷۵ خورشیدی (برابر ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ هجری قمری) در آستانه ورود به پنجاهمین سال فرمان‌روایی، ناصرالدین‌شاه در حال زیارت حضرت عبدالعظیم بود که در اثر اصابت گلوله‌هایی از تیانه میرزا رضا جان خود را از دست داد. مشهور است که در آستانه مرگ وصیت می‌کند وی را در کنار محبوبه‌اش، جیران به خاک بسپارند. بدین‌ترتیب با وجود آنکه ابتدا جسد را به عمارت شاهی می‌برند و مدتی هم به‌طور موقت در شاه‌نشین تکیه دولت نگهداری می‌کنند، اما سرانجام دوباره در تشییع جنازه‌ای تاریخی به ری انتقال می‌یابد و در فاصله بین مزار حضرت عبدالعظیم حسنی و امامزاده حمزه علیه‌السلام به خاک سپرده می‌شود. سنگ مزار ناصرالدین‌شاه که توسط استاد حسین حجار یزدی از سنگ یک تکه تراشیده شده است، خود یک اثر هنری ویژه است.

بست‌نشینی در حرم شاه‌عبدالعظیم

در دوران مشروطه‌خواهی، نزدیکی ری به تهران و امکان ارتباط سریع آن با مرکز جنبش مشروطیت و نیز همراهی مردم ری با رهبران مشروطه، موجب شد که آستان حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام نقش تاریخی خود در پناه دادن به افراد را دوباره ایفا کند. داستان‌های مربوط به بست‌نشینی در مراکز مقدس به‌ویژه بارگاه امامان و امامزادگان ساکن در ایران، از داستان‌های خواندنی و قابل توجه است و نشان از حرمت و عزتی دارد که همگان حتی دشمنان و در مواردی ستم‌گران برای این بزرگواران قائل بودند و یا دست‌کم از قرار گرفتن در معرض کین‌خواهی مردم پرهیز می‌کردند. در دوران مشروطیت نیز شاهد بست‌نشینی‌های مهم و تاریخ‌ساز در ری بوده‌ایم؛ در بار نخست و در جریان مهاجرت صغری که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه رخ داد، تعدادی از رهبران مشروطه و عده‌ای از بزرگان و بازرگانان به همراهی مردم به ری و حرم حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام پناهنده شدند و نتیجه مطلوب هم گرفتند اما چون در پایان بست‌نشینی به وعده‌ها وفا نشد، با خواسته‌هایی اساسی‌تر به حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در قم روی آوردند. تدبیر بست‌نشینی دوم در حرم حضرت عبدالعظیم توسط شیخ فضل اله نوری و جمعی دیگر از علمای تهران اندیشیده شد. این گروه هم در تلاش برای استقرار مشروطه مشروعه بودند که تحولات روزها و سال‌های آنی، سرنوشت‌هایی ناگزیر و ناشناخته را برای هر دو گروه رقم زد.

مرور سبک زندگی ری‌شهری‌ها از زبان ساکنان قدیمی

آداب و رسوم اهالی پایتخت فرهنگی جهان

رابطه تیموری

پیشینه فرهنگی شهرری از زمان پیدایش این شهر کهن آغاز می‌شود، اما بالیدن و بلوغ فرهنگی آن در دوره سلجوقیان اتفاق افتاده و به گفته «آرتور پوپ» مورخ شهیر آمریکایی، در این دوره ملک ری به یکی از پایتخت‌های فرهنگی جهان تبدیل شده است. آیین و سنت‌های اصلی که در این دوره و چند دوره بعد در ملک ری شکل می‌گیرد، با گذشت زمان و به برکت وجود اماکن مذهبی مانند حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، بقعه‌های امامزاده طاهر (ع)، امامزاده حمزه (ع)، بی‌بی شهربانو و... رنگ و بوی دینی و مذهبی به خود می‌گیرند. این آیین و سنت‌ها که جزئی از هویت شهرری به شمار می‌آیند تا چند دهه گذشته در زندگی اهالی جایگاهی محکم و ارج و قربی قابل توجه داشتند، اما در دهه‌های اخیر و با رواج سبک زندگی شهری تا اندازه‌ای رنگ باخته و رو به فراموشی‌اند. در گزارش زیر و در گفت‌وگو با «حاج اکبر کاوه» پیرغلام و از اهالی قدیمی ری، «حاج حسن عزیز و کیلی» معتمد قدیمی و مسئول ستاد اعیاد شعبانیه و ستاد بازسازی عتبات عالیات شهرری و بانو «عشرت بیگ محمدی کلهر» مادر و معتمد محله نقرآباد به روایت گوشه‌ای از این آیین‌ها و سبک زندگی مردم ری در گذشته‌های نه چندان دور پرداخته‌ایم.



کام کردن نوزادان

بانو بیگ محمدی «کام کردن» را به‌عنوان یکی از رسوم معمول زمان تولد نوزاد نام می‌برد و می‌گوید: «دایه یا مادر بزرگ نوزاد انگشت شست یا اشاره خود را با خرده‌های خاک مهر نماز آغشته و با آب و گلاب مخلوط می‌کرد و با همان انگشت کام نوزاد را به آرامی فشار می‌داد. با این کار هم تربت کریلا به کام نوزاد وارد می‌شد و هم به رفع ضعف کام و زود زبان باز کردن بچه‌ها کمک می‌کرد.»

ولیمه در مراسم نامگذاری نوزادان

نقل مادر بزرگ ۸۰ ساله محله نقرآباد به مراسم نامگذاری نوزادان می‌رسد و تعریف می‌کند: «در شب ششم تولد فرزندان، آبگوشت یا چلو خورشت ولیمه می‌دادند و نام بچه را تعیین می‌کردند. در این مراسم عده‌ای از مردان و زنان برای شام دعوت می‌شدند. پیش از صرف شام بچه را در آغوش ریش‌سفید مجلس می‌گذاشتند و از او می‌خواستند برای نوزاد نامی انتخاب کند. ریش‌سفید چند اسم از اسامی ائمه (ع)، اسامی گل‌ها یا نام پهلوانان



شاهنامه را روی کاغذ می‌نوشت و لای قرآن می‌گذاشت و به گوش راست نوزاد اذان و به گوش چپ او اقامه می‌خواند. بعد یکی از مهمانان کاغذها را از لای قرآن بیرون می‌آورد، اسم را می‌خواند و بقیه برای تأیید صلوات می‌فرستادند.»

چوب و فلک از لوازم آموزش الفبا



«حاج حسن و کیلی» از مکتب‌خانه‌های قدیمی شهرری یاد می‌کنند و می‌گویند: «در گذشته مکتب‌داران مکتب‌خانه‌ها الفبا و هجی کردن کلمات را به کودکان می‌آموختند. شاگردان پس از یادگرفتن الفبا انعام و یک کله قند برای مکتب‌دار می‌آورد. مکتب‌دار از میان شاگردان یک نفر را به‌عنوان خلیفه (مبصر) انتخاب می‌کرد. وظیفه خلیفه این بود که بر جaro کردن مکتب‌خانه به وسیله شاگردان نظارت داشته باشد، دستور خرید روزانه منزل مکتب‌دار را صادر کند و هر عید برای مکتب‌دار عیدی جمع کند. معمولاً مکتب‌خانه‌ها در مساجد یا در خانه مکتب‌داران تشکیل می‌شدند و چوب و فلک از لوازم آموزش الفبا بود.»

سال تحویل در حرم سیدالکریم (ع)

به قول حاج «اکبر کاوه» وجود بارگاه حضرت عبدالعظیم (ع) هویت و آداب و سنن اهالی شهرری را تحت تأثیر قرار داده است. او می‌گوید: «اغلب رسوم مردم شهرری با توسل به حضرت همراه بود. یکی از رسوم جالب آن روزگار این بود که قبل از تحویل سال مردم در صحن حرم می‌نشستند؛ هر فرد داخل مشتت سکه‌ای برنجی یا تکه نانی به نشانه تبرک نگه می‌داشت تا در طول سال دستش روزی داشته باشد. تا زمانی که دعای تحویل سال

دخترها خیاط و پسرها شکارچی شوند

مادر محله نقرآباد گپ‌وگفت درباره رسم و رسوم اهالی شهرری را از زمان تولد فرزندان و مراسم نامگذاری آنها آغاز می‌کند و می‌گوید: «قدیم دایه‌ها بچه‌ها را در خانه به دنیا می‌آوردند و اگر مادری سخت‌زا بود و سلامتی‌اش موقع زاییدن به خطر می‌افتاد طبیب به خانه می‌آوردند یا زانو را به مریض‌خانه می‌رساندند. دایه‌ها بنده ناف دختران را با قیچی و پسران را با کارد می‌بردند و اعتقاد داشتند با این ناف‌بری دخترها خیاط و پسرها شکارچی خوبی می‌شوند. بعد بنده ناف را بر سر در خانه آویزان می‌کردند تا بچه‌ها در آینده فراخ روزی شوند.»



در صحن حرم خوانده و سال نو تحویل می‌شد، به هیچ عنوان مشّت خود را باز نمی‌کردند تا به خانه برسند و مشّت را نزد اهل و عیال باز کنند. با این کار برکت را به خانه خود می‌بردند تا در طول سال همیشه با دستی پر به خانه بروند.»

چراغ گردانی با چراغ‌های پیه‌سوز در حرم



حاج کاوه ادامه می‌دهد: «خادمان حرم همیشه در صف اول بودند. چراغ‌دارهای حرم در ایوان به صف می‌شدند. دقایقی قبل از تحویل سال، مسئول چراغ گردانی با حضور در ایوان بزرگ و با روشن کردن چراغ‌های پیه‌سوز و نفتی فریاد می‌زد: «یا شاه‌چراغ». بعد خادم‌ها جلو می‌آمدند و چراغ‌های روشن را به داخل صحن می‌بردند. قبل از اینکه بلندگو و حتی جریان برق به حرم حضرت عبدالعظیم(ع) برسد یکی از افرادی که دیگران او را به صوت خوشش می‌شناختند و بیشتر مواقع مؤذن حرم بود به گلدسته حرم می‌رفت و دعای تحویل سال را می‌خواند. به دلیل کم‌ارتفاع بودن ساختمان‌های همجوار صدایش در بیشتر محله‌های نزدیک می‌پیچید و اهالی هر جا بودند به احترام این دعا ردیف به ردیف می‌ایستادند.»

خاتون پنجره‌های شیرین



بانو بیک محمدی درباره سفره نوروزی مردم

اجناس سرک کشیده و چرب فروخته می‌شد

این پیرغلام موسسیدری از رسوم کاسبی مردم این دیار به نیکی یاد می‌کند و می‌گوید: «در قدیم کاسبان بازار ری سعی می‌کردند حق همسایگی حضرت عبدالعظیم(ع) و امامزاده‌های مدفون در ری را به جا آورند و کاسبی آنها خداپسندانه باشد. مثلاً حجره‌های خود را رو به قبله می‌ساختند و پیش از آنکه پای بساط کسب‌شان بنشینند، برای عرض سلام و کسب اجازه به زیارت حضرت می‌رفتند. کم‌فروشی نمی‌کردند و مراقب حلال و حرام دخل‌شان بودند.» او معتقد است هنوز هم بسیاری از کاسبان شهر ری از آثار و برکات همجواری با سیدالکریم(ع) غافل نیستند و برای پذیرایی از زائرانش سنگ تمام می‌گذارند. حاج کاوه از کاسبی اهالی ری در ماه رمضان یاد می‌کند و می‌گوید: «رسم و رسوم کاسبی در ایام ماه مبارک رمضان رنگ و بوی خالص‌تر و معنوی‌تری به خود می‌گرفت. مردم قدیم شهر ری عادت داشتند به اندازه نیاز روزانه‌شان مایحتاج اولیه خود را از کاسب محله خریداری کنند. بسیاری از کاسبان چند روز مانده به ماه مبارک رمضان، تکه‌سنگی را در کفه‌ای می‌گذاشتند که سنگ ترازو در آن قرار می‌گرفت تا مشغول‌الذمه و مدیون نشوند و کالا را اصطلاحاً سرک‌کشیده و چرب‌تر برای مشتری محاسبه می‌کردند یا اینکه اجناس خود را ارزان‌تر می‌فروختند و از مشتریان طلب دعا برای خود و والدین‌شان می‌کردند. این ماه را فرصتی برای حلالیت طلبیدن می‌دانستند. در این ماه بر تنوع نان‌ها افزوده می‌شد و شاطر نانوا با سلام و صلوات چانه نان را به نفع مشتری می‌گرفت.»

ری می‌گوید: «اهالی برای پذیرایی از مهمانان نوروزی نوعی شیرینی به نام «خاتون پنجره» یا «گوش‌فیل» می‌پختند. البته در شهر ری که برای خودش شهری بود ۲ قنادی وجود داشت. هنوز هم خیلی از اهالی قدیمی به سنت گذشته در سفره شب عیدشان خاتون پنجره می‌گذارند و خاطره آن روزها را زنده نگه می‌دارند.»

حلیم ری معروف بود



صحبت درباره خوراکی‌های نوروزی سر اختلاط مادر بزرگ درباره غذاهای سنتی شهر ری را باز می‌کند و ادامه می‌دهد: «دیزی، آش شله قلمکار، اشکنه، آبگوشت بزباش، دمپختک غذاهای سفره اهالی بود. ماستی که زنان و ماست بندهای ری درست می‌کردند بسیار معروف و باکیفیت بود و یکی از ماست بندهای قدیمی ری وقتی تغار ماست را سروته آویزان می‌کرد، ماست داخل آن نمی‌ریخت. بسیاری از زائران ماست شهر ری را به‌عنوان سوغات به شهر خود می‌بردند.» ری به داشتن گندم مرغوب بسیار معروف بوده و حلیم ری، حلیم مرغ و حلیم بادمجان از غذاهای

وقتی پای هیئت‌های مذهبی به شهر ری باز شد



حاج کاوه درباره پاگرفتن هیئت‌های مذهبی در شهر ری می‌گوید: «در دوره صفویان شهر ری ۲۰۰ مسجد گلدسته‌دار داشت، اما هنوز گلدسته حرم سیدالکریم(ع) ساخته نشده بود. پس از نصب گلدسته‌ها و تکمیل حرم ایشان در زمان صفویه، پای هیئت‌های مذهبی به شهر ری باز شد. نخستین هیأت مذهبی از شهر شیراز وارد ری شد که محل اقامت آنها به «کوچه شیرازی‌ها» شهرت پیدا کرد و هنوز هم این کوچه به همین نام شناخته می‌شود. دومین هیئت از قم و هیئت‌های بعدی از اردستان و سمنان وارد شهر ری شدند. بعدها ۳ هیئت بزرگ نغزآباد، میدان بزرگ و هیأت قرائت قرآن کریم پا گرفتند و هیئت‌های کوچک‌تر از آنها منشعب شدند.»



آداب تدفین در گذشتگان

صحبت‌های حاج کاوه نشان می‌دهد حال و هوای مذهبی شهر ری در آداب تدفین درگذشتگان هم تأثیر گذاشته و این مراسم را با دقت بیشتری بر گزار می‌کردند. او می‌گوید: «آن زمان بعضی از مردم شهر ری روی روپوش تابوت درگذشتگان دعاهایی می‌نوشتند که در موقع وضو گرفتن خوانده می‌شود. در تنظیم آنها سعی می‌شد دعایی که مربوط به هر قسمت از بدن است، در همان نقطه قرار گیرد، مثلاً دعایی که در موقع شستن صورت خوانده می‌شود، روی قسمتی از پارچه نقش می‌شد که منطبق بر صورت است.» او به سنت فانوس گذاشتن بر سر مزارها در آرامستان‌های ری اشاره می‌کند و می‌گوید: «حرم حضرت عبدالعظیم(ع) چراغچی داشت که شب‌های جمعه و در شب‌های اعیاد بر سر مزار درگذشتگان فانوس می‌گذاشت و دعا می‌خواند. تا اوایل دهه ۵۰ بچه‌ها در بی‌بی زبیده(ع) و بزرگسالان در گورستان‌های دیگر مانند امامزاده عبدالله(ع) یا ابن بابویه دفن می‌شدند.»

نذر شمع و سقایی



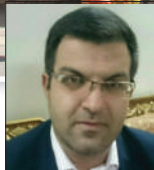
این پیرغلام اهل بیت(ع) از نذری‌های اهالی قدیمی ری در ماه محرم یاد می‌کند و توضیح می‌دهد: «ماه محرم از گذشته به‌عنوان ماه خیرات برای روا شدن حاجات شهرت داشته و به همین دلیل در دهه اول محرم که ایام شهادت امام حسین(ع) است، هر کسی به وسع خود در اطعام عزاداران می‌کوشید. مردم در این روزها دیگ‌های بیست منی آش و حلیم گندم ری تا کماجدان‌های کوچک چلو گوشت و پلو خورشت را بر سر اجاق می‌گذاشتند و آن را با خلوص نیت در بین مردم پخش می‌کردند. حتی کسانی که توانایی اطعام نداشتند، با ریختن مشتی برنج در پلوی نذری یا تکه گوشتی در خورش، در نذر همسایه‌ها و اهالی‌آبادی و محل شریک می‌شدند.» حاج کاوه اعمالی مانند آب آوردن از قنات برای عزاداران یا سقایی، توزیع شربت آبلیمو و بهارنارنج، پختن آش امام زین‌العابدین(ع)، اطعام با انواع غذاها، نذر شمع، نفت و روغن چراغ برای امامزاده‌ها، مالیدن گل بر سر و صورت، سینه زدن، زنجیر زدن، بلند کردن علم و کتل و علامت هیئت، خواندن زیارت عاشورا، ختم قرآن، روزه گرفتن و... را به‌عنوان نذوراتی نام می‌برد که مردم ری در ماه‌های محرم و صفر برای رفع گرفتاری‌ها و شفای بیماران انجام می‌دادند.

وجه تسمیه و تاریخچه شکل‌گیری محله‌های شهر ری به روایت اهالی

۲۰ محله منطقه ۲۰

«رابعه تیموری»

در نقشه منطقه ۲۰ نام ۲۰ محله ثبت شده که هریک به اندازه یک شهر و روستای بزرگ، هویت و پیشینه دارند. اغلب این محله‌ها در گذشته روستا بوده‌اند و در دهه‌های اخیر توسعه یافته و هویت شهری پیدا کرده‌اند. در گزارش زیر تاریخچه مختصری از محله‌های منطقه ۲۰ و چگونگی تحول و شکل‌گیری آنها بیان شده است.



مسعود امان الهی
رابط شورایاری



مجید سهلور
شورایار



خلیل پور حافظ
فعال فرهنگی



محله دولت‌آباد

محله‌ای سرسبز و دل‌باز

دولت‌آباد از محله‌های قدیمی شهرری است که در مجاورت دو بزرگراه آزادگان و امام علی(ع) قرار دارد. بر خلاف اغلب محله‌های جنوب تهران که معابری تنگ و باریک دارد، دولت‌آباد محله‌ای است با خیابان‌های دل‌باز و سرسبز. این محله در سال ۱۳۴۹ توسط یک شرکت خصوصی به نام دولت‌آباد ساخته شد و نام این شرکت روی محله باقی ماند. بقیه امامزادگان ابراهیم(ع) و اسماعیل(ع) و قلعه شجاع‌السلطنه که از شازده‌های قاجاری به جا مانده، از تفرجگاه‌های قدیمی این محله بوده است. محله دولت‌آباد از حدود چهار دهه پیش میزبان شهروندان عراقی (عمدتا شیعی) است که در پی آزار و اذیت‌های رژیم بعث به ایران پناه آورده‌اند. بلوار قدس معیر

محله ابن بابویه

دفترچه خاطرات ری

به گواه اسناد تاریخی، محله ابن‌بابویه قدیمی‌ترین محله طهران و ری است. این محله وسعت چندانی ندارد، ولی به دلیل در بر گرفتن بقعه و آرامستان ابن‌بابویه و شیخ صدوق به دفترچه خاطرات چند صد ساله و به عبارتی شناسنامه ری تبدیل شده است. این مکان‌ها علاوه بر هویت تاریخی و زیارتی خود، مدفن انسان‌های نام‌آور زیادی هستند که بازخوانی روزگار و سرگذشت هر یک، به نوعی زوایایی از پیشینه ری باستان و محله تاریخی ابن‌بابویه را روایت می‌کنند. محله ابن‌بابویه دارای بافت سنتی و قدیمی است که در ۳ دهه اخیر دچار تغییر و تحولات وسیعی شده و بسیاری از بناها و معابر آن نما و معماری امروزی پیدا کرده‌اند. «مسعود امان‌الهی» رابط شورایاری منطقه ۲۰، می‌گوید: «شهرک جوادالائمه(ع) که اکنون بخش مسکونی محله ابن‌بابویه را تشکیل می‌دهد، در روزگاران قدیم قنات‌های جوشان و پرآبی داشت و در زمین‌های کشاورزی آن محصولات مختلفی تولید می‌شد. شهرک جوادالائمه(ع) همان محله حسین‌آباد قدیم است که به برکت آب قنات، حمام‌های خزینه پروتقی داشت.» به قول امان‌الهی، اهالی بروجرود بیشترین بخش جمعیت محله ابن‌بابویه را تشکیل می‌دهند و شهروندان ملایری و اصفهانی تبار هم در محله ابن‌بابویه سکونت دارند. او می‌گوید: «اغلب مهاجران ملایری به کار قالیشویی روی آوردند و مهاجرانی که اهل اصفهان بودند در کارخانه‌های سیمان و ذوب مس، کارخانه آرد و کارخانه تولید نخ و پنبه مشغول شدند.» محدوده محله ابن‌بابویه از سواره ورامین شروع می‌شود و تا چشمه‌علی امتداد دارد و خیابان شهید غیوری و خیابان ابن‌بابویه از معابر اصلی محله محسوب می‌شوند.



محله شهادت (باروت کوبی)

باغ‌های لاله نابود شدند



محله‌های شهرری گل‌های لاله زیادی می‌روید، ولی از سال‌ها پیش در اینجا گل لاله نمی‌روید.» بنای مسکونی قدیمی رهاشده در اطراف باغ لاله دیده می‌شود که معماری سنتی دارند و به گفته اهالی، متعلق به یکی از ملاکان ثروتمند محله هستند. کارخانه تولید صابون و گلیسیرین از مراکز مهم محله شهادت به شمار می‌آید که در مجاورت کارخانه سیمان واقع شده است. سال‌ها پیش و در زمان رونق کارخانه سیمان، پیرزنی به همراه پسرش در این محله کارگاه کوچک باروت‌کوبی راه انداخت که هویت او برای اهالی روشن نیست و از وی به‌عنوان «پیرزن باروت‌کوب» یاد می‌کنند. پیرزن و فرزندش باروت را در بسته‌های کوچکی به کارخانه سیمان می‌فروختند تا برای ایجاد انفجار در کوه آهک مورد استفاده قرار گیرد. به همین دلیل، وقتی این محدوده شکل و شمایل یک محله را به خود گرفت به آن محله باروت‌کوبی می‌گفتند. بعدها به دلیل حضور مهاجران عرب‌زبان، این محله به گود عرب‌ها هم معروف شد، اما نخستین نام رسمی این محله که در نامه‌های اداری و اسناد رسمی ذکر می‌شد، «مهرنو» بود که بعدها به «شهادت» تغییر کرد.



محله ۱۳ آبان
نشانی‌های خاص



محله صفائیه

به یاد حاجی میرزا صفا

تاریخ ۸ هزار ساله چشمه‌علی که در دامن کوه‌های محله صفائیه قرار گرفته، قدمت و هویت تاریخی این محله را به خوبی نشان می‌دهد. اهالی محله صفائیه بر این باورند که باصفا بودن و جنبه تفریحی این محله سبب شهرت آن به محله صفائیه شده است، اما «محبوبه غلامی» ریشه نامگذاری صفائیه را به شخصی موسوم به «میرزا صفا» می‌داند. این شهروند علاقه‌مند به آثار تاریخی درباره نامگذاری و هویت این محله تحقیق کرده و می‌گوید: «میرزا حسین سپهسالار، مشهور به مشیرالدوله، در دوره سفارت خود در استانبول با شخصی موسوم به حاجی میرزا صفا آشنا شد و نسبت به او علاقه و احترام خاصی پیدا کرد. حاجی میرزا صفا که مدتی در کشور عثمانی به سر می‌برد، در سال ۱۲۹۱ و پس از بازگشت به ایران فوت کرد و مشیرالدوله او را در محلی که بعدها صفائیه نام گرفت، به خاک سپرد.» به گفته غلامی، مشیرالدوله ۴۸ ساعت از آب قنات اراضی برج طغرل و قطعه زمینی در اطراف مقبره میرزا صفا را به ملکیت یکی از دوستانش درآورد و او در اطراف مقبره درختان میوه پرپرکت و مرغوبی پرورش داد که سال‌ها میوه نوبرانه اندرونی شاهان قاجار از این درختان تأمین می‌شد. بعدها مردم عادی هم به باغ صفائیه راه پیدا کردند و در آن به تفریح و تفرج می‌پرداختند.» در دهه‌های اخیر در دامنه کوه‌های محله صفائیه ساخت‌وساز زیادی انجام شده و آثار زیادی از باغ‌های قدیمی آن باقی نمانده است. رابط شورایاری منطقه ۲۰ می‌گوید: «آیت‌الله سیدعلی غیوری در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ در محله صفائیه ساکن شدند. مرحوم غیوری در ملایر فعالیت سیاسی زیادی داشتند و بعد از سکونت ایشان شهروندان ملایری زیادی به محله صفائیه آمدند.» امان‌الهی رونق کسب قالیشویی محله صفائیه در دهه ۵۰ را حاصل تبحر ملایری‌ها در این حرفه می‌داند.

محله ۱۳ آبان بعد از انقلاب به مناسبت روز دانش‌آموز ۱۳ آبان نام گرفت. محله ۱۳ آبان از شمال به بزرگراه آزادگان، از شرق به بزرگراه رجایی، از جنوب به اراضی موقوفه امامزاده ابوالحسن(ع) و از غرب به محله صالح‌آباد محدود است. در گذشته تقریباً همه خانه‌های محله هم شکل بودند و هر خانه ایوانی وسیع و حیاطی بزرگ داشت. این محله دارای ۸۸ کوچه است که در گذشته به‌ترتیب فصل و ماه‌های سال نامگذاری شده بودند و در نشانی هر مکانی به‌ترتیب فصل و بعد ماه را بیان می‌کردند. بعد از سال ۱۳۸۶ به تصویب شورای شهر تهران کوچه‌ها به

نام شهیدان نامگذاری شدند. خیابان اصلی محله ۱۳ آبان فعلی درختان چنار و کاج بلند و کهنسالی دارد و بوستان‌های سرسبز آبان، آتش‌نشانی، خوروسی و گلگون یادگار روزگار قدیم محله هستند با وجود نامگذاری‌های جدید محله ۱۳ آبان، اهالی قسمت‌های مختلف محله را به عناوینی خاص می‌شناسند که به نام‌های معمول محله‌ها شباهت دارد. عظیم‌آباد، معراج، صالح‌آباد، بهزیستی، ته خط، بازار روز، پشت کلاتری و... از جمله این عناوین و نشانی‌های خاص داخل محدوده محله است که میان اهالی شناخته‌شده هستند.



محلۀ سرتخت

محل بر تخت نشستن والی



محلۀ «سرتخت» نام خود را از چند قرن گذشته یدک می‌کشد. این نام در اوایل دوران قاجاریه بر این محل گذاشته شده است. از آنجا که شهری یکی از آبادترین و غنی‌ترین شهرهای ایران و محل رفت‌وآمد بزرگان و داد و ستدهای کلان بود محلۀ سرتخت نیز از این رفت و آمدها بی‌نصیب نبود و در محدوده سرتخت به امور تجاری و داد و ستدهای مردمی رسیدگی می‌شد.

از این نظر این محلۀ به نام سرتخت شهره شد که والی و سلطان شهر در میدانگاهی این محلۀ بر تخت می‌نشست و به امور و شکایات مردم رسیدگی می‌کرد. سرتخت با وجود بافت قدیمی هنوز برای خیلی از اهالی قدیمی از بارزش‌ترین و اصیل‌ترین مکان‌های ری است. بسیاری از مبارزان انقلابی، سیاسیون و عالمان ری از همین محلۀ برخاسته‌اند. از نمادهای مهم‌محلۀ سرتخت، آب‌انبار بسیار بزرگ وسط میدان، قبرستان سرتخت و حمام سرتخت بود که اکنون از نمادهای محلۀ فقط حمام سرتخت باقی مانده است. قوس برجسته آجرچینی این آب‌انبار در روزگار قدیم وسط میدان، مکان مناسبی را برای دور هم جمع شدن اهالی ایجاد کرده بود که خان و والی بر آن جلوس می‌کردند و در دوران پهلوی همین مکان تفرجگاه اهالی شده بود. برآمدگی که توسط آب‌انبار ایجاد شده بود مکان مناسبی برای نشستن پیرمردها بود و بچه‌ها در اطراف آن بازی می‌کردند. در قسمت شمال میدان نیز قبرستان کوچکی بود و متولی آن، «تعمان» تا ۲۰ سال پیش زنده بود. از وقتی قبرهای قدیمی، جمع‌آوری و فتنسی دور این زمین کشیده شد همه از یاد بردند که اینجا روزی آرامستان بود. حمام سرتخت از بناهای قدیمی ری هنوز متروکه نشده است. یکی از دلایلی که این حمام هنوز از رونق نیفتاده همسایگی در جوار حرم حضرت عبدالعظیم(ع) است. زائران و مسافرانی که برای زیارت به ری می‌آیند اغلب از این حمام استفاده می‌کنند.



محلۀ نفرآباد

محلۀ شتربانان



محلۀ نفرآباد پهنه وسیعی از یک محلۀ قدیمی چندصدساله شهری است و از اصیل‌ترین و نخستین محلۀهای شهری به شمار می‌آید. بومیان قدیمی این نواحی از شترداران (نفرداران) شاهان صفوی و قاجار بوده‌اند و دور تا دور محلۀ کاروانسرا و محل اتراق شتربانان بوده است. به همین دلیل، به «نفرآباد» معروف شده است. این محدوده از منطقه ۲۰ به دلیل آب و هوای خوش و همسایگی با حرم حضرت عبدالعظیم(ع)، محل رفت‌وآمد درباریان و شاهان دوره‌های مختلف بوده است. یکی از کوچه‌های قدیمی و معروف محلۀ نفرآباد کوچه شاه غلامان بوده که نوکران و خادمان شاه و درباریان در آنجا زندگی می‌کردند. بعدها این کوی به کوچه شهید صادقی تغییر نام پیدا کرد. میدان «سلمان فارسی» که پیش‌تر به نام میدان اصلی نفرآباد شهرت داشت، هنوز هم مسیر تردد شهروندانی است که راهی نقاط مختلف شهر می‌شوند. در میان آثار تاریخی محلۀ نفرآباد، تکیه‌ای به نام مرحوم حاج نصیری وجود دارد که از اصالت و سابقه ویژه‌ای برخوردار است. این تکیه از دیرباز محل رفت و آمد پهلوانان و



محلۀ ولی‌آباد

گذر ابتدایی ریل آهن تهران- جنوب



در خیابان شیر و خورشید باغ ملک قرار داشت که متعلق به دوران قاجار بود و در زمان جنبش مشروطه، علما برای مخالفت با ناصرالدین‌شاه در این باغ بست نشستند. اکنون یک قسمت از این باغ آپارتمان‌سازی شده، در قسمتی از آن مدرسه تیزهوشان ساخته شده و قسمت کوچکی هم باقی مانده که بنایی خشتی و گلی است و بادگیر دارد. در انتهای خیابان شیر و خورشید هم که به حرم حضرت عبدالعظیم(ع) متصل می‌شد، نخستین مدرسه پرستاری ایران به نام مدرسه رضاشاه و انبار اموال شیر و خورشید (هلال احمر) کنونی) وجود داشت و نام محلۀ و خیابان شیر و خورشید به دلیل وجود این دو محل بوده است.» به گفته ریش‌سپیدان محلۀ ولی‌آباد، ملاکی به نام «کربلایی مرتضی رفاهی» مالک بخش عمده زمین‌های این محلۀ بوده و کوچه شهید ابراهیمی فعلی هم در گذشته به کوچه رفاهی شهرت داشته است. ساکنان اولیه محلۀ ولی‌آباد اغلب از شهرهای اراک، اردستان، اصفهان و کاشان مهاجرت کرده بودند و کشتی‌گیر ارaki تباری به نام «ولی‌الله‌تقوایی» که در حمام میدان شهرری کار می‌کرد، جزء این مهاجران بوده است.



محلۀ فیروزآباد

شیخ نیکوکار فیروزآباد

در گذشته قریه‌ای کوچک که محل تولد مرحوم آیت‌الله «سیدرضا فیروزآبادی» بود، نام فیروزآباد را یدک می‌کشید. مرحوم فیروزآبادی در این قریه که در ۶ کیلومتری شهرری واقع شده بود، متولد شد و دوران کودکی و نوجوانی خود را گذراند. مرحوم فیروزآبادی پس از مرگ استادش «آیت‌الله شریعت اصفهانی»، از شهر نجف به شهرری برمی‌گردد و دوباره در قریه پدری خود ساکن می‌شود. او زمانی که تصمیم می‌گیرد مریضخانه دایر کند، محلۀ فیروزآبادی کنونی را



محلۀ دیلمان

۳پارۀ واژه عجیب

نام دیلمان از ترکیب سه پارۀ واژه «دیل»، «ام» و «ان» به وجود آمده است. (دیل) به معنی جایی است که در آن دام نگه می‌دارند و (ام) پسوند نمایشگر ارتفاع و بلندی است و (ان) پسوند مکان. در نتیجه معنی این ترکیب جای بلند نگهدارنده دام است و در حقیقت دیلمان به معنی سرزمین بلندی است که در آن دامداری می‌شود. «حسین لطفی‌پور» شورایار محلۀ دیلمان، می‌گوید: «محلۀ دیلمان از پرجمعیت‌ترین محلۀهای شهرری است که مکان‌های تاریخی مانند بقعه‌بی‌بی زبیده(ع) و امامزاده عبدالله(ع) و مکان‌های اداری و امروزی مانند اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲شهر ری، یکی از پایگاه‌های سپاه پاسداران و چند شعبه بانک را چهارراه دیلمان هسته اولیه این محلۀ بوده است.» لطفی‌پور از ۲زمین فوتبال قدیمی محلۀ یداد می‌کند و می‌گوید: «به این زمین‌های خاکی که با دیوار گلی محصور شده بود، زمین‌های

فوتبال رگبار می‌گفتند و محل تمرین و بازی جوانان محلۀ به شمار می‌آمدند.» به گفته شورایار محلۀ دیلمان، کوی «انصاف» که محل سکونت تعداد زیادی از بومیان قدیمی دیلمان است، در گذشته به چاله مگسی معروف بوده است. لطفی‌پور توضیح می‌دهد: «عده‌ای تصور می‌کنند فراوان بودن مگس دلیل نامگذاری این گود بوده که منطقی به نظر نمی‌رسد و نمی‌توان این نظریه را پذیرفت و ریشه تاریخی ندارد.» اکنون مکان چاله مگسی (کوی انصاف) به بزرگراه شهید کریمی متصل شده و خانه‌ها و املاک آن از خوش‌نشین‌ترین نقاط منطقه ۲۰شهرداری محسوب می‌شود. کوی انصاف در همسایگی ایستگاه مترو شهرری قرار گرفته است. در حفاری‌های مکان‌های مختلف محلۀ دیلمان نشانه‌های تمدنی مهمی مانند بازارچه زیرزمینی متعلق به قرون ۴ و ۵ و کوزه‌های سکه دوران سلجوقیان به دست آمده است.



فیروزآبادی و شخصیت‌های نام‌آوری مانند جلال‌ال‌احمد و محمد همایون (بنیانگذار حسینیۀ ارشاد) شهرت دارد. محلۀ فیروزآباد نه تنها نامش، بلکه آبادانی و امکانات امروزش را هم از این شیخ نیکوکار به یدادگار دارد و به دلیل وجود بیمارستان فیروزآبادی، امکانات دیگر هم در محلۀ ایجاد شده است. اکنون محلۀ فیروزآباد وسعت قابل توجهی دارد و از امکاناتی مانند چند مدرسه در مقاطع

تحصیلی مختلف، مسجد و حسینیۀ، خانه بهداشت، داروخانه، کلینیک پزشکی، کانون فرهنگی، زمین فوتبال و کارگاه‌های تولیدی متعدد برخوردار است. وجود این امکانات سبب رفاه اهالی این محلۀ و محلۀهای همجوار شده است.



محلۀ ظهیرآباد

کتابخانه‌ای بزرگ‌تر از کتابخانه‌های غرب



عده‌ای از اهالی نام این محلۀ را با نام «ظهیرالاسلام» داماد ناصرالدین شاه مرتبط می‌دانند و بر این باورند که ظهیرالاسلام مالک بخشی از زمین‌های روستا بوده، اما در منابع تاریخی از سکونت یا مالکیت داماد ناصرالدین شاه در ظهیرآباد ری مطلبی ذکر نشده است. «مسعود امان‌اللهی» رابط شورایاری منطقه ۲۰، می‌گوید: «فردا قدیمی محلۀ فردی به نام «ظهیر» را به خاطر دارند که در خیابان شهید کمالی فعلی سکونت داشت و زمین‌دار و صاحب مزارع سبزی‌کاری وسیع بود، ولی اسنادی وجود ندارد که گرۀ خوردن شهرت و نام محلۀ با نام این شخص را دهد.» امان‌اللهی به فرسوده بودن اغلب بناهای مسکونی ظهیرآباد اشاره می‌کند و می‌گوید: «در گذشته سبزی‌کاری، صیفی‌کاری و کشاورزی در این محلۀ رونق داشته است. باغ وسیعی که بعد از زورخانه تختی قرار گرفته به شازده‌ای گمنام تعلق داشته و از سال‌ها پیش رها شده است.» بر اساس اسناد تاریخی، «صاحب بن عباد» ادیب مشهور عصر دیلمیان، نخستین کتابخانه عمومی جهان اسلام را در این محلۀ بنا کرد که یکی از جهانگردان غربی در وصف آن نوشته است: «مجموع تمام کتابخانه‌های اروپا کتابخانه صاحب نمی‌شود.» وجود این کتابخانه از قدمت محلۀ ظهیرآباد حکایت می‌کند. واقع شدن برج سلجوقی طغرل در ظهیرآباد هم گواه دیگری بر پیشینه تاریخی آن است.

گشت و گذار در مهد بزرگان و دانشمندان

آنان که نام ری را پر آوازه کردند

فاطمه عسکریا

شهری، شهر پر آوازه با قدمتی به طول قرن‌ها همیشه به مهد بزرگان و دانشمندان شناخته شده است. قرن‌ها مردم بسیاری از هر روستا، شهر و کشوری راهی ری برای کسب علم و تجارت می‌شدند و برخی در این ملک ماندگار و خدمتگزار شدند و در نقطه‌ای از خاک این سرزمین آرام گرفته‌اند. برخی دیگر در ری به دنیا آمدند و بنا به دلایلی به یکی از شهرهای ایران و یا به کشورهای اسلامی عزیمت کردند و مزارشان را آنجا زیارت کرد. در اینجا به شاخص‌ترین چهره‌های جهانی که در ری‌زاده شده‌اند پرداخته‌ایم.

زکریای رازی: کاشف الکحل، اهل ری بود

«محمد بن زکریای بن یحیی رازی» معروف به همه چیزدان در سال ۲۵۱ هجری قمری در شهر ری به دنیا آمد. هیچ‌کس از علمای آن زمان در زمینه‌های شیمی، فیزیک، فلسفه، موسیقی، شعر، طبابت و نجوم به پای دانسته‌های این شخصیت مهم نمی‌رسید. زکریای رازی در خیلی از ابتکارات نخستین بود؛ مثلاً او نخستین پزشکی بود که داروهای الکالوندی غیرسمی را برای درمان استفاده کرد و معتقد بود طبیب باید بیمار را با غذا درمان کند. روز پنجم شهریورماه روز بزرگداشت زکریای رازی و روز داروسازی نامگذاری شده است. این طبیب نامدار در شیمی و کشفیات اسیدی حرف اول را می‌زد و به کاشف الکحل در جهان شهره است. اما او یکی از تأثیرگذارترین افراد در ملک ری بود. بیمارستان و مدرسه‌ای در منطقه فیروزآباد ساخت که بعد از آموزش تنوری به‌صورت تشریحی در بیمارستان آموزش‌ها را تکمیل می‌کرد. در اینجا فرصت نام بردن از آثارش نیست و اگر علاقه دارید درباره او بیشتر بدانید باید مطالعات مفصلی انجام دهید. رازی در سن ۶۲ سالگی پس از آنکه بر اثر مواد شیمیایی نابینا شد در سال ۳۱۳ هجری قمری در ری وفات یافت. قرار است در امامزاده شعیب(ع) واقع در بخش قلعه‌نو شهرستان ری یادمانی برای زنده نگه داشتن یادش ساخته شود.



امام فخر رازی: نخستین کسی که فلسفه و کلام را به هم آمیخت

«ابوعبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن تیمی بکری طبرستانی رازی» ملقب به فخرالدین و شهرت به امام فخر رازی دارد. او سال ۵۴۴ قمری در شهر ری به دنیا آمد. علاقه او به دانستن علوم عقلی، علوم نقلی، علوم ادبی باعث شد ری را به مقصد هرات و خراسان ترک کند. این اندیشمند با سیاستی که در ترویج علوم به دیگران داشت نه تنها در ری بلکه با تدریس در علوم مختلف در سرزمین‌های اسلامی توانست نقش مؤثری در دوران حیات و بعد از حیاتش ایفا کند. فخر رازی نخستین کسی بود که فلسفه و کلام را به هم آمیخت و الگوی متکلمان پس از خودش شد. این فیلسوف بزرگ در قرن ششم و هفتم به‌عنوان دانشمندی معروف و حکیمی ماهر شناخته شده بود. سرانجام فخر رازی در سال ۶۰۶ در هرات درگذشت و او را در مرادخان به خاک سپردند.



کلینی رازی: محدث عظیم‌النشأ و نویسنده کتاب «کافی»

«محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی» سال ۲۵۵ هجری قمری در روستای کلین از توابع ری در زمان امام عسکری(ع) به دنیا آمد و تحصیلاتش را در ری گذراند. به دلیل آنکه مذهب تشیع به واسطه فعالیت سایر مذاهب و فرقه‌ها ضعیف نشود تلاش‌های بسیاری کرد و همین سبب شد تا شهرت «ثقه الاسلام» را بگیرد. کتاب «کافی» کلینی یکی از نفیست‌ترین کتاب‌ها از مجموعه کتب چهارگانه حدیثی مذهب تشیع است. او محدثی عظیم‌النشأ بود که در سن ۷۰ سالگی در بغداد از دنیا رفت و برای او آرامگاهی در باب الکوفه در بغداد در ناحیه شرقی نهر دجله بنا نهادند. برای اهمیت و جایگاه کلینی در فرهنگ شیعه به مناسبت یک هزار و صدمین سال وفات ایشان تمبر یاد بودی منتشر شد.



عبدالرحمن صوفی: استاد ریاضی، ستاره‌شناس و کاشف کهکشان آندرومدا

«ابوالحسن عبدالرحمن صوفی» یکی دیگر از مشاهیری است که در سال ۲۹۱ قمری در ری به دنیا آمد و سال‌های زیادی در این شهر زیست. عبدالرحمن صوفی نخستین ستاره‌شناسی است که کهکشان آندرومدا را کشف و گزارش رصدی ابر ماژلانی بزرگ را ثبت و همچنین نخستین کسی بود که گزارش رصدی کره‌های آسمانی خارج از کهکشان راه شیری را کشف کرد. همه او را به‌عنوان استاد ریاضی و ستاره‌شناس برجسته ایرانی سده چهارم می‌شناسند. استادان بزرگ امروز درباره این ستاره‌شناس بزرگ معتقدند که او نگاه ما را به ستارگان در آسمان تغییر داد و اکنون بعد از گذر سال‌ها هنوز به‌عنوان یکی از ستاره‌شناسان با نفوذ جهان نام برده می‌شود. زندگی‌اش را به پیشبرد درک امروزی‌ها از ستارگان و صور فلکی اختصاص داد و مشاهدات دقیق او پس از یک هزاره هنوز معتبر است. وی در سال ۳۷۶ قمری در شیراز چشم از دنیا فرو بست.



ابوالفتح بندار رازی: نویسنده «چمن‌نامه» و شاعر فارسی و عرب‌زبان

این شعر از فهلویات است و معنایش این‌گونه در کتب آمده: با این نیم دل از کسی نمی‌ترسم‌ای فلان کس که تو دل نداری از که می‌ترسی؟ این بیت از «کمال‌الدین ابوالفتح بندار رازی» شاعر ایرانی نیمه دوم سده چهارم هجری و معاصر آل بویه است. لقب وی «ملک‌الکلام» است و از نامداران منطقه قهستان ری به شمار می‌آید. وی از نخستین شاعرانی است که به لهجه محلی شعر سروده است. سروده و حمدالله مستوفی در «تاریخ گزیده» درباره او آورده: «دیوان» بندار معتبر و معروف است و او کتاب خواندن هم به‌نام دارد. ابیات لهجه‌ای او در زمان خودش بسیار شهرت داشته، به‌طوری‌که عین‌القضات همدانی در نامه‌های خود از آنها استفاده می‌کرد. او در سال ۴۳۳ هجری فوت کرده است.



دروازه ری





گردشگری زیارتی



حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در بقعه و بارگاهی آرمیده که به دستور «برکیارق سلجوقی» در قرن پنجم هجری قمری ساخته شده است

تشیع علوی سوغات مسافر ری

فاطمه عسکری نیا

ری از کهن‌ترین شهرهای باستانی ایران است که وقتی تاریخش را ورق می‌زنیم قدمتش به قرن هفتم پیش از میلاد می‌رسد. از نام ری حتی رد پاهایی در کتیبه بیستون دیده می‌شود که از آن به‌عنوان «رکا» یاد شده است. درست است ری در دورهای پایتخت مذهبی زرتشتیان، اشکانیان و حتی آل بویه و سلجوقیان در عصر اسلامی بود، اما اهمیت و جایگاه ری به‌عنوان پایتخت گردشگری مذهبی نهران به واسطه حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) است که بین عامه به شاه عبدالعظیم(ع) مشهور شده.

حضرت عبدالعظیم که بود؟

حضرت عبدالعظیم حسنی سال ۱۷۳ هجری قمری در مدینه متولد شد و ۸۰ سال عمر کرد. او در زمان حیات خویش محضر مبارک چهار امام معصوم اعم از امام موسی(ع)، امام رضا(ع)، امام جواد(ع) و امام هادی(ع) را درک کرده است. ایشان از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی(ع) است و همین نسبت از دلایل شهرت این شخصیت عظیم فرهنگی و جهادی به عبدالعظیم حسنی(ع) در بین مردم است. حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) همچنین با چهار واسطه، از نوادگان حضرت علی(ع) محسوب می‌شود.

سفر به ری

در دوران زندگی حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) خلفای عباسی رفتار خوبی با اهل بیت پیامبر(ع) نداشتند و اوضاع سیاسی حاکم بر جامعه نامناسب بود. علت سفر حضرت عبدالعظیم(ع) به ری هم ریشه در همین وضعیت داشت. این که چرا حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) قصد سفر به ری کرد ماجرای به ملاقات ایشان با امام هادی(ع) برمی‌گردد؛ ملاقاتی که تا خبرش به گوش صادر کرد. حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) که یکی از عالمان، مجتهدان و شخصیت‌های بارز سیاسی و مذهبی در زمان خود بوده است، برای رهایی در امان ماندن به‌صورت ناشناس شهر به شهر می‌گردد تا به شهری می‌رسد که آن زمان یکی از معتبرترین و مهم‌ترین سرزمین‌های شیعه‌نشین بود.

در طول دورانی که حضرت در شهری حضور داشت هویت خودش را فاش نکرد و ترجیح داد با هویتی ناشناس به خانه یکی از شیعیان در محله ساربانان کوی سکالمولی برود. اما در تمام مدتی که در شهری سکونت داشت به‌صورت مخفی با

شیعیان ارتباط برقرار کرد و به شبهات و سؤالات دینی مردم پاسخ داد.

وکیل امام هادی در ری

محمد امین نخعی، کارشناس علوم قرآنی، در خصوص جایگاه حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در شهری می‌گوید: «امام صادق در دوره امامت خود یک سازمان ایجاد کرد تا بدین وسیله با تمام شیعیان سرزمین‌های اسلامی ارتباط برقرار کند. این سازمان وکلا نام داشت که ناشر مخفیانه افکار شیعیان بود. امام هادی، حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) را به‌عنوان وکیل خود در ری انتخاب کرد.»

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) هم در راستای توسعه سازمان وکلا و گسترش تعالیم اهل بیت(ع) در ری سنگ تمام گذاشت. او با تمرکز بر حل مشکلات شیعیان در شهری چتر حمایتی و هدایت تشیع را در منطقه گسترش داد بدون اینکه کسی از مقام و منزلت او که به ظاهر یک سید عادی بود مطلع باشد. تنها تفاوت او با افراد دیگر علم و دانشی بود که همراه خود داشت.

شخصیت حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) تا آخرین روزی که زنده بود برای مردم شهری آشکار نشد. بعد فوت وی، وقتی در حال خارج کردن لباس‌هایش برای غسل بودند تکه کاغذی پیدا کردند که روی آن نوشته بود: «من ابوالقاسم، پسر عبدالله، پسر علی، پسر حسن، پسر زید، پسر حسن، پسر علی ابن ابیطالب(ع) هستم.»

زیارت عبدالعظیم حسنی(ع) برابر زیارت امام حسین(ع)

خدمات علمی حضرت عبدالعظیم(ع) که از علمای زمان خود بودند باعث برجسته شدن وی شده بود تا جایی که زیارت ایشان را برابر با زیارت حضرت سیدالشهدا(ع) می‌دانند. درباره برابر بودن زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) هم روایت‌های بسیاری وارد شده که در یکی از آنها آمده است: امام هادی(ع) خطاب به یکی از اهالی ری فرمودند: «بدان که اگر قبر عبدالعظیم در شهر خودتان را زیارت کنی، همچون کسی باشی که حسین‌بن علی(ع) را زیارت کرده باشد.» (میزان التکمه، ج ۱، ۷۹۸۴)

جایگاه علمی حضرت

حجت‌الاسلام «محمد صدارت» کارشناس علوم قرآنی، با اشاره به تعدد امامزاده‌ها در شهری می‌گوید: «دلیل برجسته بودن ایشان نسبت به سایر امامزادگان به جایگاه علمی ایشان برمی‌گردد. حضرت عبدالعظیم(ع) از چند تفاوت ویژه برخوردارند که مهم‌ترین این تفاوت‌ها ارتباط او با امام زمان خود بوده است. همین ارتباط مستمر وی با امام هادی(ع) و دستور گرفتن از ایشان و چک کردن رفتارهای خود با امام زمان حسنی(ع) همین علمی بودن و دین‌شناسی ایشان بود که محافل و اهالی ری را پای صحبت‌های ایشان می‌نشانند.

تاریخ وفات

در سال‌های ۲۵۴ تا ۲۵۵ هجری قمری، پیکر مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)، در خارج از باروی شهرستان ری و در باغی به خاک سپرده شد. هر چند از نخستین بنای ساخته شده بر قبر ایشان، اطلاعات دقیق و مستندی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد که مدتی پس از خاکسپاری و دفن حضرت عبدالعظیم(ع) در باغ شخصی به نام «عبدالجبار رازی» در قرن



سوم هجری قمری و به دستور «محمد بن زید داعی‌علوی» بنایی بسیار ساده روی قبر مطهر ایشان ساخته شد.

بقعه و بارگاه تاریخی

حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) امروز یکی از جاذبه‌های گردشگری شهری است. علاوه بر بارگاه ملکوتی این عالم شیعه، بزرگان دینی، علمی و هنری بسیاری در این شهرستان مدفون هستند که می‌توان به جلال آل احمد (نویسنده و متفکر شیعه، آیت‌الله کاشانی، محمدرضا مهدوی کنی، شیخ صدوق (محدث و فقیه شیعه در قرن چهارم هجری)، شیخ محمد خیابانی و... اشاره کرد. سردر آجری که در درگاه اصلی حرم قرار دارد کهن‌ترین اثر کشف شده در حرم مطهر عبدالعظیم حسنی(ع) است. روی این سردر نام «مجدالملک قمی براوستانی» بنای آن از وزیران «برکیارق سلجوقی» در قرن پنجم هجری قمری نوشته شده است. سمت چپ درگاه مذکور هم کتیبه‌ای قرار دارد که به بازسازی و تعمیر بنای بقعه، در نیمه دوم قرن دوم هجری قمری به همت «محمدبن زید داعی علوی» اشاره شده است. در برخی کتب تاریخی نیز در مورد تعمیر و بازسازی حرم عبدالعظیم(ع) در قرن چهارم هجری قمری و در زمان «عضدالدوله دیلمی» سخنانی ثبت شده است.

مرمت و توسعه حرم در ادوار مختلف

بنابر این کاملاً بدیهی است که مراحل تکمیل و توسعه بارگاه حضرت عبدالعظیم(ع)، در ادوار مختلف انجام شده است تا در عصر حاضر، شاهد مکانی روحانی و مملو از آثار و زیبایی‌های معماری سده‌های مختلف باشیم. با توجه به معماری و تزیینات باقی‌مانده از قرون گذشته در حرم مطهر، به نظر می‌رسد که بقعه مبارک عبدالعظیم حسنی(ع) در دوران تیموریان با ساخت و بازسازی‌هایی مواجه شده است. حکمرانان صفوی نیز اقدامات قابل توجهی جهت توسعه، ایجاد و بازسازی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) انجام داده که می‌توان به ساخت ایوان اصلی آستان در اواسط قرن ۱۰ هجری قمری اشاره کرد. دیگر پادشاهان صفوی نیز رویه توسعه و بازسازی حرم را ادامه داده و به ثبت آثار و ساخت بناهایی در پیرامون حرم پرداختند.

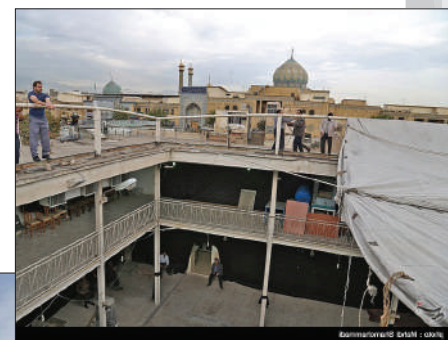
در عهد قاجاریان نیز پس از انتخاب تهران به‌عنوان پایتخت کشور و نزدیکی شهرستان ری به پایتخت، بارگاه عبدالعظیم حسنی(ع) مورد توجه مسئولان آن زمان قرار گرفت و ساخت‌وسازهای متعددی در آن انجام شد که اکثر عمارات و بناهای متعلق به حرم عبدالعظیم(ع) و امامزاده حمزه(ع) که در نزدیکی بقعه مطهر عبدالعظیم حسنی(ع) دفن شده‌اند، مربوط به آن ایام است.

نخستین تکیه تهران در ری برپا شد

۴۰۰ سال عزاداری حسینی در تکیه نفرآباد

فاطمه عسگریا

تکیه نفرآباد در ضلع شرقی حرم حضرت عبدالعظیم(ع) واقع شده است. تاریخش را که ورق می‌زنیم عمرش به سال ۱۰۶۰ هجری قمری می‌رسد؛ یعنی ۱۰۰ سال بعد از اینکه نخستین حصار تهران کشیده می‌شود. عنوان نخستین تکیه تهران را با خود به یاد می‌کشید. تکیه‌ای که بیش از ۴۰۰ سال از عمرش می‌گذرد و یادگاری از دوره قاجار است، متأسفانه ثبت ملی نشده و همین مسئله باعث تهدید شود. یک روز به بهانه اجرای یک طرح توسعه حرم یک روز به بهانه ساخت پارکینگ، فردا روز هم به بهانه‌ای دیگر.



حالا چرا نفرآباد؟ تکیه نفرآباد در محله نفرآباد شهری واقع شده است. روایت‌ها حکایت از آن دارد که در دوره صفویه یکی از تیره‌های ایل قشقایی به نام نفر از استان فارس به شهری کوچ می‌کنند. این منطقه پس از سکونت آنها کم‌کم آباد می‌شود و نفرآباد شهرت می‌گیرد. این مردم مؤمن و معتقد تکیه نفرآباد را برای عزاداری‌های خالصانه خود برپا کردند. تکیه نفرآباد قرن‌های قرن است که در سایه آفتاب درخشان ری ادامه حیات می‌دهد و نوای یا حسین نفرآبادی‌ها در آن طنین‌انداز می‌شود. بومی‌های منطقه تاریخ این تکیه را از حفظند. از بانیان این تکیه به‌عنوان صاحب‌جمع یاد می‌کنند و می‌گویند: «پدرانشان از داروغه‌های ناصرالدین شاهی و شتردار بودند به خاطر همین اسمشان را صاحب‌جمع گذاشتند.» همه از حاج غلامعلی خان نصیری که امروز اداره امور تکیه به دست فرزندانش هست به نیکی یاد می‌کنند. از دیرباز عزاداری در این تکیه با آداب و رسوم خاصی همراه بوده است، روابط بین عزاداران صمیمی است و هر کسی مسئولیت خاصی دارد. علی ایرانیان، مسئول هیئت متوسلین تکیه نفرآباد) یکی از هیئت‌های طایفه‌ای نفرآباد، در مورد آداب و رسوم عزاداری این تکیه می‌گوید: «در قدیم این تکیه دارای هشت طاق بود که هر طاق به یک گروه خاص اختصاص داشت؛ یک طاق مخصوص خانم‌ها و طاقی دیگر مخصوص

«رعیت»، که در آن قسمت می‌نشستند و عزاداری می‌کردند. مردان دور تا دور تکیه و زنان در وسط و کودکان مقابل مادرهایشان می‌نشستند و عزاداری می‌کردند.» دور تا دور تکیه نفرآباد غرفه‌غرفه بود هر غرفه به طاق نما معروف بود و هر طاق نما متعلق به یکی از خانواده‌های نفرآبادی بود. هر طایفه یک طاق نما را می‌بست و چراغ‌هایی را در آن روشن می‌کردند که به زبان عامه به لمپه شهرت داشت. در زمان عزاداری زنجیرزن‌ها در ایوان زنجیر می‌زدند و صاحب‌جمع‌ها در سکوی شمال تکیه می‌نشستند. البته بعد از تخریب بخش‌های قدیمی این قسمت‌ها جمع شد که علت هم افزایش جمعیت نفرآباد و ضرورت اجرای طرح توسعه تکیه در سال ۴۲ بود تا همه اهالی در آن جا شوند. ایرانیان با بیان اینکه در گذشته فقط روز عاشورا و شب تاسوعا به عزاداران شام می‌دادند و مانند زمان کنونی مراسم شام هر شب دایر نبوده است و در پایان مراسم عزاداری، مهمانان با چای پذیرایی می‌شدند، می‌افزاید: «تماز به جماعت در تکیه خوانده می‌شد و سپس روحانی بالای منبر می‌رفت و در مورد واقعه عاشورا و قیام امام حسین(ع) سخنرانی می‌کرد. این تکیه در سال ۱۳۴۲ یکبار بازسازی شد و بعد از آن رونق بیشتری یافت.» تکیه نفرآباد از معدود تکیه‌های شهر است که هنوز خیمه عزای حسین بر آن افراشته می‌شود. آخرین جمعه مانده به ماه محرم کارهای تکیه را انجام می‌دهند تا همه بچه‌های محله نفرآباد حضور داشته باشند و کار برپایی چادر و سیاهپوش کردن تکیه را انجام دهند. بعد از حدود ۴۰۰ سال سرهیئت این تکیه قدیمی تهران امروز یک زن است. خانم محبوبه نصیری، بانویی جا افتاده که سال‌هاست کنار عاشقان ابا عبدالله‌الحسین(ع) هر سال محرم تکیه را برای عزاداری آماده می‌کند. یکی از علت‌هایی که باعث شده است تا تکیه نفرآباد تا به حال باقی بماند، موقوفه بودن آن است؛ ۳ دانگ وقف است و ۳ دانگ دیگر در اختیار خانواده نصیری. عزاداری نفرآبادی‌ها در این تکیه سال‌هاست نسل به نسل ادامه یافته است. ردپای پهلوانان و عیاران صاحب‌نام در این تکیه دیده می‌شود. از جهان پهلوان تختی و طیب گرفته تا هفت کچلون، رمضون یخی و... تکیه نفرآباد به دلیل فرسودگی و قدمت زیاد ۲۰ سال پیش بازسازی شده است.

یادداشت

گفت‌وگو با «نوروز تقی‌پور» مدیر میراث فرهنگی راه‌اندازی نخستین پایگاه میراث فرهنگی شهر ری؛ بزودی دکتر محسن سعادت

شهری با قدمتی کهن در قرن حاضر گنجینه‌ای از فرهنگ، علم، تاریخ و تمدن را در دل خود جای داده است و از دیرباز به‌عنوان مهد اسلام از آن نام برده‌اند. حفظ و نگهداری چنین میراث پرارزشی نیاز به مشارکت جدی دارد و بی تردید می‌توان از این ظرفیت برای جذب گردشگر به این منطقه بهره برد. با «نوروز تقی‌پور» مدیر اداره میراث فرهنگی شهر ری، درباره تدابیر و برنامه‌های این اداره در قرن پیش رو و پررنگ شدن نقش گردشگری گفت‌وگو کردیم.

برای آینده چه برنامه‌هایی در نظر گرفته‌اید که بتوان نقش گردشگری را در منطقه ری پر رنگ دید؟

با توجه به آنکه بنا به تجربه کار در صندوق احیا و گردشگری در استان، اشرافی نسبی به این مناطق دارم، برخی از جاذبه‌های این منطقه شناسایی شده و تعدادی دیگر در شرف ثبت هستند. شهری حدود ۴۱ بنای تاریخی ثبت‌شده دارد و حدود ۲۰۰ اثر شناسایی شده است. در مورد نقاط شاخصی که گردشگرپذیر هستند باید به دژ رشکان، قبرستان قدیمی ابن بابویه، برج طغرل و چشمه‌علی اشاره کنیم و بگوییم که برای حفظ و صیانت از آنها در تلاشیم و در این مسیر یکی از برنامه‌ها دعوت از بخش خصوصی است. همچنین اماکن مطرح این محدوده بنای قدیمی کارخانه سیمان تهران و کوه بی‌بی شهربانو است. امیدواریم با حمایت مسئولان طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به نتایجی مطلوب بینجامد و از مجموعه این ظرفیت‌ها برای گردشگری استفاده کنیم.

چه طرح‌هایی برای افزایش جذب گردشگر دارید؟

شهری از پیشینه غنی تاریخی برخوردار است که به لحاظ میراث فرهنگی ممتاز و برجسته است. بنابراین، طرح راه‌اندازی نخستین پایگاه میراث فرهنگی شهری را برنامه‌ریزی کرده‌ایم و امیدواریم با این پایگاه اقدامات کارسازی صورت بگیرد. اقدام دیگر، استفاده از بخش خصوصی برای معرفی جاذبه‌های گردشگری شهری است، چون این شهرستان قابلیت‌های گردشگری چشمگیر دارد. ساخت واحدهای اقامتی برای گردشگران و توریست‌ها مانند هتل آستان و مجتمع‌های اقامتی و سنتی قدم بعدی در این مسیر است.

پایگاه ملی میراث فرهنگی شهری چه وظایفی را به عهده دارد و به نظر شما چه تأثیری می‌تواند در این روند داشته باشد؟

در واقع در این مرکز اماکن فرهنگی و باستانی منطقه شناسایی می‌شوند و در این حوزه کارشناسان باستان‌شناسی به‌صورت تخصصی به مطالعه و پژوهش درباره مسائل میراث فرهنگی می‌پردازند. بدون شک، با وجود گروه‌های تحقیقاتی، بسیاری از جاذبه‌های منطقه شناسایی و حریم آنها مشخص خواهد شد و شاهد برپایی کنگره‌های ملی و استانی تأثیرگذار خواهیم بود. به‌طور مثال، کشف اخیر ریل ماشین‌دودی یا گمانه‌زنی‌هایی که اخیراً توجه به اسناد موجود درباره ساخت یادمان زکریای رازی در امامزاده شعیب شاهد بودیم همه مصداق این نکات است. شهری به دلیل تردد زائران و جاذبه‌های تاریخی مورد توجه است و در این مورد ما نیاز به پژوهش و مطالعات کافی و همین‌طور همکاری سازمان‌ها و ادارتی همچون شهرداری فرمانداری و شورای شهر اسلامی تهران داریم.

تعدد بقاع متبرکه حال و هوای خاصی به قبله‌گاه تهران بخشیده است

ری پناهگاه امامزادگان

فاطمه عسگریا

ری را شهر امامزادگان نیز می‌نامند؛ علت آن هم تعدد وجود بقاع متبرکه و امامزاده‌ها و در رأس همه شاه عبدالعظیم حسنی است که حال و هوای معنوی به این شهر بخشیده. وجود این امامزاده‌ها در ری و توجه علما و نخبگان دینی به این شهر باعث شده تا از ری به‌عنوان قبله‌گاه تهران هم یاد شود. آستان و بقعه هریک از امامزاده‌ها به واسطه سازه تاریخی، جاذبه‌ای از جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی ری محسوب می‌شود. در این نوشتار به معرفی تعدادی از این امامزاده‌ها پرداخته‌ایم.

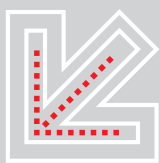
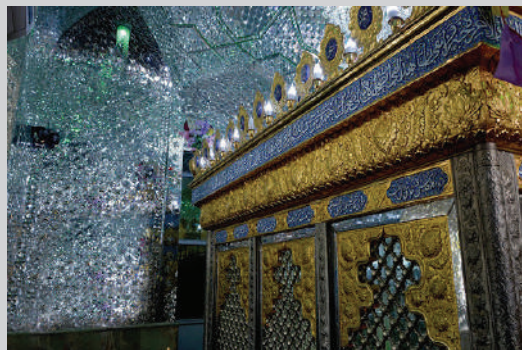




امامزاده هادی (ع)

آستان امامزاده هادی(ع) در بخش مرکزی شهری خیابان فدائیان اسلام با فاصله کمی از بقعه شیخ صدوقواقع شده است. آنها که به قصد گردشگری مذهبی راهی شهرری می‌شوند می‌توانند با یک پیاده‌روی کوتاه از بقعه شیخ صدوق خود را به این آستان برسانند. آستان امامزاده هادی درست در گورستان ابن‌بابویه واقع شده و مدفن امامزاده هادی و خواهرش حضرت زینب از نوادگان امام هفتم است. کارشناسان حوزه معماری اسلامی قدمت هسته اولیه بقعه را متعلق به ۵۰۰ سال پیش و در دوره صفویه می‌دانند و بومی‌های منطقه از آن به‌عنوان مسجد ماشالله یاد می‌کنند که علت این شهرت هم مسجد ماشالله در طرف غرب آن است.

مساحت اعیانی بقعه و مسجد روی هم حدود ۲۵۰مترمربع است و فضای داخلی آن از ۳۶متر تجاوز نمی‌کند که در برگیرنده یک سنگ قبر مرتفع و ضریح است. کاشی‌های زمینه زرد با گل‌های بته‌جقه ظریف عهد قاجار اطراف مرقد را زیبا کرده است. روی کاشی‌های معرق قدیمی سطح فوقانی مرقد که بر روی آن به خط ثلث بر زمینه لاجوردی، عبارتی مبنی بر احداث بنا توسط «ابوالمظفر شاه طهماسب بهاد خان» آمده است. با مطالعه دو کتیبه فوق‌الذکر معلوم می‌شود بنای بقعه امامزاده از آثار زمان شاه طهماسب صفوی ۹۳۰ تا ۹۸۴ هجری است و در سال ۱۲۸۶ در زمان ناصرالدین شاه تعمیر و مسجد نیز در همان سال متصل به بقعه و بنای کوچک قدیمی توسعه داده شده است. شهرداری برای مصون ماندن این بقعه از آسیب‌های اجتماعی، اخیراً حصار دور این بقعه کشیده و امکانات رفاهی اولیه برای آسایش و آرامش زائران فراهم کرده است.



امامزاده عبدالله (ع)



امامزاده عبدالله شهرری یکی از امامزاده‌های مهم این شهر است که از دیرباز تا امروز از جایگاه ویژه‌ای در میان شهروندان و عاشقان ائمه برخوردار بوده است. بقعه این حضرت که اکنون با نام امامزاده عبدالله شناخته می‌شود در نزدیکی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم و در شهرری واقع شده است. بومی‌های منطقه آنقدر به این امامزاده ارادت دارند که همواره توصیه می‌کنند دست خالی به آستان نروید. همین که وارد کوچه پر درخت و فراخی که امامزاده در آن قرار دارد می‌شوید زائرانی را می‌بینید که هرکدام به نوعی تحفه‌ای به دست گرفته و راهی امامزاده‌اند. کاج‌های کهنسال و سر به فلک کشیده محوطه حرم، زائران را بدرقه می‌کنند. آستان ۴ ایوان دارد اما ۳ ایوان شمالی، غربی و جنوبی آن بلا استفاده مانده و تنها ایوان شرقی به روی زوار باز است.

این بقعه متعلق به حسین ابوعبدالله ملقب به ابیض فرزند عبداللهبن‌عباس و از نوادگان امام زین‌العابدین است. اسناد موجود تاریخ رحلت او را ۳۱۹ هجری قمری می‌دانند و در سستایش و مدح او گفته‌اند که در زهد و تقوا و علوم دینی از سرآمدان عصر خود بوده است.

ناصرالدین شاه به دلیل وجود کتیبه‌ای که در این آرامستان کشف شد، دستور مرمت آن را داد. نقش و نگاره‌های زیر گنبد بنا، مشابه نگاره‌های دوره صفوی است و بیننده را به یاد بناهای گرداگرد نقش جهان اصفهان می‌اندازد.

آنچه در بدو ورود چشم را خیره می‌کند سردر قدیمی آستان است که با کاشی‌های زیبا و جانداري دل هر بیننده‌ای را می‌رباید.

استفاده از ایستگاه مترو شهرری به راحتی می‌تواند شما را به بقعه امامزاده عبدالله در سهرامین برساند. این بقعه همچنین در مسیر خط تاکسی مترو شهرری و دیلمان قرار دارد. اگر با خودرو شخصی به زیارت این امامزاده می‌روید باید از خیابان فداییان اسلام خودتسان را به شهرری و سهرامین برسانید.



امامزاده حمزه (ع)

آستان امامزاده حمزه(ع) در جنوب غربی آستان سیدالکریم(ع) واقع شده است. آینه‌کاری ویژه داخل صحن یکی از زیبایی‌های منحصربه‌فرد این بارگاه زیباست. مرحوم دکتر «محمدتقی مصطفوی» در کتاب آثار تاریخی طهران این‌طور نوشته است: «بقعه امامزاده حمزه(ع) مشتمل بر حرمی در اندازه و هیبت حرم حضرت عبدالعظیم(ع) است و همانند آن مزین به آینه‌کاری و دارای ضریح نقره‌ای از اواسط دوره قاجاریه و صندوق چوبی تازه‌ساز است. و ایوان بزرگ شرقی و مسجد بالای سر، در جنوب غربی آستانه حضرت عبدالعظیم(ع) واقع است که به نظر می‌رسد از ابنیه دوران شاه طهماسب صفوی باشد. پادشاهان صفویه که خود را از اولاد او می‌دانستند، در ایام سلطنت خود به آن توجه زیادی داشته‌اند و شاه طهماسب صفوی به احداث بقعه و گنبد برای مرقدش همت گماشته است.»

سلاطین صفویه خود را از اولاد این امامزاده می‌دانستند و به همین دلیل به مرقد او توجه ویژه کردند و بارگاهی زیبا برایش ساختند. ناگفته نماند که قاجارها هم علاقه‌ای زیاد به این امامزاده داشتند و ساخت گنبد جدید، آینه‌کاری حرم ایوان و کاشیکاری‌ها و تزیینات داخلی هم یادگار آنهاست.

ارادت بزرگان و دانشوران به این امامزاده آنقدر زیاد بود که مزار تعداد زیادی از آنها را در ورودی رواق به چشم می‌بینیم. دانشورانی از اعصار مختلف تاریخ را که ورق می‌زنیم حکایت از آن دارد که حضرت عبدالعظیم(ع) نخستین کسی بوده که مزار



امامزادگان سیدابراهیم و سیداسماعیل (ع)

آستان امامزادگان سیدابراهیم (ع) و سیداسماعیل(ع) در شهرری و در روستای قلعه شیخ قرار گرفته است. روستای قلعه شیخ در جنوب تهران و از توابع شهرری است. بزرگراه بهشت‌زهران(س) - کهریزک بهترین راه دسترسی به امامزاده روستای قلعه شیخ است. بقعه درست روی تپه‌ای در ضلع شمالی روستا واقع شده و اطرافش پر از زمین‌های بایر و کشاورزی است. به خاطر همین بقعه در میان اراضی قدیمی‌های بومی به آن امامزاده آبله هم می‌گفتند چون خاک این امامزاده خاصیت ضدآبله داشته، به خاطر همین مردمی که بیشتر گله‌دار بوده‌اند، برای درمان گوسفندان خود از خاک امامزاده استفاده می‌کرده‌اند. محوطه امامزاده زیبا و دلنشین است.

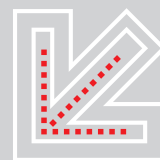
اطراف صحن را درخت‌های کاج و توت در بر گرفته است. در ضلع غربی صحن، چهارده پله هریک به ارتفاع ۲۰ سانتیمتر قرار دارد که از طریق آن وارد بقعه می‌شوند. در غرب صحن نیز بوستان امامزاده قرار دارد. این مقبره در زمره آثار ملی و شاخص ثبت شده است.

این دو بزرگوار از سادات جلیل‌القدر و

از بیت نقابت و شرافت و صاحب نسل بوده و قبل از سال ۴۵۰ هجری قمری در قید حیات بوده‌اند. نسل آنان در همدان، مدینه و شهرری منتشر شده و از میان آنان، علما و بزرگان برخاسته‌اند. امامزاده ابراهیم و اسماعیل از فرزندان امام موسی کاظم(ع) هستند.

این بقعه دارای مساحت زیادی است و اهالی شهرری و کهریزک به زیارت آن می‌آیند. در گذشته، سنگ‌نوشته‌ای در بقعه وجود داشته که قدمت بقعه را به ۸۰۰ یا به قولی ۱۲۰۰ سال می‌رساند. قبل از بازسازی بقعه این سنگ مفقود شده است. این امامزادگان از گذشته به نام امامزاده قلعه شیخ معروف بوده‌اند. بنای بقعه شامل شبستانی است که گنبد در وسط آن قرار گرفته است. دور این شبستان رواقی هشت ضلعی دیده می‌شود. دو مناره نیز در محدوده رواقها و در جنوب شبستان قرار گرفته‌اند.

بنا در میان صحنی بزرگ قرار دارد که قسمتی از آن قبرستان است. در اطراف صحن درخت‌های کاج و توت دیده می‌شود. در غرب صحن نیز بوستان امامزاده قرار دارد. این مقبره در آثار ملی و شاخص ثبت شده است. این بقعه دارای امکانات رفاهی است.



بقعه ابن بابویه

محمد بن علی بن حسین بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق در بین سال‌های ۳۰۶ تا ۳۰۷ ه. ق در قم دیده به جهان گشود و در سال ۳۸۱ ه. ق در شهری دیده از جهان فرو بست.

این عالم بزرگ اسلام و شیعه، پس از عمری پر برکت در سال ۳۸۱ هجری دیده از جهان فانی فرو بست و به سرای باقی شتافت. وفات او در شهری بود و با این حادثه عظیم و

تأسف بار، غبار غم و سراسر عالم تشیع را فرا گرفت و عاشقان مکتب اهل بیت علیهم السلام در میان اندوه و اشک، پیکر مطهر وی را تشییع کردند و در نزدیکی مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) (در شهر ری) به خاک سپردند. بنای بقعه به صورت هشت ضلعی بر روی سکویی بلند ساخته شده و از نظر قدمت متعلق به دوره قاجار است. آینه کاری‌های این بنا حتی قدیمی تر از آینه کاری کاخ گلستان است و حتی می‌تواند این اثر تاریخی و مجموعه فرهنگی اطراف آن ثبت جهانی شود.

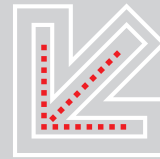
رامستان ابن بابویه نخستین گورستان شهری است که بسیاری از مشاهیر ایران در آن دفن هستند؛ نام این گورستان برگرفته از نام محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق یکی از فقها و دانشمندان شیعه است که آرامگاه او در آنجا واقع شده است.

از افراد مشهوری که در این گورستان دفن شده‌اند می‌توان به حسین فاطمی، غلامرضا تختی، رحیم مؤذن زاده اردبیلی، علی اکبر دهخدا، محمدعلی فروغی، حسین بهزاد، میرزاده عشقی، نسیم شمال و نیز کشته‌شدگان قیام ۳۰ تیر در حمایت از دولت محمد مصدق اشاره کرد.

حادثه‌ای در حدود سال ۱۲۳۸ قمری اتفاق

با دیواری سنگی، از شمال به کوهستان‌های شمال شرقی ری محدود می‌شود. این بقعه مشتمل بر حرم کوچک چهارگوشی با مدخل اصلی رو به مشرق و دارای سردری متعلق به روزگار صفوی است، اما گنبد کاشیکاری و برخی گچبری‌ها و تزیینات آن از آثار دوره قاجار است.

در بخش جنوبی آن چند بنای محکم سنگی با پوشش گنبدی از سنگ و آجر وجود دارد. محوطه اصلی با احداث دیوارهای جدید، رواق‌ها، اتاق‌ها، راهرو و غیره در دوره‌های گوناگون به شکل کنونی در آمده است. بنای اصلی در قسمت جنوبی قرار دارد، هسته اصلی آن در دوران ساسانی ساخته شده و در قرن چهارم برای آرامگاه مورد استفاده قرار می‌گرفته است. قدیمی‌ترین ساختمان فعلی زیارتگاه، متعلق به حدود قرن ششم هجری است که بعدها در دوران صفویه و قاجار گسترش یافت. صندوق قبر که بر روی آن احادیث نبوی، نام و القاب حضرت شهربانو منبت کاری شده است و تاریخ روی آن متعلق به قرن نهم هجری است، قدیمی‌ترین کتیبه بقعه است. این صندوق



بقعه بی بی شهربانو

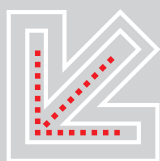
در ضلع شمال شرقی شهری بقعه‌ای قرار دارد که به گفته برخی مورخان آرامگاه «بی بی شهربانو» است و در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۱۵ با شماره ثبت «۲۵۶» به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این مجموعه محوطه‌ای است مستطیل شکل (شمالی- جنوبی)، به طول ۳۳ متر و عرض ۲۲ متر که

افتاد که عظمت و اعتبار صدوق(ره) نزد زائران حرمش بیشتر معلوم شد و ارادت آنان نسبت به وی دو چندان گشت که شرح آن واقعه مطابق نقل علامه خوانساری در کتاب روضات الجنات بدین گونه است؛ «از کرامات صدوق که در این اواخر به وقوع پیوست و عده کثیری از اهالی شهر، آن را مشاهده کرده‌اند، آن است که در عهد فتحعلی شاه قاجار در حدود ۱۲۳۸ هجری مرقد شریف صدوق که در اراضی ری قرار دارد از کثرت باران خراب شد و رخنه‌ای در آن پدید آمد.

تعمیر و اصلاح آن اطرافش را می‌کنند پس به سردابی که مدفنش بود برخوردند، هنگامی که وارد سرداب شدند، با جسدی عربان و مستورالعوره مواجه شدند که در انگشتانش اثر خضاب و در کنارش تارهای پوسیده کفن به شکل فتیله‌ها بر روی خاک قرار گرفته است.

این خبر به سرعت در تهران منتشر شد و به گوش سلطان وقت رسید، وی با جمعی از بزرگان و امنای دولت برای مشاهده حضوری به محل آمدند. جمعی از علما و اعیان دولت داخل سرداب شدند و صدق قضیه را به رأی العین مشاهده کردند. پس از آن وی دستور تعمیر و تجدید بنا و تزیینات آن بقعه را صادر کرد.»

در جنوب غربی حرم قرار دارد و کتیبه‌های آن، عموماً به خط ثلث و برجسته هستند. در دوران قاجار گچبری و تزییناتی در این بقعه انجام شد و به جای گنبد آجری ساسانی، گنبد کاشیکاری مینایی گذاشته شد. در جنوب حرم نیز اتاق طویل مسدودی در جهت شرقی- غربی قرار دارد که احتمال داده‌اند متعلق به دوره ساسانی باشد. نویسنده کتاب «ری باستان» با توجه به قرائن و شواهد یاد شده، چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «چون در تاریخ حوادث ری، تا آنجا که عرصه تتبع بر نگارنده فراخ بود، نام بانویی بدین صورت مشهود نیفتاده تا احتمال خلط اسم برود؛ از این رو شاید بتوان گفت که این محل دخمه‌ای از بزرگان زرتشتی بوده است، و برای آنکه مسلمانان آنجا را خراب نکنند، آن را به عروس ایرانی خاندان نبوت نسبت داده‌اند و به بنای آن افزودند. وجود دخمه‌گیرها در آن نزدیکی- در شمال- مؤید این نظر است... و این محل، دخمه فرزندان یزدگرد دهم (هرمز و خاندان وی) بوده که در ری به دست فیروز کشته شده‌اند و برای محفوظ ماندن، آن را به فرزند یزدگرد سوم نسبت داده‌اند.»



بقعه بی بی زبیده

در خیابان فدائیان اسلام نرسیده به پل سیمان بقعه بی بی زبیده منتسب به دختر امام حسین علیهما السلام واقع است. بنای بقعه از نظر قدمت متعلق به دوره قاجار است. بی بی زبیده شهری جایگاه ویژه‌ای در بین شهر ری‌ها دارد چراکه او را منتسب به امام حسین(ع) دانسته و معتقدند ایشان یکی از دختران امام حسین(ع) است.

بقعه مبارکه حرت بی بی زبیده که طبق نظر تاریخ‌دانان خشت و گلی بوده در قرن ۹ هجری ساخته شده است روایت است شاه سلطان حسین صفوی دستور ساخت این مکان را داده است.

رواق اصلی حرم در زمان صفویه ساخته شده است؛ اما باقی قسمت‌ها مانند پله‌ها و ایوان‌ها مربوط به زمان قاجار هستند. البته بعدها در دوران قاجار، سرداب شرقی، دهلیز ورودی و... به آن افزوده شده‌اند. گنبدی ضری نیز در بالای حرم قرار دارد که در سال ۱۳۷۰ مرمت شده است.

از آنجا که هنرهای به کار رفته در این بقعه قدیمی هستند، توجه ویژه‌ای در زمینه نگهداری و حفظ آن صورت گرفته است.

جالب است بدانید که این مکان در فهرست آثار تاریخی هم به ثبت رسیده است. سردر طلایی رنگ و گلدسته‌های بقعه، از دور خودنمایی می‌کنند. ورودی امامزاده یک در بسیار قدیمی دارد که به هنر خاتم کاری مزین شده است. وارد حیاط امامزاده که می‌شویم، ساختمان اصلی و بقعه مبارکه را می‌بینیم. حوض زیبای ۸ گوشه‌ای در میانه حیاط وجود دارد. داخل این حوض هم یک حوض دایره‌ای دیگر خودنمایی می‌کند. درون حوض پر از ماهی‌های خوشگل و رنگارنگی است که اهالی در این مکان رهایشان کرده‌اند.

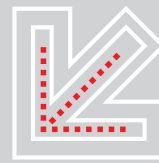
برای رفتن به این مکان مذهبی می‌توان از ماشین شخصی، اتوبوس و حتی مترو استفاده کرد. البته نزدیک‌ترین ایستگاه مترو به بی بی زبیده در فاصله ۲.۲ کیلومتری آن قرار دارد. می‌توانید در ایستگاه مترو شهری پیاده شوید و بقیه راه را پیاده یا با تاکسی طی کنید. همچنین اتوبوس‌هایی که به این قسمت از شهری می‌روند، شما را به نزدیکی این مکان می‌رسانند. نزدیک‌ترین ایستگاه اتوبوس، تنها ۴۰۷ متر تا این مکان فاصله دارد.





زیارتگاه پنج تن

یکی از مکان‌های زیارتی و گردشگری شهری، زیارتگاه سه دختران و بقعه امامزاده علی و قاسم (علیه‌السلام) محسوب می‌شود. این دو زیارتگاه مدفن پنج تن از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) است که کنار هم و نزدیکی آستان مطهر حضرت عبدالعظیم (علیه‌السلام) قرار گرفته‌اند. سیده خدیجه، سیده فاطمه کبری و سیده فاطمه صغری هر سه از نوادگان امام حسن مجتبی هستند که با فاصله هفت نسل به امام دوم شیعیان متصل می‌شوند. بقعه سه دختران در مشرق بقعه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام واقع است که از معماری زیبا و چشم‌نوازی هم برخوردار است. معماری ظریف اسلامی یادگاری از دوره قاجار. یک آستان نقلی و کوچک اما با صفا که تمام وسعتش شامل در دو اتاق در ۴۸ مترمربع می‌شود. در ورودی بقعه تاریخچه و شجره‌نامه سه دختران را در قابی بزرگ به دیوار نصب کرده‌اند. در گوشه دیگر بقعه مکانی برای پاسخگویی به مسائل شرعی زوار و بازدیدکنندگان در نظر گرفته‌اند و قفسه‌ای از کتب ادعیه، قرآن و زیارت‌نامه کنار دیوار و سنگ قبری قدیمی در گوشه‌ای دیگر از این مکان به چشم می‌خورد. حرم اصلی اتاق کوچک دیگری است که ضریح فلزی ساده‌ای در آن دیده می‌شود. این ضریح ظاهراً بسیار کوچک بوده و گنجایش بیش از یک قبر را ندارد؛ ولی به گفته خادم امامزاده، به دلیل کوچک بودن فضای حرم و ایجاد امکان گردش زائران دور آن، مجبور به ساخت ضریح کوچک‌تر روی قبور دختران امامزاده شده‌اند. خیلی از زائران و دلباختگان این بزرگواران شیفته همین سادگی و کوچکی بقعه هستند. بوستان دانش، گورستان قدیمی ۴۴۴۴۴۴ سال‌ها پس از خاک‌سپاری این پنج امامزاده در محل فعلی، در سال ۱۳۳۴، ۱۷ جریب از زمین‌های اطراف بقعه توسط فردی خیر بنام آقا شیخ رضا بروجردی خریداری و وقف امامزادگان شد. این کار را برای دفن درگذشتگان مسلمانان اعم از زوار و غریبان به صورت رایگان انجام داده‌اند که این مطلب روی سنگ قبر خود شخص واقف حک شده است. در سال‌های اخیر که نیازی به نوسازی و مناسب‌سازی محل احساس شد، روی قبرستان موردنظر را کاملاً پوشاندند و بوستان دانش را احداث کردند. اکنون سنگ قبر آقا شیخ رضا بروجردی از جا درآمده و به عنوان سندی تاریخی در گوشه‌ای از بقعه سه دختران ۴۴۴۴۴۴ نگهداری می‌شود. نام این مکان که قبلاً قبرستان سه دختران نامیده می‌شد، به بوستان دانش تغییر یافت.



امامزاده طاهر (ع)

در قسمت شمال شرقی صحن حضرت عبدالعظیم حسنی، بقعه امامزاده طاهر از نوادگان امام سجّاد (ع) واقع شده است. این بنا هم یکی از یادگارهای زیبای به جا مانده از دوره قاجار است. مؤلف کتاب «منتقله الطالبيه» از نویسندگان قرن پنجم در قدیمی‌ترین مدرک و سند، ورود این امامزاده به شهرری و مدفون بودنش در این شهر را آورده است: «از کسانی که وارد ری شدند، جناب امامزاده طاهر فرزند ابی طاهر محمد مبرقع بن الحسن بن الحسن مبرقع بن عیسی بن یحیی بن الحسن بن زیدالشهید است و تداوم نسل او از شخصی به نام مطهر است که نام مادرش زینت دختر ابی عماره بود.» نسب شریف امامزاده طاهر (ع) با هشت واسطه به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. نویسندگان و علمایی بزرگی در کتاب‌هایشان درباره این امامزاده سخن گفته‌اند. رازی یکی از آنهاست. او در کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم (ع) در خصوص این امامزاده می‌نویسد: «امامزاده طاهر (ع) از جمله علما و مصنفان اوایل قرن چهارم هجری بوده و در شهرری وجهه و شخصیت قابل احترامی داشت. رتق و فتق امور اهالی ری به دست با کفایت او بود. امامزاده طاهر سیدی بزرگوار و جلیل‌القدر بود که کرامات زیادی داشت.» او همچنین تاکید می‌کند هیچ‌کس در بزرگی مقام و جلالت قدر و عظمت شان او شکی ندارد. مصداقش هم سالم دیده شدن بدنش هنگام نیش قبر بعد از گذشت هزار سال بود. بدنی که ابداً تغییری در آن صورت نگرفته بود و گویا خوابیده است. درباره زندگانی امامزاده طاهر، هیچ‌گونه مدرک و مستندی که بتواند شخصیت والای آن حضرت را کاملاً معرفی کند در دست نیست و از کیفیت ورود و دلایل هجرت و اولاد و خصوصیات دیگر وی مدارک و ماخذ مربوط سخنی به میان نیامده است. با توجه به شواهد و مدارک موجود احتمال داده می‌شود که او در نیمه نخست قرن چهارم هجری با پدر بزرگوارش محمد ابوطاهر، به شهرری هجرت کرد و در آنجا ساکن شد. بارگاه ملکوتی این امامزاده شریف در سال پذیرای عاشقان و ارداتمندان زیادی است که برای زیارت راهی شهرری می‌شوند.





گردشگری تاریخی



یادداشت

تجمع شاخصه‌های یک شهر باستانی در ری

دکتر محسن سعادت‌نی

مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی شهر ری و دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

بافت تاریخی شهرها، ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی دارند که آن را از بافت‌ها و پهنه‌های پیرامونی و بلافاصل و نیز سایر قسمت‌های شهر متمایز می‌کند و این امر برخورد ویژه مدیریتی به این مناطق را نسبت به سایر مناطق شهر ضروری می‌سازد.

بافت شهری عبارت است از دانه‌بندی و درهم تنیدگی فضاها و عناصر شهری که به تبع ویژگی‌های محیط طبیعی، به‌ویژه توپوگرافی و اقلیم در محدوده شهر، یعنی بلوک‌ها و محله‌های شهری، به‌طور فشرده یا گسسته و با نظم‌ی خاص جایگزین شده‌اند. در این میان، بافت تاریخی ری که از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای دوران باستان و اسلامی یاد می‌شود، همواره دستخوش تغییرات و دخل و تصرف‌های فراوانی قرار گرفته است.

ملک ری در کنار شهرهایی همچون بغداد و رقه همواره در دوران اسلامی مورد توجه حکام بزرگ زمان قرار گرفته است به گونه‌ای که از ری به‌عنوان مادرشهرها یا ام‌البلاذ یاد شده است. در این شهر باستانی آثار شاخص و مهمی از پیش از تاریخ (چشمه‌علی) تا دوران قاجار (بازار و خانه‌های تاریخی اطراف حرم حضرت عبدالعظیم(ع)) هنوز به‌عنوان مقاصد گردشگری مورد توجه قرار می‌گیرد. ری نیز همانند دیگر شهرهای باستانی از ۳ بخش کهنه‌دژ، شارسنان و رضی تشکیل شده است.

کهنه‌دژ و دژ حکومتی شهر در منطقه دژ رشکان قرار دارد که به استناد کاوش‌های باستان‌شناسی، قدمت آن از دوران مفرغ و آهن شروع و تا حمله مغولان (ایلخانی) ادامه پیدا می‌کند. منطقه شارسنان در بخش جنوبی دژ رشکان و به وسیله ارگ سلجوقی محصور است. بخش سوم شهر منطقه رضی یا حومه شهر است که بیشتر بخش‌های آن از بین رفته و تنها قسمتی از حصار آن در کنار بزرگراه امام‌علی(ع) نمایان است.

به‌طور کلی، شهرری به‌عنوان شاخصه‌ای از یک شهر باستانی با وجود بسترهای مناسب شهری، برای ایجاد مقاصد گردشگری در کشور می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. با تقویت ساختارهای معماری و شهرسازی و توجه به حفظ و نگهداری فرهنگ‌های تاریخی و همچنین از لحاظ کاربری مناسب برای بهره‌برداری قابل توجه به بناهای تاریخی ری، می‌توان شهری را به همان شکوه و عظمت دوران باستان و اسلامی رساند. با انجام این کار، علاوه بر دستیابی به اهداف گردشگری مذهبی، گردشگری شهری نیز در شهرری رونق خواهد گرفت.



ارگ سلجوقی

بنای پادشاهی سرای ایالت



در مقابل دژ رشکان ارگ قرار دارد که دیواره و استحکامات ضلع شمالی آن باقی مانده است. مصالح مورد استفاده آن خشت و چینه است. «شمیت» سرپرست هیئت کاوشگران ری کاوش‌هایی پیرامون ارگ انجام داده که ظروف سفالی زیبایی از آن به‌دست آمده و در موزه دوران اسلامی مورد بازدید قرار می‌گیرد. آن‌طور که منابع تاریخی می‌گویند، بخش‌های اصلی دژ رشکان تا زمان قاجار برجای بوده، اما امروزه قسمت اعظم آن تخریب شده و حالا هم حال و روز این بنا به واسطه اسکان معتادان آن‌طور که باید و شاید خوش نیست؛ حال و روزی که ارگ سلجوقی، بنای همجوار آن نیز به آن گرفتار است. گمانه‌زنی‌های تاریخی می‌گویند که ارگ سلجوقی احتمالاً همان دارالاماره یا سرای ایالت بوده که در متون هم‌عصرش بارها از آن نام برده شده است. این ارگ از خشت و چینه ساخته شده که امروزه تنها دیواره و ضلع شمالی استحکاماتش باقی مانده است که امروز همین اندک بقایای به جای مانده نیز به دست معتادان زیرورو می‌شود. سرنگ،



نگاهی به هویت تاریخی زندان هارون‌الرشید

آتشکده‌ای که زندان شد



بنایی که مانند بسیاری از آتشگاه‌ها در بلندای کوه و دامنه واقع شده است. یساولی درباره این بنای تاریخی توضیح می‌دهد: «مجموعه زندان هارون‌الرشید، یکی از آثار تاریخی مهم شهری ری است که پیشینه آن به دوره آل‌بویه می‌رسد. در مناطق گوناگون سازه‌هایی را به نام زندان داریم برای مثال بنایی در یزد به‌عنوان زندان اسکندر داریم. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که این بناها از ابتدا کارکرد منطقی به‌عنوان زندان را نداشتند. در گذر زمان به دلایل گوناگون که در فرهنگ عامه می‌توان ریشه‌های آن را جست‌وجو کرد به نام زندان نامیده شدند. اما هیچ سند تاریخی برای اینکه این بنا از ابتدا به‌عنوان زندان ساخته شده نیست.» به گفته این پژوهشگر تاریخی پیشینه دقیقی از زمان ساخت بنای اصلی هارون‌الرشید در دست نیست. عده‌ای سال ساخت آن را به دوران آل بویه و عده‌ای از پژوهشگران هم پیشینه آن را به گذشته دور نسبت می‌دهند. حتی بعضی‌ها بر این باورند که این مکان می‌تواند آتشکده‌ای در دوران ساسانیان باشد. در بعضی از پژوهش‌ها اشاره شده که این زندان بنای استحکامات و انبار مهمات دوره سلجوقیان بوده است. اما با همه این روایت‌ها دوره آل بویه به نسبت برای ساخت این بنا نزدیک‌تر است.

معماری شکنجه‌گاه عباسیان

اما آنچه از شواهد نوع معماری زندان هارون‌الرشید برجای مانده نشانگر مذهبی بودن بنا قبل از تبدیل آن به زندان است. یساولی درباره معماری این بنای ثبت شده در آثار ملی کشور توضیح می‌دهد: «این سازه شبیه یک مکتب مستطیل با ارتفاع ۹ متری است. این بنا ۲ طبقه ساخته شده است. طول و عرض آن یکسان و ۳۰ مترمربع است. این نوع معماری بیشتر نشانگر یک بنای مذهبی است. البته اتفاقات و وقایع مختلف مانند زلزله‌ها، جنگ‌ها و لشکرکشی‌هایی که در شهر رخ داده است باعث آسیب‌های فراوانی به این بنای تاریخی شده است. حتی باعث بیرون آمدن از مسیر توجه‌ها به‌عنوان یک بنای تاریخی شده است.» زندان هارون‌الرشید با همه فرازوفرودهای تاریخی و اتفاقات و ماجراهای جالبی که برایش اتفاق افتاد سرانجام در سال ۱۳۳۴ خورشیدی به‌عنوان آثار تاریخی و ملی ایران ثبت شد.

شهرری یکی از شهرهای تاریخی و استراتژیک ایران است. شهری در مرکز و نزدیک به غرب فلات ایران که در مسیر کاروان‌های تجاری بازرگانی و نزدیکی به پایتخت‌های ایران واقع شده بود. «مهدی یساولی» پژوهشگر تاریخ با اشاره به این موضوع سر صحبت را باز می‌کند و می‌گوید: «شهرری تا نزدیک ۴ و ۵ سده گذشته به‌عنوان یکی از شهرهای مهم ایران و همیشه در کانون توجه قرار داشت. اما بروز چند عامل باعث کاهش اهمیت شهر به‌مرور تا عصر حاضر شد. یکی از این اتفاقات، وقوع چند زلزله بزرگ بود که آسیب‌های جدی به این شهر وارد کرد و باعث از بین رفتن بخش‌هایی از این شهر شد. همچنین آسیب‌دیدن در رخداد‌های سیاسی و جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها از دیگر عوامل این اتفاقات بود.»

به گفته یساولی همه این وقایع باعث می‌شود تا از اهمیت ری به‌مرورزمان کاسته شود. اما در مقابل روستای تهران در جبهه شمالی این شهر رشد و اهمیت پیدا کند.

بنای اسرار آمیز ری

زندان هارون‌الرشید یکی از اسرارآمیزترین بناهای تاریخی ری در فاصله ده‌کیلومتری شرق حرم حضرت عبدالعظیم(ع) سمت چپ جاده قدیم خراسان در دامنه کوه‌های مسگرآباد، آبادی کوچکی و خالی از سکنه واقع شده است.

بهاره خسروی

یکی از جاذبه‌های گردشگری ری این شهر باستانی همسایه پایتخت زندان هارون‌الرشید در ۱۳ کیلومتری شرق تهران ۱۰ کیلومتری جاده تهران به خراسان است. پیشینه زندان در حوالی مسگرآباد به سده ۴ هجری می‌رسد و عده‌ای معتقدند بنای اولیه این زندان آتشکده زرتشتیان بوده که بعدها بعدها به کوشک ساسانی تبدیل شده استاول آتشکده بعد کوشک ساسانی و در دوره هارون‌الرشید به زندان زمان تبدیل به زندان شده است. زندانی که به تعبیر بسیاری از تاریخ‌نگاران از آن و به‌عنوان شکنجه‌گاه عباسیان یاد می‌کردند افراد و چهره‌های نامدار تاریخی زیادی در آن به زنجیر کشیده شدند. در این گزارش «مهدی یساولی» پژوهشگر تاریخ برای ما از پیشینه و سیر تحول بنای زندان هارون‌الرشید در شهرری مهم‌ترین شهر استراتژیکی ایران روایت می‌کند.



بازشناسی برج نهصدساله طغرل و شاهکار معماری دوره سلجوقی همراه با تاریخدان و پژوهشگر تاریخ اهل ری

ساعت آفتابی در روز فانوس صحرایی در شب

«آهسته کفایتی»

چند صد سال است دامن پرچین و شکنش را بر خاک «ری» گشوده و فرار و نشسیب تاریخ را در جنگ و درگیری و آبادی و ویرانی، به تماشا ایستاده است. از همان حوالی خیابان این بابویه با قامت بیست متری و معماری باشکوهش حواس هر رهگذری را به سمت خود می‌کشاند. نامش را به اشناسنی از خرد تا پیر «ری» که بیرسی، پاسبخ این است: «برج طغرل»؛ چراکه در هر خشت و آجرش حکایت و روایتی نهفته است از افسانه راه ابریشم گرفته تا شمایل شیر خفته بر جداره آن. برج طغرل نهصد سال از تاریخ ایران را برگرده کشیده و اگرچه گاهی از جور روزگار بی‌نصیب نبوده، اما همچنان استوار و پابرجا باقی مانده است.



نقاشی‌های سیاه قلم اثر اوژن فلاندن و خاورشناس فرانسوی در زمان محمدشاه به سفارش فرهنگستان هنرهای فرانسه برای تهیه تصاویر از آثار باستانی به ایران اعزام شد

مورخان ترکیه نیز معتقدند جد عثمانی آنها در برج طغرل مدفون است و این بنا را به نام «گنبد سرخ» می‌نامند. هر زمان که رجال سیاسی ترکیه به ایران می‌آیند، حتما به این برج سر می‌زنند. آنها به روایتی از تاریخ شروع فرمانروایی‌شان را از این منطقه و خود را از نسل سلجوقیان می‌دانند. ابوحمزه دفن خلیل سلطان، فرزند تیمور لنگ در برج طغرل را نیز دور از ذهن نمی‌داند و می‌گوید: «این نظریه هم محتمل است؛ چراکه او وقتی به ری می‌آید بیمار می‌شود و با توجه به شکوه و عظمت این برج آرامگاهی، ممکن است همین‌جا به خاک سپرده شده باشد. اما اینکه یگویم از ابتدا برج را برای او ساخته‌اند، صحیح نیست؛ چراکه سلطنت

سلجوقیان حدود صد سال پیش از تیموریان بوده است. اما به هر حال اینکه در زمان‌های مختلف چندین نفر در این برج دفن شده باشند عجیب نیست.»

کاربردهای برج طغرل

برج طغرل با ارتفاع ۲۰ متر و مساحتی حدود ۴۵ مترمربع در شرق آرامستان این بابویه قرار گرفته است. ۹ قرن پیش که هیچ ساختمان بلندی در تهران وجود نداشته، برج طغرل بنای عظیمی به شمار می‌آمده، اما اهمیت این برج فراتر از ارتفاع آن است. ابوحمزه با اشاره به اینکه معمارهای ری را در زمان قدیم «مهراز» (به معنای کسی که راز

می‌داند)، می‌نامیدند درباره اهمیت ساخت و معماری برج طغرل می‌گوید: «مهرازی که این بنا را ساخته است، چند ویژگی را برایش در نظر گرفته است. یکی از مهم‌ترین این کاربردها ساعت آفتابی است. به این صورت که در این بنا ۲۴ کنگره ساخته شده که بی‌ارتباط با ساعات شبانه‌روز نیست. در هر زمانی با توجه به جهت تابش نور آفتاب به هر کدام از این کنگره‌ها، ساعت مشخص می‌شود. کاربرد دوم این بنا، فانوس صحرایی بوده است. به این ترتیب که کاروان‌هایی که به سمت ری می‌آمدند، با دیدن آتش روشن بالای برج، راه خود را به سمت ری پیدا می‌کردند و کاربرد سومی که مهراز این بنا برایش در نظر است ویژگی آکوستیک آن است.» وقتی کسی داخل برج می‌آید متوجه می‌شود که به‌صورتی طراحی شده که صدا در آن طنین می‌اندازد. هر چقدر که به سمت مرکز برج بروید از انعکاس صدا کاسته می‌شود ولی اطرافیان که دورتر از مرکز برج ایستاده‌اند همچنان صدا را بلند و باطنین می‌شنوند. این نوع طراحی به این خاطر بوده است که در این مکان جلساتی برگزار و سخنرانی‌هایی انجام می‌شده که لازم بوده صدا به گوش همه برسد و از این رو، مهراز یک فناوری آکوستیک در آن تعبیه کرده است.



معماری راز آلود برج طغرل

پایر جایی برج طغرل پس از نهصد سال و عبور از زلزله‌های مهیب قرون ۷ و ۸، از شگفتی‌های معماری آن است. اینکه برج چگونه ساخته شده از همان رازهایی است که مهرازها فقط به پسر یا داماد خود انتقال می‌دادند.

دکتر ابوحمزه، دکترای تاریخ ایران از نتایج تحقیقاتش در خصوص ویژگی استحکام برج چنین توضیح می‌دهد: «بررسی‌ها نشان می‌دهد پی این برج حدود ده‌متر زیر زمین است و مثل فونداسیون‌هایی که برای ساختمان‌های امروزی می‌زنند، برای این برج هم پی‌ریزی شده است. می‌توان گفت برج طغرل

مثل یک میخ در زمین فرو رفته است، با زمین یکی شده و با حرکت آن، حرکت می‌کند. ضمن اینکه دیوارهای برج سه‌لایه ساخته شده است. لایه بیرونی و داخلی آن از آجر و لایه میانی به قطر یک و نیم‌متر خشت خام به کار رفته که نقش مهمی در بقای برج دارد؛ چراکه بنا را از صدمات سرما و گرما محافظت می‌کند.»

از طرفی معمار برج از مصالح خاصی برای ساختن آن استفاده کرده است به نام ساروج. گرچه فرمول

ساخت ساروج را محرمانه نگه می‌داشتند، اما گویا مواد اولیه آن شامل سفیده تخم‌مرغ، پشم شتر و موی بز، خاکستر زغال و پودر سنگ بوده است که از مخلوط آن ملاتی درست می‌کردند که بسیار چسبنده بوده و کارایی سیمان را داشته است. روی دیوار داخلی بنا حفره‌هایی دیده می‌شود که از ابتدای ساخت وجود نداشته و هنگام مرمت برج برای نصب داربست و بالا رفتن از آن ایجاد شده است. از سمت چپ بنا راه پله‌ای هست که با حدود پنجاه پله به بالای برج می‌رسد. نقل است که

از بالای این برج نقشه‌ای از ری کشیده‌اند که هم اکنون در موزه ارمیتاژ روسیه نگهداری می‌شود. استاد تاریخ با توجه به عکاسی‌های مداومی که طی سال‌ها از برج انجام داده است متوجه شمایل شیر خفته در بنا شده است و در این باره توضیح می‌دهد که وقتی زیر در ورودی برج قرار بگیرید و به برج نگاه کنید، چهره‌ای را می‌بینید که شبیه شمایل شیر است. وقتی به منابع دوره سلجوقیان مراجعه کردیم این شیر خفته را پیدا کردیم و متوجه شدیم منظور از شیر خفته در متون سلجوقی، برج طغرل است.

ابوحمزه در خصوص گنبد تخریب شده بالای برج معتقد است که برج از ابتدا مسقف نبوده و توسط مهر از اول ساخته نشده است، بلکه الحاقی است و بعدها به بنا اضافه شده و به همین دلیل از استحکام بالایی برخوردار نبوده و تخریب شده و در مرمت‌ها هم دیگر به بنا اضافه نشده است. اگر تا به حال به شباهت برج طغرل و ساختمان تئاتر شهر توجه نکرده‌اید، بد نیست عکس‌های دو بنا را با دقت بیشتری مشاهده کنید. به گفته علی افخمی، معمار ساختمان تئاتر شهر، در ساخت این بنا از برج طغرل الهام گرفته است.

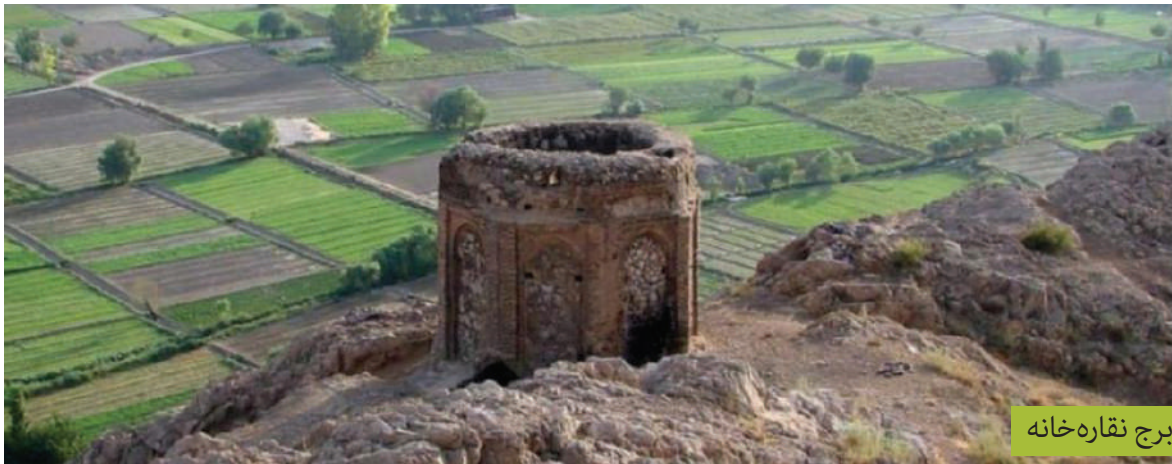
۳ نوبت مرمت

با وجود استقامت و استحکام بنای برج طغرل، از آسیب بلایای طبیعی بی‌نصیب نبوده اما خوشبختانه در سه نوبت مرمت و بازسازی شده و از خطر نابودی نجات پیدا کرده است. نخستین مرمت برج در زمان قاجار بوده است. نقل است ناصرالدین شاه در مسیر یکی از سفرهای خود برج طغرل را می‌بیند و متوجه می‌شود قسمت شمالی آن تخریب شده است و دستور بازسازی آن را صادر می‌کند. این مرمت در سال ۱۳۰۱ انجام می‌شود و گرچه به حفظ بنا کمک قابل توجهی می‌کند، اما کتیبه اصلی برج در این بازسازی از بین می‌رود و کتیبه مرمری جدیدی بر آن نصب می‌شود. بعد از انقلاب سال‌ها این بنا متروک ماند و کسی اجازه بازدید از آن را نداشت و اواسط دهه ۶۰، برج برای بار دوم مرمت شد. سومین بار، در دهه ۷۰ به تلاش و پیگیری دکتر ابوحمزه بازسازی جدی در برج صورت گرفت، محوطه‌سازی انجام و درهای برج به روی عموم باز شد.

خطر در کمین برج طغرل

برج طغرل اگرچه از زلزله‌های عظیم تهران جان سالم به در برده، اما هنوز سایه خطر از سرش کم نشده است. نم و رطوبتی که آب‌های جاری به سمت ری در آن ایجاد می‌کند، می‌تواند موجب پوسیدگی آن شود و احداث فرهنگسرای رازی و جاگذاری منبع گاز کنار دیوار برج احتمال انفجار و تخریب بنا را ایجاد کرده است.

دکتر ابوحمزه که به تازگی متوجه کج شدن برج طغرل شده است، در این باره ابراز نگرانی و عنوان می‌کند: «شاید گردشگران در نظر اول متوجه کج شدن برج نشوند اما من چون مدام از آن عکاسی می‌کنم پی بردم برج به سمت شرق در حال کج شدن است. وقتی موضوع را به اطلاع میراث فرهنگی رساندم با دستگاه مخصوص اندازه‌گیری و کج شدن برج را تأیید کردند. به گمان من این کجی به دلیل انفجارهای زیرزمینی مترو اتفاق افتاده که در پی اعتراض به آن، اعلام کردند که مسیر مترو را چندمتر جابه‌جا کرده‌اند.



برج نقاره خانه

نقاره زنی بر فراز کوه طبرک

«عاطفه سادات حسین زاده»

نشده که محوطه داخلی برج نقاره خانه از آسیب حفران بناهای تاریخی در امان بماند و در داخل برج حفره بزرگی وجود دارد که با تیشه و بیل و کلنگ کاوشگران و قاچاقچیان آثار باستانی ایجاد شده است. وضعیت فعلی حفره برج در حال حاضر جالب نیست؛ زیرا داخل حفره پر از زباله‌هایی است که از تک و توک گردشگران برج به جا مانده است. با آنکه پیمودن پله‌های فراوان و پرخطر کوه طبرک برای افراد سالم هم کار آسان و بی‌خطری نیست، ولی سرنگ‌های گوشه و کنار حفره نشان می‌دهد این برج باستانی هزارساله به پناهگاه امن بعضی از معتادان بی‌خانمان و محل مصرف مواد مخدر تبدیل شده است. نمای بیرونی بنا هم حال و روز خوشی ندارد و جای خالی سنگ‌ها و آجرهای فروریخته زنگ هشدار تخریب و ویرانی قریبالوقوع برج نقاره خانه را به صدا درآورده است. بر روی نمای بیرونی برج هم آثار شب‌نشینی و آتش‌افروزی بی‌خانمان‌ها به خوبی پیداست و دود و سیاهی آتش تا کمر دیوارهای این برج چند ضلعی بالا رفته است.

برج نقاره خانه که بر اساس مستندات تاریخی از دوره سلجوقیان به جا مانده، در گذشته شکوه و برویایی درخور و زیننده داشته است. «احمد ابو حمزه» می‌گوید: «برج نقاره خانه در گذشته برج دیده‌بانی بوده و به دلیل اینکه برفراز کوه ساخته شده، برای رصد و زیرنظر گرفتن ۴ گوشه طهران و ری قدیم مکانی مناسب بوده است. دیده‌بانان برج نخستین کسانی بودند که از نزدیک شدن لشکریان مختلف به ملک ری مطلع می‌شدند و این برج به دلیل کاربرد دیده‌بانی خود به «دیده سپهسالاران» شهرت پیدا کرده بود.

بر فراز کوهی منفرد در جنوب کوه بی‌بی شهربانو برج مقبره‌ای ۸ ضلعی قرار دارد. بنا متعلق به دوره سلجوقی و مقبره آن دارای سردابه‌ای کوچک و

درباره حکمت و دلیل ساخته شدن «برج نقاره خانه» بر فراز کوه طبرک حرف و حدیث‌های مختلفی وجود دارد، اما در جلال و جبروت گذشته آن تردیدی نیست و روزگاری شکوه و رونقی دیدنی داشته است. لاقلاً هزار سال از عمر این اثر ملی گذشته و ارزش تاریخی قابل توجهی دارد، ولی مسورد کم‌توجهی متولیان میراث فرهنگی شهرداری قرار گرفته و حال خوشی ندارد. برج نقاره خانه بسیاری از آیین‌های باستانی ایرانیان مانند نقاره زنی و مراسم خاکسپاری زرتشتیان را به خود دیده و حکایت‌های فراوانی در دل خود دارد.

پله‌های فراوانی که از دامنه کوه طبرک تا قله آن کشیده شده تنها مسیر رسیدن به برج نقاره خانه است، اما تعداد زیادی از پله‌ها از بین رفته‌اند و با لحظه‌ای غفلت به راهرو سنگلاخی زیر این پلکان لرزان و شکسته سقوط می‌کنید. اگر این اتفاق بیفتد بداقبالی بزرگی است، زیرا برج نقاره خانه و آثار تاریخی دیگری که روی این کوه قرار گرفته نگهبانی ندارند و شاید زمان زیادی بگذرد تا گذر گردشگری به آن حوالی بیفتد. این برج چندان بلند نیست و به استوانه ۸ ضلعی شباهت دارد که اضلاع آن را دیوار چین‌هایی برابر و منظم تشکیل می‌دهد. بین اضلاع و ستون‌های برج به شکل محراب ساخته شده و سنگ‌های کوچک و بزرگ صیقلی فضای محراب‌ها را پر کرده‌اند. داخل برج وسیع و بزرگ نیست و از دریچه کوتاهی که در پایین برج قرار گرفته می‌توان وارد دالان آن شد. سطح داخلی برج با خشت فرش و زیر این خشت‌ها از سیمان پوشیده شده است. به کار رفتن سیمان و میلگردهای آهنی در زیر سنگفرش خشتی سبب

استودان گبرها (برج خاموشان)

مقبره شمشیرزن دو دست

«عاطفه سادات حسین زاده»

برج خاموشان در دامنه شمالی کوه بی‌بی شهربانو قرار دارد. بنایی است مدور از سنگ لاشه و ساروج و بدون سقف. دارای ۲ ورودی در شرق و غرب و سر در آنها تخریب شده است. قطر بنا ۲۰ متر و ارتفاع دیوار آن ۶ متر است. این برج متعلق به قبل از اسلام دوران سلسله ساسانی است که بنا بر سنت دین زرتشت اجساد متوفیان در آنجا گذاشته می‌شد تا پرندگان و سایر حیوانات استخوان جسد باقی بماند و خاک را آلوده نکند. نقاره خانه می‌گوید: «پیش از اسلام در ایران مرسوم بود که وقایع مختلف مانند آغاز و پایان جنگ‌ها، طلوع و غروب خورشید و تولد و فوت اشخاص مشهور را با نقاره زنی اعلام کنند و این برج مکان مناسبی برای نقاره زنی و اطلاع‌رسانی به اهالی ری باستان بود. نقاره زنی در ۲ مکان مختلف در شمال و شمال غربی ری انجام می‌شد و لحظاتی پس از نقاره زنی در برج نقاره خانه، در کوه چشمه علی نقاره می‌زدند.» در بعضی از کتاب‌های تاریخی سازنده برج نقاره خانه را فردی به نام «بزرگ امید» و یا «بوزجمید» ذکر کرده‌اند که پیرو آیین زرتشتی بوده است. بر اساس آیین زرتشت، خاک از عناصر پاک و مقدس به شمار می‌آید و در گذشته پیروان آیین آیین از دفن مردگان در خاک خودداری می‌کردند. آنها اجساد خود را در نقاطی مرتفع مانند قله کوه‌ها و تپه‌های بلند قرار می‌دادند تا خوراک پرندگان شوند. بعد استخوان‌های جسد را جمع‌آوری می‌کردند و داخل کوزه‌هایی می‌ریختند تا با همان کوزه در محلی به نام استودان (استخوان) قرار بگیرد. در کتاب‌های تاریخی آمده است که بزرگ امید زرتشتی هم برج نقاره خانه را بر بلندای کوه طبرک ساخته تا پس از مرگش جسد او را بر فراز این برج قرار دهند. بقایای اجساد که در حفاری‌های برج نقاره خانه به دست آمده این نظریه تاریخی را ثابت می‌کند و عده‌ای از مورخان برج نقاره خانه را گورستان سلطنتی زرتشتیان دانسته‌اند.

می‌کنند.» در این برج محل دیده‌بانی و اتاقک‌هایی برای نگهداری سربازان قرار داشت، اما پس از دفن امیر اینانج و تعدادی از سلاطین ری به آرامستان تبدیل و برجک دیده‌بانی و اتاقک سربازان بدون استفاده رها می‌شود. پیش از اسلام به این گنبد که به عنوان آرامستان مورد استفاده قرار می‌گرفت «برج خاموشی» یا «خاموشان» می‌گفتند و اعتقاد داشتند مردگان پس از مدتی خاموشی دوباره زنده می‌شوند. این میراث هزارساله که از قرن چهارم سال ۱۳۷۳ بازسازی و مرمت شده، ولی قاچاقچیان و سوداگران عتیقه با حفاری‌ها و کاوش‌های غیرمجاز آن را تخریب



برج خاموشان متعلق

به قبل از اسلام دوران سلسله

ساسانی است که

بنا بر سنت دین

زرتشت اجساد

متوفیان در آنجا

گذاشته می‌شد تا

پرندگان و سایر

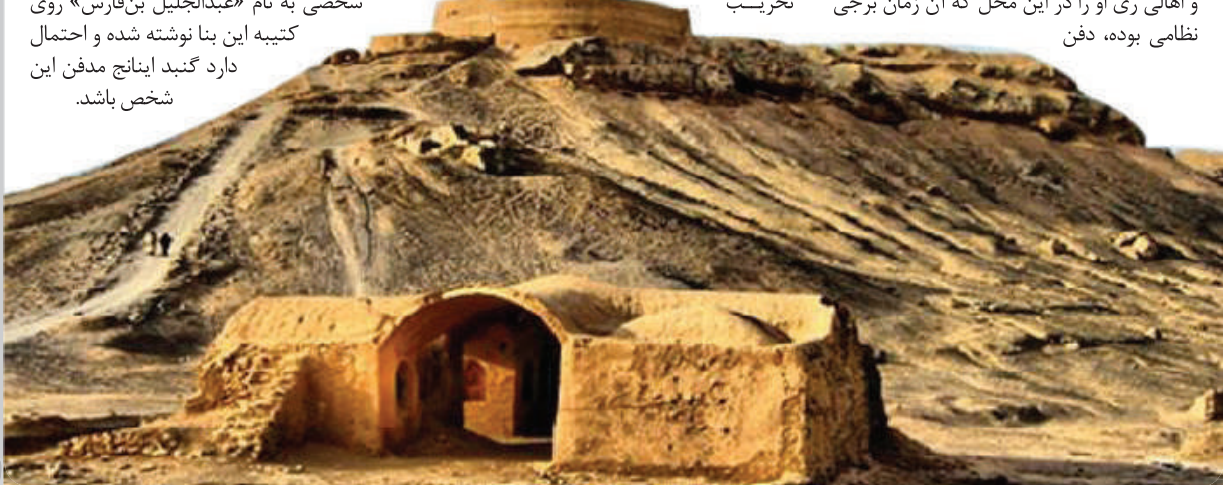
حیوانات گوشت آنها

را استفاده کنند



کرده‌اند. ماجدی در این باره می‌گوید: «در یکی از این کاوش‌ها پارچه‌هایی گرانبها به دست آمده که متعلق به دوران آل بویه است.

از این بنا حفره‌ای مدور باقی مانده که قطر آن ۳۶ متر است. حفره‌های مستطیل شکل این محیط مدور به وجود آمده به شکل و شمایل گور هستند. دیوارهای کوتاه از جنس سنگ و ساروج و قسمتی از برج دیده‌بانی تنها آثار و بقایایی هستند که از این بنای تاریخی باقی مانده است.» این تاریخ‌شناس معتقد است گنبد اینانج به «فخرالدوله» حاکم آل بویه تعلق داشته و محل دفن فخرالدوله بوده است.» به گفته «شهریار عدل» که از مورخان کشور است، نام شخصی به نام «عبدالجلیل بن فارس» روی کتیبه این بنا نوشته شده و احتمال دارد گنبد اینانج مدفن این شخص باشد.



مدفن مرداویچ زیاری



عاطفه سادات حسین زاده

مساحت دارد و از خشت و گل ساخته شده است. قلعه گبری اگرچه در ابتدا برای محافظت از شهر ساخته شده بود، اما در روزهای پیش از انقلاب از آن به عنوان کارخانه باروت سازی استفاده می شد تا اینکه در ۵ اسفندماه سال ۱۳۷۶ با شماره ۱۹۸۲ به ثبت ملی رسید و در اختیار آستان عبدالعظیم حسنی (ع) قرار گرفت. شاید برایتان جالب باشد بدانید مرداویچ زیاری، بنیانگذار سلسله آل زیار در این قلعه به خاک سپرده شده است. در حال حاضر در اطراف قلعه باغداری و سبزیکاری انجام می شود و انبار

مرکزی آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) است. بنای قلعه به صورت دژی مستحکم و مستطیل شکل با چهار برج تدافعی و دیده بانی است. قطر برجهای گوشه قلعه ۱۴ متر و برجهای میانه ۵/۷ متر است. ارتفاع قلعه حدود برجهای دیده بانی ۱۷ متر است. این قلعه از خشت و چینه ساخته شده است و معماری زیبایی در سطح داخلی قلعه وجود دارد. به هر شکل این قلعه متعلق به دوره ساسانی است و امکان بازدید از داخل آن برای عموم مردم وجود ندارد.

بقعه جوانمرد قصاب

سازه های مربع با ایوان الحاقی

سودابه رنجبر

وقتی از شمال تهران به شهری وارد شوید نخستین محله ای که سر راهتان قرار می گیرد محله جوانمرد قصاب است. برای رمزگشایی از نام این محله کهن سراغ فتوت نامه ها رفته ایم. این نام از تاریخ گذشته و صدراسلام، ماندگار شده است. محله جوانمرد قصاب یکی از محله های قدیمی شهری است که با توجه به وجود بقعه جوانمرد قصاب، قدمت طولانی دارد. بنای بقعه جوانمرد قصاب به صورت ۴ ضلعی و طول و عرض آن از هر طرف حدود ۱۰ متر است. در داخل بقعه، قبری وجود دارد به ارتفاع یک متر. پیش از این روی آن یک سنگ سیاه رنگ حجاری شده بود که سال ها پیش مفقود شده است. نمای داخلی رسمی بندی های زیبایی دارد. داخل بنا با ملات کاهگل و گچ، اندود شده است که روی آن و نمای بیرونی را با سیمان پوشانده اند. در نمای شرقی و جنوبی بقعه قاب بندی مشهود است. در سال هایی که اهالی محله جوانمرد قصاب تا قبل از سال ۱۳۳۰ به کشاورزی و دامداری مشغول بودند بقعه جوانمرد قصاب، زائران زیادی داشت. طوری که کشاورزان و دامداران آن محله در ابتدای کار روزانه به زیارت این



جوانمرد می رفتند. اما طی دهه های ۵۰ و ۶۰ بقعه، ساختمانی مخروبه شد تا اینکه طی دهه گذشته با بازسازی بقعه و حتی جانمایی آن به عنوان محل اداره میراث فرهنگی بر اهمیت آن افزوده شد. اکنون بقعه جوانمرد قصاب زائرانی از کل تهران دارد و یکی از محل های گردشگری شهری محسوب می شود. در ورودی واقع در ضلع غربی با تبعیت از قوس در گاه که تیزه دار است به صورت چوبی بوده و تخریب شده است. ابیات لوحه قبر داخل بقعه نشان می دهد که صاحب آن را همان پیر افسانه ای صنف قصاب دانسته اند. مقبره های دیگری در برخی روستاهای ایران به نام جوانمرد قصاب هست که احتمال دارد همه آنها مقبره هایی نمادین برای شخصیت نیمه افسانه ای جوانمرد قصاب باشند. قصابان افغانستان شب های جمعه به نام جوانمرد قصاب ندی می دهند و در حین مراسم یکی از پیران خانواده، قصه جوانمرد قصاب را نقل می کند. طی دهه های گذشته که پرده خوانی در قهوه خانه های ایران باب بوده، نقاشی و پرده خوانی جوانمرد قصاب یکی از روایت های پرمخاطب نقال ها بوده است که هنوز هم نقاشی ها و پرده های آن وجود دارد

بارویی از خشت و برج های پشتیبان

عاطفه سادات حسین زاده

دژ رشکان یکی از دینی های شهری است که در نزدیکی محله صفاییه و تپه چشمه علی قرار دارد. در گذشته این دژ به همراه دژ چشمه علی کار محافظت از شهری را برعهده داشت. آن طور که باستان شناسان می گویند، دژ رشکان با ساختاری متشکل از لاشه سنگ و ساروج، متعلق به دوره اشکانیان است. این دژ در گذشته با انتساب به فخرالدوله بن رکن الدوله دیلمی، فخرآباد نامیده می شد. اما امروز به آن دژ رشکان می گوئیم. دلیلش هم این است که این دژ یادگار دوره اشکانیان است و نامش را از ارشک یکم، بنیانگذار این سلسله پادشاهی گرفته است. شاید برایتان جالب باشد بدانید که شهری در روزگار پادشاهی اشکانیان، ارشکیه نام داشت و به همین دلیل است که امروزه به تپه و دژی که در این محدوده قرار دارد، رشکان گفته می شود



این دژ نزدیک کارخانه گلیسیرین و کارخانه سیمان و در نزدیکی قلعه گبری واقع شده است. در زمان های مختلف این بارو مورد مرمت قرار گرفته است؛ به ویژه در زمان آل بویه که ری برین باستانی از نو ساخته شد و همچنین فخرالدوله نیز قلعه ری باستانی را تعمیر و مرمت کرد. تاریخ بنای باروی ۶ هزارساله ری باستانی به دوره اسکندر و قبل از آن برمی گردد. در احوال تجاوزهای مردمان شمالی اسکندر قلاع (دژ) با کاربرد دفاعی دورتادور شهر را در بر می گرفته و اطراف آن خندقی وجود داشته که در هنگام خطر برای دفاع آن را از آب پر می کرده اند.



ری بعد بر اثر زلزله خراب شد و «سلوکوس» نخستین جانشین اسکندر آن را از نوآباد کرد. این دیوار قدیمی در بالای کتیبه فتحعلی شاه قاجار و در شمال چشمه علی واقع در شهری است. این دیوار مانند باروی اصلی ری از چینه و خشت ساخته شده و دارای برج های پشتیبان است. در ظاهر نیمه شرقی آن به طور کامل و پی های آن در دیگر جهات در آغاز دوره قاجار باقی بود و حدود ری قبل از اسلام را نمایان می کرد. در دوره اشکانیان از آنجا که این شهر پایتخت بود، این بارو به نشان نقشه «کرپرتر» که نام دژها را

آورده است وجود داشته و مربوط به این دوره است. این بارو علاوه بر آسیبی که از باد و باران در گذشت زمان دیده است، به کلنگ کشاورزان نیز خراب شده و به جز اندکی از آن به جای نمانده است. هم اکنون تنها حدود ۳ کیلومتر از بقایای این دیوار که قسمتی از آن بر روی صخره چشمه علی واقع شده باقی مانده است. دژ منسوب به اشکانیان، بین ضلع غربی کارخانه گلیسیرین و ضلع جنوبی کارخانه قدیم سیمان ری قرار گرفته و با ساختاری از لاشه سنگ و ساروج یکی از دژهای محافظ هسته اولیه ری است. فصل اول حفاری این دژ در بهار سال ۸۵ توسط میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان تهران به سرپرستی آقای افروند حفاری شد. بارو به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می شود و بقایای آن در کنار خیابان ابن بابویه قرار دارد. میراث فرهنگی استان تهران طی سال های ۸۰-۸۱ دیوار را بازسازی کرده است.

در زمان های مختلف این بارو مورد مرمت قرار گرفته است؛ به ویژه در زمان آل بویه که ری برین باستانی از نو ساخته شد و همچنین فخرالدوله نیز قلعه ری باستانی را تعمیر و مرمت کرد

کاروانسرای ری یکی از ۹۹۹ کاروانسرای است که به دستور شاه عباس ساخته شد

یادگار معماری عصر صفوی



بهاره خسروی

به دست گرفتن سکان قدرت از سوی صفویان نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران بعد از اسلام بود. شاه عباس صفوی به این نتیجه رسیده بود برای پیشرفت کشور باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن به رونق اقتصادی رسید. یکی از بهترین رکن تحقق این خواسته باتوجه به قرار داشتن ایران در مسیر جاده ابریشم فراهم کردن شرایط هموار تجارت و بازرگانی بود. با تقویت راه‌ها و جاده‌ها ساخت کاروانسراها زمینه حضور تجار و جهانگردان خارجی در ایران فراهم شد به نحوی که در دوران شاه عباس ۹۹۹ کاروانسرای درون شهری و برون شهری ساخته شد. کاروانسرای شاه عباسی شهری در واقع یکی از همین کاروانسراهای قدیمی ایران است. این بنا مقابل «مسجد خاتم النبیین» قرار گرفته و یکی از جاذبه گردشگری ری و یادگار معماری عصر صفوی است. در این گزارش به تاریخ هویتی این کاروانسرای تاریخی به روایت «مژگان جعفری» پژوهشگر ایران شناسی نگاهی داریم.



قرار گرفتن ایران در مسیر جاده ابریشم بهترین فرصت برای گشت و گذار و سرک کشیدن بسیاری از جهانگردان و سیاستمداران به ایران به بهانه تجارت و سیاحت بود. به همین بهانه شاه عباس برای رونق اقتصادی کشور در نخستین قدم تصمیم به راه اندازی کاروانسراها کرد. کاروانسراها مورد توجه بسیاری از جهانگردان خارجی که به

ایران سفر کرده بودند واقع شد و بسیاری از آنها به وجود کاروانسراها در دست نوشته‌ها و آثار خود اشاره داشتند. «ژان شاردن» جهانگرد فرانسوی، «پیتر دلاواله» ایتالیایی و مادام «دیو لافوا» از جمله جهانگردان معروفی بودند که به ایران سفر کردند. این افراد به دسته بندی کاروانسراها در ایران اشاره داشتند برای مثال «ماکسیم سیرو» کارشناس

معماری از فرانسه بود که به ساخت کاروانسراهای مختلف اعم از خیریه و وقفی در کتاب خود اشاره کرده است. در واقع، کاروانسراهای شاه عباسی در دوره صفویان کارکرد هتل‌های چند ستاره و مراکز اقامتی و تفریحی را برای مسافران، زائران، تجار و بسیاری از جهانگردان را داشتند. به همین دلیل به دو دسته درون شهری و برون شهری تقسیم می شدند. «مژگان جعفری» پژوهشگر ایران شناسی درباره تقسیم بندی کاروانسراها توضیح می دهد: «کاروانسراها در گذشته بر اساس موقعیت جغرافیایی شان به سه دسته تقسیم می شدند. در مناطق کوهستانی کاروانسراها کاملاً پوشیده بودند. دسته دوم کاروانسراهایی بودند که در کرانه خلیج فارس ساخته می شد. دسته سوم کاروانسراهایی که در مناطق مرکزی ایران ساخته می شدند و اغلب حیاط داشتند. از نظر پلان و نقشه هم دسته بندی های مختلفی را داشتند»

از چاپارخانه تا کاروانسرا

از چاپارخانه های هخامنشی می توان به عنوان نخستین کاروانسراها یاد کرد. چاپارخانه ها جایی برای استراحت و تجدید قسوی پیک ها و قاصدان حکومتی بود که به مرور زمان با تغییر سبک زندگی و توسعه آن در دوره سلجوقیان حسایی تغییر کردند و به مکانی برای استراحت و اتراق کاروانیان تبدیل شدند. این کاروانسرا تا دوره ایلخانیان بسیار پررونق بود تا اینکه با روی کار آمدن چوپانیان، رکورد اقتصادی از برو بیای این کاروانسرا تا قدرت گرفتن صفویان به تدریج کاسته شد.

به گفته این پژوهشگر ایران شناسی، دوران صفویه را می توان دوره رونق کاروانسراهای ملک ری عنوان کرد. در این دوره یکی از اقدامات شاه عباس صفوی برای رونق شکوفایی جاده ابریشم و اقتصاد

ایران، احیای کاروانسراها بود. او کاروانسراهای شاه عباسی را به مساحت هزارمترمربع مرمت و بازسازی کرد.

معماری هتل چند ستاره صفویان

در گذشته سفرها مانند امروز به ایمن ترین شکل در زمانی کوتاه راحت نبود. به همین دلیل مهم ترین کارکرد کاروانسراها، ارائه خدمات به مسافران و زائران خسته از یک سفر طول و دراز و پرمشقت بود تا رنج سفر و خستگی راه چندماهه کمی کاهش پیدا کند. کاروانسراها بر اساس امکانات و خدمات برای مردم حکم هتل چند ستاره را داشتند.

کاروانسرای شاه عباسی همان طور که از نامش پیداست در دوره صفویان راه اندازی شد. جعفری درباره معماری این بنا تعریف می کند: «کاروانسرای شاه عباسی یک بنای چهار ایوانی با مقرنس های زیبا در هر چهار طرف بود. در واقع، این مقرنس ها نشانگر ذوق و هنر معماری عصر صفویان بود. در ضلع شمالی این کاروانسرا بخشی به نام شاه نشین و در اطراف آن حجره هایی وجود داشت. داخل حجره های این کاروانسرا طاقچه هایی برای قرار دادن شمع یا فانوس وجود داشت. حجره ها به یکدیگر متصل بودند و مسافران به راحتی می توانستند وارد آنها شوند.» سقف و ایوان های این کاروانسرا گنبدی شکل بود که ضخامت گنبد، مانند عایق های امروزی عمل می کرد و از ورود و خروج حرارت به داخل ساختمان و حجره ها جلوگیری می کرد.



دوران صفویه را می توان دوره رونق کاروانسراهای ملک ری عنوان کرد. در این دوره یکی از اقدامات شاه عباس صفوی برای رونق شکوفایی جاده ابریشم و اقتصاد ایران، احیای کاروانسراها بود



همچنین شکل گنبدی به ایستایی سازه کمک فراوانی می کرد. وجود استخر و اسطبل برای نگهداری حیوانات و تأمین آب مورد نیاز آنها از دیگر ویژگی کاروانسراهای شاه عباسی است که این ایران شناس از آن یاد می کند. البته یکی از ایوان های شرقی این کاروانسرا در دوره قاجار برای تعریض معبر خیابان تخریب شد تا اینکه در عملیات مرمتی از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران مجدد این ایوان شرقی ساخته می شود.

محل تبادل اندیشه ها و افکار

با توجه به مجاورت کاروانسرای شاه عباس با حرم حضرت عبدالعظیم (ع) به نظر می رسد که فقط برای استراحت بازرگانان و بارانداز کالاها نبوده است، بلکه مکانی برای پذیرایی زائران حضرت عبدالعظیم هم محسوب می شد. «مژگان جعفری» با اشاره به این موضوع درباره دیگر کارکردهای کاروانسراها توضیح می دهد: «کاروانسراها غیر از ارزش هنری، نقش زیادی در اتفاقات اجتماعی داشتند. کاروانسراهای برون شهری محلی

برای بارانداز و استراحت مسافران از نقاط مختلف بودند. به همین دلیل وقتی در آنجا اتراق می کردند با یکدیگر گفت و گو و درباره افکار و اندیشه مختلف تبادل نظر می کردند.»

کاروانسرای شاه عباسی در حال حاضر یکی از موقوفات آستان حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) است که این روزها به انبار کالاهای کاسبان اطراف حرم تبدیل شده است.

در جست‌وجوی خانه‌های تاریخی

هویت به جا مانده در کوچه‌پس‌کوچه‌های ری

«الته گفایتی»

لولای کهنه جیرجیرکنان می‌چرخد و در چوبی فیروزهای باز می‌شود به خانه‌ای پر از خاطرات کهن. از دالان هشتی که بگذری، حیاط چند ضلعی و حوض کاشی و شمعدانی‌اش، عطر اصالت می‌دهد و میان قاب چوبی پنجره‌ها و شیشه‌های رنگی‌اش، نوری از تاریخ می‌تابد. در هر کنج خانه‌های قدیمی، روح زندگی جاری ست. خانه‌هایی که بخشی از هویت به جا مانده از گذشته ما را در خود دارند و به‌خاطر معماری اصیل و بومی، جزئی از حافظه شهر شده‌اند. این مکان‌های تاریخی نقش مهمی در انتقال سبک، سیاق و شیوه زندگی مردم در زمان قدیم را ایفا می‌کنند. در هر گوشه و کنار شهر تاریخی ری نیز، نمونه‌هایی از این خانه‌های ارزشمند را می‌توان دید که در کوچه‌پس‌کوچه‌های قدیمی جا خوش کرده‌اند. از میان این بناهای ارزنده، برخی که اقبالشان بلند بوده، بازسازی و مرمت شده‌اند و آنها که بخت یارشان نبوده، در آستانه ویرانی‌اند. خانه‌های تاریخی ری به همین سرنوشت دچارند.

خانه کلیدداری

ایوان مقرنس کاری با کاشیکاری متنوع

خانه کلیدداری با ویژگی منحصر‌به‌فرد ایوان مقرنس کاری شده، یکی از زیباترین خانه‌های قدیمی در ری محسوب می‌شود. این خانه در محله سر تخت بازار شهرری قرار دارد و متعلق به دوره قاجار است. به گفته رحیم‌زاده، رئیس سابق میراث فرهنگی ری، خانه تاریخی کلیدداری دارای معماری ایرانی اسلامی و سر در سنگی حجاری شده است. در بخش شرقی این بنا حیاط، ایوان، در و هشتی ورودی با کاشیکاری و آینه‌های زیبا قرار دارد. ایوان و سردر خانه با تزیینات و در چوبی بسیار زیبا، به هشتی کوچک منتهی می‌شود که دیوارها و سقف آن به‌طور کامل با طرح‌های متنوعی کاشیکاری شده و سردر ورودی و هشتی با قطعات بزرگ سنگ



قرمز حجاری شده، تزیین شده است. مسئولان میراث فرهنگی ری در تلاشند با همکاری مالک نسبت به ثبت این خانه در فهرست آثار ملی اقدام کنند و به بازسازی و مرمت این بنا بپردازند.

خانه معینی‌ها

دو دوره معماری کنار هم

عمارت تاریخی معینی‌ها یکی از شاهکارهای معماری ایرانی واقع در محله سر تخت ری است. فضای داخل آن آنقدر زیباست که می‌تواند به موزه تبدیل شود. این بنای تاریخی دارای حیاطی بزرگ است و در ظاهر بخشی از یک مجموعه ساختمانی بزرگ‌تر را تشکیل داده که به لحاظ معماری و نوع مصالح و تزیینات به کار رفته، می‌توان این خانه را به دو دوره مختلف نسبت داد.



ضلع شرقی حیاط متعلق به دوره قاجار است و شامل زیرزمینی متشکل از راهروی سراسری در جنب حیاط و چندین اتاق می‌شود. معماری مذهبی و رعایت مسائل دینی در ساخت خانه یکی از ویژگی‌های مهم معماری دوره قاجار است که این ویژگی به خوبی در معماری خانه معینی‌ها مشهود است. قسمت دوم بنا که به موازات دیواره شمالی ساخته شده، مربوط به دوره پهلوی اول می‌شود. عمارت تاریخی معینی‌ها در طبقه بالا دو ستون مرتفع و زیبا دارد و سقف کاذب اتاق‌ها و رواق این طبقه چوبی است. طبقه پایین بنا با نمای آجری و متشکل از طاق و قوس و طبقه بالا با نمای رواق ستون‌دار است. قسمت دیگر بنا بخشی است که در امتداد همان ساختمان، ولی بعداً به آن ملحق شده است.

خانه قمی

عمارتی مینیاتوری با معماری اصیل ایرانی

در خیابان حرم و در کوچه زنگنه، خانه‌ای کوچک اما دیدنی وجود دارد که قدمت آن به اواخر دوره قاجار می‌رسد. رئیس پیشین میراث فرهنگی ری، خانه تاریخی قمی را خانه‌ای مینیاتوری و با معماری اصیل ایرانی توصیف می‌کند و می‌گوید: «این بنا علاوه بر هشتی ورودی، یک در چوبی قدیمی دارد که به اصطیل کوچک در زیرزمین راه دارد. همچنین دارای مدخل دیگر در گوشه جنوب غرب و از بن‌بست فدایی است که در چوبی برای آن تعبیه شده است.»

خانه فخرالدوله و امینی

تلفیقی از معماری اروپایی و ایرانی

در منطقه کهریزک شهر ری، پس از پشت سر گذاشتن ردیف کاج‌های باقی‌مانده از سال‌های دور، در کوچه‌ای به نام «عمارت»، دو خانه تاریخی تقریباً با یک شکل و شمایل قرار دارند که به عمارت‌های «فخرالدوله» و «امینی» معروفند. این دو بنا از خانه‌های تاریخی قابل توجه استان تهران و به‌عنوان بخش مهمی از هویت فرهنگی و تاریخی «ری» شناخته می‌شوند.



هر دو ساختمان متعلق به دوره قاجار هستند و در واقع از خانه‌های بیلاقی قاجاری به حساب می‌آیند. خانه امینی متعلق به «علی امینی» نخست‌وزیر دوره پهلوی و خانه دیگر، مربوط به مادرش، «فخرالدوله» است. این بنا چند عمارت داخلی دارد که مدت‌هاست

به‌صورت متروکه و غیرقابل استفاده در آمده است. به گفته یک باستان‌شناس، خسرو پوربخشنده، در عمارت فخرالدوله و امینی تلفیقی از معماری اروپایی و ایرانی وجود دارد و می‌توان آن را یکی از آخرین آثار تحول معماری از دوره سنتی مطلق، به اروپایی دانست. ایوان جلو این بناها از نوع طاق‌های شیروانی است و اتاق‌بندی جالبی دارند که بازدید از آن می‌تواند برای دانشجویان و علاقه‌مندان به معماری بسیار ارزشمند باشد. عمارت فخرالدوله با ۴۰۰ متر زیربنا در نزدیکی کارخانه قند کهریزک قرار دارد و چندین سال در تصاحب مهاجران افغانستانی بود. چندین سال پیش نیز قرار بود این بنا تخریب و ساختمان دیگری به جای آن ساخته شود که با پیگیری میراث فرهنگی و مکاتبات با شهرداری منطقه، دستور عدم تخریب و بازسازی این خانه تاریخی صادر شد.

فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه، مالک این عمارت بیلاقی، از زنان تأثیرگذار تاریخ معاصر ایران است که با آرام نگاه داشتن ایل قاجار، تلاش کرد جلو بسیاری از درگیری‌ها و خون‌ریزی‌ها را بگیرد. او بنیانگذار نخستین تاکسیرانی در تهران بود و ساخت مسجد فخرالدوله نیز به همت او انجام شد. او پس از مرگش، چنان که وصیت کرده بود، در گورستان ابن‌بابویه ری به خاک سپرده شد.

عمارت بادگیردار

تنها بادگیر تاریخی استان تهران

این عمارت دارای تنها بادگیر تاریخی استان تهران است و قدمت آن حدود ۴۰۰ سال تخمین زده می‌شود. بنای عمارت از سه بخش اصلی تشکیل شده که بخش میانی، قدیمی‌ترین قسمت عمارت است و از نظر معماری دارای تزیینات کاشی‌کاری بسیار زیبایی بوده که هنوز قطعاتی از کاشی‌های هفت رنگ چندپر آن موجود است. این بادگیر در خیابان سنسی‌پور در جنوب شهرری واقع شده و به‌صورت برجکی چند ضلعی بر بالای محلی از خانه که به آن حوض خانه می‌گفتند بنا شده است.

خانه‌باغ ملک

روضه‌خوانی در اقامتگاه شاهزادگان قجری

خانه باغ ملک یکی از آثار به جا مانده تاریخی در ری است. این خانه که منسوب به دوره قاجار است، به سفارش حاج حسین ملک و توسط میرزا حسین خان، از معماران بنام خراسانی، ساخته شد و روزگاری محل افرادی بوده است که برای زیارت صحن و سرای حضرت عبدالعظیم (ع) به شهرری می‌آمدند. به روایتی ناصرالدین شاه هم یکی از سفرهای فرنگ خود را از همین محل آغاز کرد.

حاج حسین ملک، معروف به حاج حسین آقا ملک فرزند ارشد حاج محمد کاظم ملک‌التجار، ثروتمند بزرگ‌زاده تهران و ساکن مشهد بود که موقوفات او مشهور است. گستردگی موقوفات او تا حدی است که فقط آستان قدس رضوی، اداره‌ای به نام موقوفات ملک دارد. او که طبقه



اول عمارت باغ ملک را به روضه‌خوانی اختصاص داده بود سرانجام در دی ماه سال ۱۳۴۸ این بنا را به اداره آموزش و پرورش وقت هدیه کرد تا در آن چند باب دبستان و دبیرستان احداث شود. باغ ملک که به قصر ملک نیز معروف است، در خیابان شهید فدایی و در کوچه‌ای به همین نام واقع است و به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده، با این وجود از عواقب بی‌مهری و کم‌توجهی مصون نبوده و بخشی از نمای آسیب‌دیده آن از لایه‌لای درختان کاج جلو خانه نمایان است.

خانه رفاهی

هزار توی غریب‌نواز

خانه تاریخی رفاهی از بناهای واجد ارزش در شهرری شناخته می‌شود و در محله میدان کوچک ری، در مسیری که انتهایش به حرم عبدالعظیم حسنی (ع) می‌رسد، قرار دارد. این خانه قاجاری از آن جهت به غریب‌نوازی مشهور است که حتی اگر کسی برای نخستین بار به قصد زیارت حرم به شهرری پا گذاشته باشد، یافتنش نیازی به جست‌وجو ندارد و جلو چشم غریب‌ها خودنمایی می‌کند.

خانه رفاهی که به هزار توی شباهت دارد، چندی پیش به دنبال درخواست مالک خصوصی برای اجرای پروژه تجاری زائرسرا، مورد بازدید کارشناسان میراث فرهنگی قرار گرفت و



به حیاط بخش پشتی خانه مجوز ساخت داده شد و مالک ملزم شد بخش‌های واجد ارزش تاریخی را حفظ کند. به گفته میراث فرهنگی، بخش‌های ارزشمند این خانه قاجاری شامل جداره، سردر ورودی ملک تا انتهای بخش سمت راست آن و زیرزمین خانه است.

آتشکده ری

عبادتگاه مشهور بهرام گور

طول تاریخ، مورد آسیب قرار گرفته و تخریب شده است اما زمان تخریب آن به طور دقیق و مستند، مشخص نیست. «عباس عربی» پژوهشگر تاریخی درباره این آتشکده می‌گوید: «در گذشته این بنا در محدوده مسیر جاده ابریشم قرار داشت و نمادهایی از جمله نیلوفر آبی، گردانه مهر، نماد میترا (خدا خورشید) و نمادی از ایزد بانوی آناهیتا نگهداری می‌شد که متأسفانه ۴ یا ۵ سال پیش در یک طوفان از بین رفتند و تنها بقایایی از آن باقی است و بسیاری از پژوهشگران و گردشگران برای بازدید همین‌ها به آتشکده می‌روند.»

آتشکده چطور تخریب شد

«عباس عربی» در رابطه با تخریب بنای آتشکده ری می‌گوید: «با توجه به اسناد موجود می‌توان در این باره سه نظریه مطرح کرد. اگر قدمت اولیه تپه میل به قبل از ساسانیان برسد، می‌شود این احتمال را داد که در زمان حمله اسکندر تخریب شده است، اما به عقیده برخی، تپه میل در زمان حمله اعراب تخریب شده و گروهی از محققان و اسناد تاریخی می‌گویند که اعراب به‌صورت صلح‌جویانه ری را فتح کردند و دست به تخریب نزدند. بنابراین دلایلی دقیق نمی‌توان در این باره ارائه و در حال حاضر آنچه خیلی مهم است حفظ همین بقایای به جا مانده است.»

آتشکده ری کجاست؟

به هر حال پس از تخریب تپه میل، همچنان بخش‌هایی دیدنی از آن پابرجاست و دیده‌ها را به شگفتی‌های باشکوه ایران عصر ساسانیان خیره می‌سازد. اگر تصمیم به بازدید از این بنای تاریخی را دارید باید به سه راه ورامین در شهر ری بروید و از آنجا حدود ۱۲ کیلومتر به سمت ورامین رانندگی کنید، سپس در محلی به اسم روستای قلعه‌نو تابلوی بزرگ آتشکده ری شما را به سمت این محل باستانی هدایت می‌کند. هر چند که بهتر است با خودروی شخصی و با استفاده از اپلیکیشن برای بازدید این اثر تاریخی بروید.

قدمت بنای آتشکده مربوط به دوران ساسانی است و یکی از با ارزش‌ترین جاذبه‌های گردشگری ری به شمار می‌آید. تاریخ دانان و تاریخ نویسان درباره این آتشکده تحقیقات زیادی انجام داده‌اند به گونه‌ای که می‌توان به نقل از حسن شهبازی، تهران‌شناس این موضوع را عنوان کرد: «این آتشکده قبل از زرتشت وجود داشته است، ری قبل از زرتشت هم شهری مذهبی بوده و در زمان فتح آن توسط اعراب، چون با مردم آنجا صلح کردند، آتشکده را باقی گذاشتند.» بنابراین می‌توان گفت آتشکده ری، عبادتگاه مشهور «بهرام گور» باشد؛ همان پادشاه قدرتمند ایران که به پاسداشت آیین‌های زرتشتی و برگزاری جشن‌های متعدد مشهور بود.

جاذبه‌ای در ری به عنوان تپه میل

معماری تپه میل دارای ساختاری متشکل از گل، خشت، آله سنگ، آجر و ساروج است. طی سال‌های اخیر بنای اصلی تخریب و بقایای به‌جا مانده، این دو پایه در بنای عظیم به تپه میل شبیه است. جهت‌های آن از دور شرقی و غربی هستند و این بنا در جبهه شرقی ایوانی با چهار ستون مدور داشته که در حال حاضر تنها پایه‌های دو ستون آن باقی مانده است. بیشتر قسمت‌های غربی بنا تخریب شده و در قسمت زیرین مجموعه یک راهروی کم عرض وجود دارد که سراسر طول بنا را طی می‌کند و این جذابیت بیشتری برای گردشگران دارد.

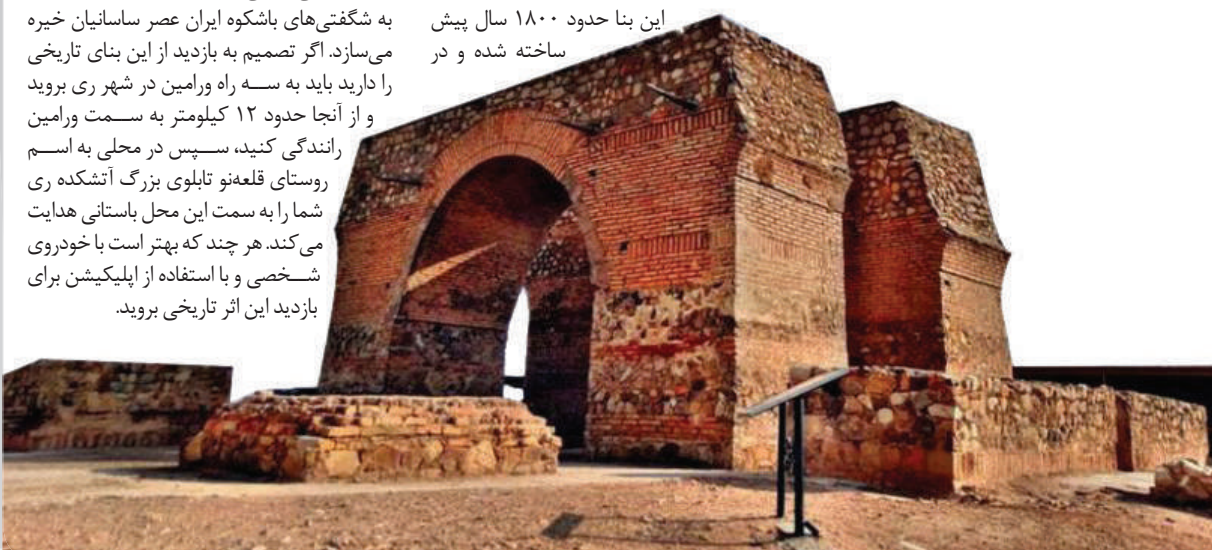
بهبان‌های بازدید از آتشکده

این بنا حدود ۱۸۰۰ سال پیش ساخته شده و در

زهراکریمی

اینجا آتشکده ری یا آتشکده-بهرام در دوازده کیلومتری جنوب شرقی ری به سمت ورامین و بر فراز تپه‌های بلند در روستای قلعه‌نو قرار است، آتشکده‌ای که درباره آن حرف برای گفتن بسیار دارد. دورنمای این بنای زیبا به گونه‌ای است که از دور به مثابه میل‌هایی به روی یک تپه دیده می‌شوند و چه بسا شهرت دیگرش از دیرباز، تپه میل یا آتشکده تپه میل است. اما وقتی به بنا نزدیک می‌شوید اینها میل نیستند بلکه بقایای بنای اصلی است. سال ۱۳۳۴ این بنای ارزشمند با وجود نمادهایی از آیین زرتشتیان به شماره ۴۰۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

گردشگری تاریخی





گردشگری طبیعی



کاريزهای ري روزگاري اين منطقه را به يکي از انبارهای گندم سرزمين ايران تبديل کرده بودند

کاريز تا کهریزك

پيمان سمندري

مشهور است چندی پس از اینکه در دوره آقا محمدخان قاجار تهران به عنوان پای تخت ايران برگزیده و به طور رسمی اعلام شود، مردم تهران و ري با مشکلی جدی مواجه شدند و آن کم آبی بود. پس به دستور پادشاه قاجار قنات‌هایی فراوان در سراسر شهر برای مقابله با اين بحران و تامین آب تهران احداث شد. درستی اين ادعا چندان مشخص نیست به ويژه اینکه آثاری از قنات‌هایی تاریخی در جای‌جای اين شهر بزرگ وجود دارد. شاید مهم‌ترین نمونه قابل اشاره و استناد، وجود قدیمی‌ترین «ميله قنات» شناخته شده موجود در ايران که احتمالا «مظهر قنات» یعنی آخرین بخش از سلسله قنات‌هایی که از جاجروود و قیطر به سرچشمه گرفته‌اند، همانا چشمه‌علی در شهرری باشد که سابقه‌ای قریب به هشت هزار سال دارد. هم‌چنین وجود بخشی به نام کهریزك در شهرستان ري امروزی، گویای شناخت و اهمیت موضوع کاريز يا همان قنات برای مردم در اين منطقه بوده است.



ايران و تمدن کاريزي آن

بی‌گمان وجود و دسترسی به منابع آب، مهم‌ترین عامل شکل‌گیری تمدن‌های بشری بوده است. در سرزمین ایران هم که همواره به عنوان سرزمینی کم‌آب شناخته می‌شده، نزدیکی به منابع موقت یا دائمی تأمین آب مانند چشمه‌ها، آب‌گیرها یا رودخانه‌ها، اساس شکل‌گیری نواحی سکونت انسانی بوده، اما یک عامل بیش از همه موجب

پیدایش تمدنی بزرگ و دیرپا در این گستره جغرافیایی شد و آن دستیابی مردمان این مرز و بوم به دانش بهره‌برداری از منابع زیرزمینی آب بود که از آن با کاريز يا قنات نام می‌برند؛ این موضوع به قدری اهمیت دارد که تمدن ایران در نگاه عمده پژوهشگران به عنوان تمدن کاريزي يا به عبارتی دیگر تمدنی واحه‌ای با مختصات ويژه آن شناخته می‌شود. قنات‌ها تقریباً در همه‌جای این سرزمین

حتی بسیاری از مناطقی که از منابع کافی آب برخوردار بوده‌اند هم دیده می‌شود. در ري و تهران نیز در طول قرن‌ها به گستردگی از این شیوه تهیه برای نیازهای گوناگون مانند تأمین آب شرب یا آبیاری زمین‌های کشاورزی بهره‌برداری می‌شده و این روش تا همین چند دهه اخیر هم جزء راه‌های اصلی دسترسی به آب در این مناطق به شمار می‌رفته است. داستان‌ها و پژوهش‌هایی فراوان به

کارکرد و تاریخچه قنات‌های تهران به‌ویژه در دوره قاجار پرداخته‌اند اما در مورد ويژه شهرری آگاهی کافی وجود ندارد.

کلانشهر تهران؛ زاینده تمدن چشمه‌علی

این واقعیت بزرگ تاریخی را هرگز نباید از یاد برد که تا چند سده پیش از این، تهران امروزی ما بخشی حومه‌ای و کمتر شناخته‌شده از قطب بزرگ تاریخی ري بود و از سوی دیگر تمدن ري بر ساخته بر کاريزها و نه‌رهایی بوده است که اسباب آبادانی و رونق آن را فراهم می‌آوردند و یکی از مهم‌ترین این منابع، چشمه‌علی (یا چشملی) بوده است. چشمه‌علی در شهرستان کنونی ري را منشأ یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهانی و بنیاد شهر باستانی ري می‌دانند. نام کهن چشمه‌علی را سورین یا روده نوشته‌اند که بعدها به احترام حضرت امام علی علیه‌السلام و خاندان بزرگوار ایشان به عنوان جدید تغییر نام یافت. در برخی منابع از چشمه‌علی به عنوان یک نهر و در مواردی دیگر از آن به عنوان بخش پایانی و مظهر سلسله قنات‌هایی یاد کرده‌اند که در اینجا به روی خاک آمده و به شکل چشمه‌ای خودنمایی می‌کند. هرچه هست این آبگیر بی‌گمان از سابقه‌ای کهن برخوردار است و گاهی عمر آن را تا هشت هزار سال یعنی



این واقعیت بزرگ تاریخی را هرگز نباید از یاد برد که تا چند سده پیش از این، تهران امروزی ما بخشی حومه‌ای و کمتر شناخته‌شده از قطب بزرگ تاریخی ري بود و از سوی دیگر تمدن ري بر ساخته بر کاريزها و نه‌رهایی بوده است

دیگر آب‌های زیرزمینی دشت ري که روزگاری در پراپی بسیار مشهور بودند و این منطقه را به یکی از انبارهای گندم سرزمین ایران تبدیل کرده بودند، حال چندان خوشی ندارند و بسیاری از آنها کور شده و به خشکی گراییده‌اند.



کاريز، کهريز، کهریزك

قنات، واژه‌ای عربی و به احتمال فراوان تغییر یافته ریشه دوم از مصدر «کندن» است که می‌تواند به حفر این آبراه زیرزمینی توسط انسان اشاره داشته باشد. هم‌چنین یکی از معانی اصطلاحی واژه قنات، «نیزه» است که بعید به نظر نمی‌رسد در ارتباط با میله‌های قنات یعنی همان

گودال‌های قابل مشاهده‌ای باشد که اغلب به اشتباه آن را به جای خود قنات در نظر می‌گیریم و در اصل محل ورود و خروج و دسترسی به سازه زیرزمینی قنات است. واژه کهن فارسی و کمتر شناخته‌شده برای قنات، «کاريز» یا «کهریز» است که در عنوان واژه کهریزك به دقت دیده می‌شود و معنای کاريز کوچک می‌دهد. اما چرا کهریز؟؛ برخی آن را به مفهوم «چشمه ریزنده» می‌دانند اما از سویی گفته می‌شود که در گذشته برای اطمینان از ارتباط داشتن و مسدود نبودن چاه‌های قنات، مقداری کاه در دهانه اول یا همان «مادرچاه» می‌ریختند و مشاهده خروج آن از بخش انتهایی قنات به منزله سلامت کاريز بوده است. امروزه بنا بر آمار و اطلاعات موجود، عمده قنات‌های دایر در شهرستان ري در بخش کهریزك قرار دارند که از آن جمله می‌توان به قنات‌های دوتوپه علی، اشرف‌آباد، اسماعیل‌آباد، بی‌بی‌مریم، سلمبر، چاله طرخان و قلعه‌نو و جز اینها اشاره کرد که آب آنها به‌طور عمده به مصرف فعالیت‌های کشاورزی می‌رسد.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد

گفتنی است در کنار کاريزها، هفت رودخانه کن، کرج، اوین و درکه، شور، سیاه، شاه‌چای و سرخه‌حصار و سه نهر فیروزآباد، زهتابی و مقصودبیک نیز به‌صورت تاریخی اراضی کشاورزی شهرستان ري را سیراب می‌کرده‌اند. نکته دیگر درباره قنات‌ها این است که در گذشته تعداد کاريزهای شهرستان ري چیزی در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ رشته بوده است. از دیگر قنات‌های مهم و کهن ري که در منابع به آنها اشاره شده است، می‌توان به قنات شُهی یا شاهی، قنات نصرآباد، قنات عبدالوهاب و قنات قُرشی اشاره کرد. هم‌چنین قنات‌هایی مانند قنات صفاییه و چهارصد دستگاه از قنات‌هایی هستند که کم و بیش دایرند اما نفس‌های آخر را به سختی می‌کشند. آنچه از تحلیل‌های کارشناسان امر به دست می‌آید این است که حدود ۸۰ درصد از قنات‌های منطقه ري از دسترس خارج شده‌اند. جای تعجب نیست اگر بگوییم که نابودی قنات‌ها در ري، تهران و نواحی حومه‌ای دیگر آن می‌تواند منجر به فاجعه‌ای بزرگ یعنی نابودی تهران شده و حتی به نابودی کهن‌دیار ایران بینجامد. این واقعیتی حائز اهمیت است که قنات‌ها، تعادل و توازن را در محیط‌زیست ما برقرار می‌کنند و همه ما نیازمند آن هستیم که برای این واقعه، از اکنون علایج بیابیم و تدبیری اندیشه کنیم.



دشت ری در پای کوه بی‌بی‌شهربانو
۹ هزار سال قدمت تمدن دارد

کوه ری

محافظ طبیعی شهری باستانی

«رابعه تیموری»

مثل خوره به جان کوه افتاده‌اند و آن را می‌جوئند. نه ارزش و اصالت تاریخی کوه دستشان را می‌بندد و نه هویت و قدابست مذهبی بقعه بی‌بی‌شهربانو که در دل کوه جای گرفته مانع آنها می‌شود. حتی ویژگی‌های زمین‌شناسی این کوه عظیم چندصد ساله هم مجابشان نمی‌کند که با وسایل مکانیکی غول‌آسا پیکرش را زخمی نکنند. حدود ۴۸ سال پیش که کارخانه سیمان ری در دامن کوه بی‌بی‌شهربانو فعالیت خود را آغاز کرد، بر اساس قانون قرار بود پس از مدت کوتاهی تعطیل شود و صاحبان سرمایه چشم طمع از قامت کوه بردارند، اما حتی با گذشت ۳۶ سال از تعطیلی کارخانه سنت کوه‌خواری آن برج مانده و در سایه سکوت و بی‌توجهی مسئولان، کارخانه سیمان ری و بسیاری از صنایع معدنی غیرمجاز کمر به بلعیدن تمام و کمال کوه بی‌بی‌شهربانو بسته‌اند. این سکوت و چشم‌بستن مسئولان بر برداشت‌های غیرقانونی سودجویان از کوه بی‌بی‌شهربانو و دیگر کوه‌های کشور، مقام معظم رهبری را هم نگران کرده و ایشان نسبت به پیامدهای نامبارک کوه‌خواری هشدار داده‌اند.

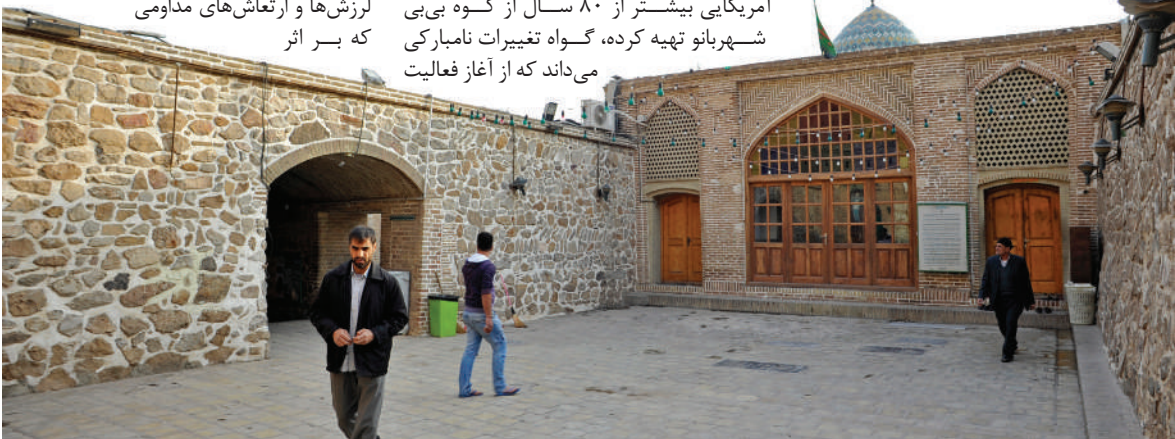


احمد ابوحمزه
تاریخ‌شناس

از فراز برج بلند نقاره خانه، پستی و بلندی‌های قامت کوه بی‌بی‌شهربانو به خوبی پیدا است و با ایهتی ستودنی دلربایی می‌کنند. از بلندای این برج که در همسایگی کوه قرار گرفته می‌توان چرخ زدن پرندگان کمیابی مانند عقاب و قرقی و جغد بر فراز قله کوه بی‌بی‌شهربانو را تماشا کرد. زمین‌های سبزی‌کاری پایین برج سرسبز است، اما تنها سبزنای پای کوه بی‌بی‌شهربانو درختان کاج و سروی است که شاخ و بارشان پژمرده و بی‌رمق به نظر می‌رسد. کمی آن سوتر از محوطه درختکاری شده، جاده باریکی کشیده شده و خودروهای غول‌پیکر در امتداد کوه در رفت‌وآمدند. بار این خودروها تخته سنگ‌های بزرگی است که به ضرب و زور دینامیت و مواد منفجره از پیکر کوه جدا کرده‌اند و به سمت کوره‌های سیمان‌پزی کارخانه سیمان می‌برند. این رفت‌وآمدها و تراشیدن کوه سال‌ها است اتفاق می‌افتد و از روزی که آتشی کوره‌های کارخانه سیمان روشن شد قامت کوه بی‌بی‌شهربانو و کوه‌های اطرافش هر روز لاغرتر و تکیده‌تر شدند.

دیواره بقعه در حال ریزش است

ابوحمزه درباره شکندگی دیوار غربی کوه بی‌بی‌شهربانو را که در مجاورت بقعه قرار دارد هشدار می‌دهد و می‌گوید: «این دیواره از جنس سنگ و ساروج است و انفجارهای معادن سنگ‌بری و کارخانه سیمان تهران در وسط آن قوس خطرناکی ایجاد کرده است.» فاصله اندک این دیوار با بقعه و مسیر رفت‌وآمد زائران این تاریخ‌شناس را نگران کرده و می‌گوید: «در لرزش‌ها و ارتعاش‌های مداومی که بر اثر



آثار ملی در حال نابودی

«احمد ابوحمزه» تصاویر هوایی را که «اریش فریدریش اشمیت» باستان‌شناس آلمانی-آمریکایی بیشتر از ۸۰ سال از کوه بی‌بی‌شهربانو تهیه کرده، گواه تغییرات نامبارکی می‌داند که از آغاز فعالیت



انفجارهای کارخانه‌ها و معادن ایجاد می‌شود، امکان ریزش این دیوار و بروز فاجعه‌ای انسانی وجود دارد.» ارتعاش‌هایی که به گفته ابوحمزه دیوار بقعه بی‌بی‌شهربانو را در خطر آوار قرار داده به جزئی از زندگی روزمره اهالی محله امین‌آباد تبدیل شده است. این محله در دامنه کوه بی‌بی‌شهربانو واقع شده و ساکنان آن با هر انفجار کوه وحشت و هراس زلزله‌ای چند ریشتری را تجربه می‌کنند. «اسماعیل قهرمانی» از اهالی محله امین‌آباد است. او می‌گوید: «تخته سنگ‌های عظیمی که به مصرف کارخانه سیمان و معادن شن و ماسه می‌رسد، با انفجار مواد منفجره قوی از کوه جدا می‌شوند و بر اثر ارتعاش این انفجارها دیوار خانه‌های اهالی محله امین‌آباد ترک‌های عمیق برمی‌دارد.»

سلامت اهالی به خطر افتاده

از برج نقاره خانه به خوبی می‌توان مسیر حرکت دود غلیظ واحدهای کارخانه سیمان به سمت بافت مسکونی شهری را با چشم دنبال کرد. قهرمانی می‌گوید: «ناراحتی‌های تنفسی و مشکلات قلبی از بیماری‌های شایع مردم محله امین‌آباد است که به دلیل دود و دم کارخانه سیمان و گرد و غبار کند و کاو کوه نصیبان شده است. مسئولان ادعا می‌کنند با نصب فیلتر



کوه بی‌بی‌شهربانو و ده‌ها متولی

«امیر مصیب رحیم‌زاده» ریاست سابق اداره میراث فرهنگی و گردشگری شهری معتقد است متولیان حفظ میراث فرهنگی کشور به تنهایی نمی‌توانند اوضاع نابسامان کوه بی‌بی‌شهربانو را تغییر دهند و برای جلوگیری از تخریب کوه و آثار باستانی مجاور آن باید نهادهای مختلف مانند محیط‌زیست، سازمان منابع طبیعی، شهرداری منطقه ۲۰... با اداره میراث فرهنگی همکاری کنند. «علی عیدی» معاون امور معادن و صنایع معدنی سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران می‌گوید: «بسیاری از ساکنان مجاور معادن و صنایع معدنی به فعالیت این صنایع در داخل بافت مسکونی اعتراض دارند، در حالی که رعایت نشدن حریم معادن، وجود صنایع معدنی را به مشکل تبدیل کرده است. بر اساس قانون در حريم ۱۵۰متری معادن نباید مجوز ساخت‌وساز داده شود، ولی بسیاری از شهرداری‌ها به این امر توجه نکرده‌اند و با دادن مجوز ساخت‌وساز بافت مسکونی در حریم معادن، باعث نارضایتی شهروندان شده‌اند.» «زهره عبادتی» رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان ری اختیارات سازمان حفاظت محیط‌زیست را برای حفظ کوه بی‌بی‌شهربانو و جلوگیری از فعالیت معادن کوه خوار کافی نمی‌داند. او می‌گوید: «بر اساس اصلاحیه قانون معادن سال ۹۲ محیط‌زیست فقط در مناطق چهارگانه پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه‌های حیات وحش و مناطق حفاظت‌شده حق دخالت دارد و مجوزهای برداشت و حفاری‌های سایر مناطق را سازمان صنایع و معادن مستقلاً صادر می‌کند.» به باور «فرهاد افشار» شهردار منطقه ۲۰ تخریب کوه بی‌بی‌شهربانو خطر تکرار زلزله‌های تاریخی شهری را افزایش می‌دهد. افشار این کوه را از ظرفیت‌های گردشگری مهم شهری عنوان می‌کند و می‌گوید: «باید این ظرفیت عظیم گردشگری حفظ و تقویت شود.»

پرنده‌های مهاجر را در «تالاب بهرام‌گور»
موسوم به «تالاب عشق‌آباد» بنگرید

فیروزه‌ای محصور در نزارها

«الهی کفایتی

هنگام عبور از دشت‌های خشک و تشنه «ری»، آنجا که تا چشم کار می‌کند، کویر است و نهال‌های سوخته و تمنای باران، ناگهان رسیدن به بهشت «تالاب عشق‌آباد» مثل سراب می‌ماند. نزدیک‌تر که می‌شویم، سراب و خیال نیست! از اینجا به بعد تا چشم یاری می‌دهد آب است و آبادانی و طراوت. تالاب مثل یک نگین فیروزه محصور شده در حلقه زمردی از نزار. گنجی است که پرنده‌های مهاجر بیشتر از وجودش باخبرند تا آدم‌ها!

قرار گرفته و در حال حاضر برای پرورش ماهی به بخش خصوصی واگذار شده است. «الویری»، سرمایه‌گذار خصوصی و مستأجر کنونی تالاب عشق‌آباد، (مجری بهره‌برداری از این مجموعه) درباره کاربری فعلی تالاب می‌گوید: «ما زیر مجموعه شیلات هستیم و مهم‌ترین کارکرد اقتصادی این فضا در حال حاضر، پرورش ماهی‌های گرمابی است.» او که ویژگی‌های تالاب عشق‌آباد را بیشتر شبیه دریاچه می‌داند، در این خصوص توضیح می‌دهد: «تالاب، آبگیری است که به‌صورت طبیعی ایجاد شده باشد. اینجا هم از ابتدا تالاب طبیعی بود اما با اصلاحات و تغییراتی که ما در آن به وجود آوردیم تبدیل به دریاچه یا تالاب مصنوعی شده است.» الویری که از سال ۱۳۸۱ کارآفرینی در حوزه پرورش کپور ماهیان را در تالاب مصنوعی عشق‌آباد، آغاز کرده است، در خصوص مالکیت آن می‌گوید: «بخش زیادی از زمین‌های عشق‌آباد، موقوفه جلیوند رضایی معروف به سهام‌الدوله است و این شامل دریاچه مصنوعی هم می‌شود. در حال حاضر این محل تحت تملک اداره اوقاف است و به‌صورت استیجاری در اختیار ما قرار گرفته است.»

تالاب عشق‌آباد با هفت‌حوضچه پرورش ماهی، سال‌هاست به دلایلی از جمله اقلیم مناسب، وجود ماهی و قرار گرفتن در مسیر مهاجرت پرندگان، به زیستگاهی مناسب برای اقامت دائم و یا موقت پرندگان تبدیل شده است. «بشیر شریف‌نیا»، کارشناس پرندنگری و عضو باشگاه پرندنگری ایرانیان، درخصوص جذب شدن پرندگان به این منطقه می‌گوید: «به واسطه محیطی که با ساخت تالاب عشق‌آباد، به‌صورت یک آبگیر بزرگ، ایجاد شده و همچنین رویش نزارها در اطراف آن، همچنین وجود غذا برای پرنده‌هایی که ارتزاقشان از ماهی و آبزیان است، اینجا محل مناسبی برای تجمع پرندگان و زمستان‌گذرانی آنها شده است.» او موقعیت تالاب را از چند لحاظ منحصر به فرد توصیف می‌کند و می‌گوید: «اطراف این تالاب

تا کیلومترها، ساختمان بلند نیست و وسعت زیادی از زمین‌های اطراف آن فقط مزرعه است. این خلوتی و همچنین نزدیکی به تهران و سهل‌الوصول بودن آن برای پرنده نگران بسیار جذاب است. ضمن اینکه موقعیت این تالاب دقیقاً روی کریدور (گذرگاه) مهاجرتی شمال شرقی دریای خزر به جنوب غربی ایران است. این کریدور مهاجرتی، از روی تهران و ورامین رد می‌شود و پرندگان مهاجر زیادی از مناطق سردسیری وارد مرزهای ایران می‌شوند و در راه جنوب به این تالاب می‌رسند و چند وقتی را در تالاب یا کنار نزارهای اطراف اتراق می‌کنند.»

پرنده‌های تالاب

تالاب مصنوعی عشق‌آباد، مقصد مناسبی برای افرادی است که به جای دیدن پرنده‌ها در قفس، علاقه به تماشای زندگی طبیعی آنها در محیط‌زیست طبیعی‌شان دارند. این تالاب سالانه میزبان شمار زیادی از گردشگران از جمله عکاسان، طبیعت گردان و پرنده نگران است و این میان، سهم پرنده‌نگرها بیش از بقیه است.

شریف‌نیا با اشاره به مشاهده ۱۵۰ گونه پرنده در این تالاب توسط



بشیر شریف‌نیا
کارشناس پرندنگری
و عضو باشگاه
پرندنگری ایرانیان



پرنده‌نگرها می‌گوید: «از این میان ۱۵ گونه شکاری، ۱۲ گونه مرغابی و ۲۵ گونه سلیم و آبچینک است. بیشتر پرندگان تالاب از راسته گنجشک‌سانان از جمله کلاغ ابلق، زاغی، کلاغ سیاه، گنجشک خانگی، دم‌جنبانک ابلق، قمری خانگی، کبوتر چاهی، سنقر تالابی، کورکورسیاه، آبچینک، حواصیل خاکستری، حواصیل سفید، خروس کولی، سلیم خوتکا، قار، چلچله، چکاوک، اردک سفید سینه‌سرخ، سار معمولی، چنگر نوک سرخ، پرستوی دریایی، قرقی و سنگ‌چشم دم سرخ هستند.» کارشناس پرندنگری همچنین از حضور پرنده‌های کمیاب در تالاب نیز می‌گوید:



به واسطه محیطی
که با ساخت تالاب
عشق‌آباد، به‌صورت
یک آبگیر بزرگ،
ایجاد شده و
همچنین رویش
نزارها در اطراف
آن، همچنین
وجود غذا برای
پرنده‌هایی که
ارتزاقشان از ماهی
و آبزیان است

«پرنده‌های خاص و کمیاب زیادی مثل مرلوس کاکلی، درنا و لک لک سیاه در فصل‌های مختلف به این تالاب می‌آیند.»

پوشش گیاهی و جانوران

پوشش گیاهی حاشیه تالاب، گیاه نی است و

از دیگر گیاهان اطراف تالاب می‌توان به گندمک، قیج، جگن، اسفند، چمن شور ساحلی، چمن شور پاگره، خارشر، شکر تیغال و درمنه اشاره کرد.

تالاب عشق‌آباد به‌جز ماهی و پرندگان مختلف، میزبان جانوران دیگری نیز هست، از میان‌دوزیستان می‌توان از قورباغه تالابی نام برد و از میان خزندگان به لاک‌پشت خزری، سوسمار چشم ماری، مار چلیپر، گرزه مار، اسکینک علفزار و آگامای دشتی در اطراف تالاب اشاره کرد. سایر جانوران اطراف تالاب عبارتند از: روباه، شغال و انواع جوندگان.

امنیت و انحصار

کارشناس پرندنگری، رشد انبوه نزارها در اطراف تالاب را برای بسیاری از پرنده‌ها از جمله خانواده چک‌چک‌ها مناسب می‌داند و می‌افزاید: «پرنده‌های آبی و اردک‌ها نیز به‌علت وسعت زیاد آب، در وسط تالاب تجمع می‌کنند و آنجا

احساس امنیت خوبی دارند. از طرفی، چون فصل برداشت ماهی‌ها اواخر مهر است، بعد از آن حدود ۶ الی ۷ ماه، تا اواخر زمستان، کسی‌کاری با تالاب ندارد و می‌شود گفت تالاب را تقدیم پرنده‌ها می‌کنند. اینکه چون تالاب محصور است و شرایط را برای حضور شکارچیان سخت کرده، برای امنیت پرندگان بسیار حائز اهمیت است. در خصوص امنیت تالاب، الویری، مستأجر تالاب نیز می‌افزاید: «دور تا دور دریاچه را با خاکریز محصور کرده‌ایم و امنیت و حفاظت هم از طریق ما و هم توسط اداره محیط‌زیست شهرری تأمین می‌شود. نیروهای محیط‌زیست در فصل مهاجرت پرنده‌ها در اطراف تالاب مستقر می‌شوند و از شکار پرنده‌ها جلوگیری می‌کنند. ما مجال جولان به شکارچیان نمی‌دهیم و اگر هم غیرمجاز ببایند، با اداره محیط‌زیست تماس می‌گیریم و آنها از طریق قانونی وارد عمل می‌شوند.»

الویری شرایط بازدید از تالاب را این‌گونه توضیح می‌دهد: «گردش در دریاچه و بازدید از آن برای عموم مردم آزاد نیست و اگر فردی تمایل داشته باشد به دیدن این مکان بیاید، باید از طرف یک سازمان معرفی‌نامه رسمی بیاورد یا اگر پرندنگر باشد، از طریق سایت پرنده نگاران ایرانیان اقدام به دریافت مجوز کند.»

ظرفیت گردشگری

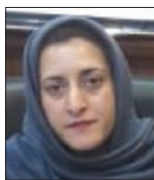
با وجود خط راه‌آهن در ضلع شمالی تالاب عشق‌آباد و مسیر جاده برای رسیدن به آن، همچنین وجود ظرفیت‌های بالقوه گردشگری و اشتغال‌زایی، متأسفانه تلاش چندانی برای جذب گردشگر به این منطقه انجام نمی‌شود. اگرچه مسئولان، روال سختگیرانه اخذ مجوز و پذیرش گردشگران را موجب حفظ امنیت تالاب می‌دانند، اما در صورت تقویت زیرساخت‌ها و اخذ تمهیدات لازم می‌توان از ظرفیت‌های بالقوه گردشگری تالاب برای ارتقای سطح زندگی اهالی روستای عشق‌آباد، بهره‌برد. برنامه‌ریزی برای تفریحاتی نظیر قایقرانی، ماهیگیری، ایجاد فضایی برای پیک‌نیک، برنامه‌ای چند ساعته برای کسب آرامش یا سفری کوتاه و ماجراجویانه برای دیدن پرنده‌ای خاص، می‌تواند این منطقه را به قطب گردشگری تبدیل کند. باشگاه پرندنگری ایرانیان در خصوص توسعه گردشگری تالاب با توجه به پتانسیل‌های آن، معتقد است که حضور پرندنگران و برگزاری تورهای تخصصی پرندنگری با قواعد و اصول خاص این رشته، نخستین قدم برای حصول نتیجه جذب گردشگری خواهد بود. حضور طبیعت دوستان آن محل را به مکانی امن برای پرندگان و ناامن برای تخریب‌چیان و شکارچیان تبدیل خواهد کرد. در واقع، پرندنگری پایدار در عشق‌آباد بی‌شک باعث حفاظت آن مکان ارزشمند خواهد شد.

همه آنچه باید درباره یک چشمه رازآلود هشت هزارساله بدانید

زایش تمدن ری از جوشش چشمه علی

«الهیة کفایتی»

شش هزار سال پیش از میلاد، پای سنگی خارا در دل صخره‌های البرز، چشمه‌ای جوشید و بر دشت‌های «ری» جاری شد و از آب زلالش، آبادانی پدید آمد. این چشمه آنقدر صاف و خوشگوار بود که مردم کوچ‌نشین را بر فراز تپه‌های اطراف آن، یکجانشین کرد و نخستین سنگ بنای شهر باستانی ری گذاشته شد. حالا هشت هزار سال است که این چشمه رازآلود همچنان می‌جوشد و گرچه پیش از اسلام به نام «چشمه سورن» شناخته می‌شد، اما پس از ورود اسلام نامش را گذاشتند «چشمه‌علی».



زیبا چزغه کارشناس تاریخ و راهنمای گردشگری

هست: قدیمی‌ترهای ری، آب این چشمه را مکروه می‌دانند و معتقدند موقعی که یحیی، یکی از منتقمان و خونخواهان امام حسین(ع) کشته می‌شود، شمشیری را که به خون او آغشته بوده در این آب شست‌وشو می‌دهند و بر اساس این روایت، از آن به بعد به آب این چشمه دست نمی‌زنند. چزغه در ادامه می‌گوید: «داسستان‌های زیادی در مورد چشمه‌علی هست، اما آنچه مسلم است این است که چشمه بسیار پرآب بوده و همه باغ‌های شهری از طریق آن آبیاری می‌شده است و سطح آب آنقدر بالا بوده که حتی تا چند سال پیش قالیشویی‌ها و اهالی محل، به‌خصوص در ایام منتهی به نوروز، قالیها را در این چشمه می‌شستند و برای خشک کردن در تپه‌های بالای چشمه پهن می‌کردند و معتقد بودن کیفیت آب چشمه به گونه‌ای است که به فرش جلا و درخشش خاصی می‌دهد. در بازدیدی که گروه کارشناسان فرانسوی از چشمه‌علی داشتند از این تپه به نام کارپت (فرش) یاد کرده بودند و مقامات ایرانی در یک نامه توضیحاتی در خصوص رسوم نوروز و خانه‌تکانی و قالیشویی به کارشناسان ارائه دادند.»

تمدن چشمه‌علی

چشمه‌علی در جنوب تهران و شمال شهری واقع شده است. آب این چشمه از جاجرو و قیطریه تأمین می‌شود و پس از گذر از راه‌های زیرزمینی به چشمه می‌رسد. بالای چشمه، دیواری از دوره باستان ساخته شده و دور تا دور ری به وسیله این بارو حصار کشی شده بوده است. به گفته چزغه، این حصار در زمان حمله اعراب تخریب می‌شود، ولی در دوره خلافت عباسی، با توجه به کاربردی که دیوار در حفاظت شهر در برابر هجوم دشمنان داشته، دستور می‌دهند که دوباره



نقاشی سیاه قلم از چشمه علی، اثر اوژن فلاندن

حصار ساخته شود. امروزه قسمت‌های کمی از دیوار باقی مانده است و دیواره‌ای که موجود است توسط میراث فرهنگی بازسازی شده است و می‌توان گفت یک ماکت از دیواره قبلی است و اگر چه با همان سبک باروی کهن بازسازی شده، اما قطر و ارتفاع دیوار اصلی بسیار بیشتر بوده است.

«احمد خامه‌پار» دکترای تاریخ و تمدن اسلامی، چشمه‌علی و تپه تاریخی آن را دارای بقایایی از ماقبل تاریخ می‌داند و می‌گوید: «این محل به‌عنوان مهد تمدن و شهر باستانی ری بوده است و از آن جهت که نخستین سکونتگاه انسانی در محدوده تهران امروز به حساب می‌آید، اهمیت ویژه‌ای دارد.»

خامه‌پار در ادامه می‌گوید: «چشمه‌علی دقیقاً در پایین و گوشه تپه سنگی قرار گرفته است و وجود این تپه در شمال دشت ری موجب شده در آنجا تجمع یکجانشینی شکل بگیرد. آثاری که از این تمدن قدیمی باقی مانده به تمدن یا فرهنگ چشمه‌علی معروف است.»

او چشمه‌علی را هسته اولیه ری باستان می‌داند و می‌افزاید: «باروی ری که دقیقاً روی تپه سنگی کنار چشمه قرار دارد از مهم‌ترین بقایای به جامانده این تمدن است.»

قدمت چشمه‌علی

طی کاوش‌های انجام‌شده در تپه بالای چشمه‌علی که در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ توسط «اریک اشمیت» انجام شد، آثار بسیاری از محوطه اطراف تپه کشف شد که نشانه‌هایی از دوران قبل از اسلام و اشکانیان در آن دیده می‌شود. اریک اشمیت بیشتر از ششصد مترمربع از محوطه چشمه‌علی را طی سه فصل متوالی کاوید و به گفته خامه‌پار، نتیجه حاصل از آن یافتن آثاری مربوط به سه دوره اسلامی، اشکانی و ماقبل تاریخ بوده است. گرچه تحقیقات اشمیت پس از حادثه سقوط هواپیما و مرگ او، ناقص ماند، اما اشیاء و آثار بسیاری که این کاوشگر در چشمه‌علی یافته بود به خارج از کشور منتقل شد و امروزه در موزه‌های باستان‌شناسی و دانشگاه‌های آمریکا نگهداری می‌شود. از جمله این آثار یافت‌شده می‌توان به نشانه‌هایی از دوره پارته‌ا، آغاز مسیحیت، ساسانیان تا آغاز اسلام اشاره کرد. یکی از نخستین شاخص‌های تمدن در چشمه‌علی مربوط به تولید سفالینه‌های سرخ رنگ است با نقش‌های سیاه یا قهوه‌ای سیر و تصاویری که بر آن نقش شده.



احمد خامه‌پار دکترای تاریخ و تمدن اسلامی

خامه‌پار، دکترای تاریخ، بر اساس این شواهد قدمت چشمه‌علی را حدود ۸ هزار سال تخمین می‌زند.

کتیبه (سنگ نگاره)

نقش برجسته چشمه‌علی واقع در چشمه‌علی شهری ری، یکی از کتیبه‌های فتحعلی شاه قاجار است که به دستور او احداث شده است. این کتیبه بر روی دیوار چشمه‌علی و زیر باروی ری قرار دارد. روایت است که پس از پایان جنگ‌های ایران و روس، شاه ایران که جانشین بنیانگذار حکومت قاجارها بود، برای نشان دادن قدرت و اقتدار خود، تصمیم گرفت روش ایرانیان باستان یعنی حکاکی نقش برجسته بر کوه را در پیش بگیرد. او که نقش برجسته‌هایی نظیر تخت‌جمشید و نقش رستم را دیده بود،

محل چشمه‌علی را که منطقه‌ای مهم و تاریخی بود، انتخاب کرد و به سه نفر به نامهای حجارباشی، نقاش‌باشی و معمارباشی دستور داد وظیفه صاف کردن کوه و ایجاد نقش‌برجسته را به عهده بگیرند.

احمد خامه‌پار یکی از موارد حائز اهمیت چشمه‌علی را وجود سنگ‌نگاره فتحعلی شاه قاجار می‌داند و می‌گوید: «در ایران هشت سنگ‌نگاره یا نقش‌برجسته از دوره قاجار باقی مانده که یکی از آنها در چشمه‌علی است. این سنگ‌نگاره که تابلوی خانوادگی شاه قاجار و فرزندانش است، یک قاب بزرگ مستطیل دارد که در حاشیه اطراف آن اشعاری عرفانی حجاری شده است. تصاویر هم با

دو ستون سنگی، به سه قسمت تقسیم شده‌اند. در قسمت وسط تصویر فتحعلی شاه قاجار نشسته بر تختی مرمرین است و در هر طرفش تصویر حجاری شده از پنج شاهزاده قاجاری قابل مشاهده است. در حاشیه سمت چپ سنگ نگاره نیز تصویر چهار شاهزاده دیگر قاجار را می‌بینیم و همچنین تصویر دو خانم در ابعاد کوچک‌تر. اسامی هر کدام از این افراد روی قابها نوشته شده است. در طرف دیگر قاب، شاه با نشان فرمانروایی، یعنی یک سایه‌بان و یک باز شکاری نقش شده است. کنار این قاب در انتهای سمت راست، یک کرسی داخل کوه حجاری شده که احتمال می‌رود فتحعلی شاه قاجار وقتی به آن محل سرکشی می‌کرده، روی آن کرسی نشسته و



استراحت می‌کرده است.»

فتحعلی شاه با این نقش‌برجسته در واقع یکپارچگی طایفه قاجار و شمار زیاد حامیانش را نشان می‌دهد و ضمن اشاره به اهمیت و موقعیت خانوادگی، با تصویر کردن شاهزادگان که هریک والی ولایتی در ایران هستند، بر حفظ تمامیت ارضی کشور تأکید می‌کند. این نقش‌برجسته قاجاری، در ۹ فروردین ۱۲۷۸ ثبت ملی شده است و در سال ۱۳۸۸ به همت شهرداری منطقه ۲۰، پروژه‌های رنگی در محوطه اطراف آن نصب شد تا جلوه زیبایی‌تری به این اثر ببخشد.

تفرجگاه

چشمه‌علی علاوه بر اینکه یک محل تاریخی و باستانی است، از مراکز مهم گردشگری منطقه ری نیز محسوب می‌شود. مساحت پارک و فضای سبز اطراف مجموعه و همچنین حوضچه چشمه‌علی که در فصل گرما محل شای کودکان است، این مکان را به یک مجموعه تفریحی تبدیل کرده است. بسیاری از اهالی ری در حوالی این چشمه در هر گوشه و کناری زیراندازی پهن می‌کنند و اوقات خوشی را به همراه خانواده می‌گذرانند. همسایگی چشمه‌علی با برج طغرل و دژ رشکان و این‌بابویه نیز بر جذابیت گردشگری آن می‌افزاید. از دیگر جذابیت‌های این مجموعه می‌توان به کوچه‌های پلکانی پشت کوه‌سنگی اشاره کرد.

آسیب

چشمه‌علی زمانی با ارتفاع هفت‌متر از سطح زمین‌های پیرامون و مساحت سه و نیم هکتار، طی هزاره‌ها، مهم‌ترین منبع آب شرب و کشاورزی منطقه بوده و آثار و میزان آب چشمه بر سنگ‌ها به جا مانده است. با گذشت زمان و به خاطر چاه‌هایی که در مسیر این چشمه زده شد، مقدار آب پایین آمد و در جریان پروژه ساخت خط ۶ مترو تهران و عبور از شریان آبی، آب چشمه از تابستان سال ۹۵ به‌طور متناوب قطع می‌شد و سرانجام در بهار ۹۶ کاملاً خشک شد. مجریان پروژه مترو اعلام کردند که قطع آب چشمه موقتی و به علت عملیات عمرانی و معدنی است. با این حال چشمه کم‌آب و گاهی خشک بود تا اینکه از اوایل فروردین ۹۸ و به برکت بارندگی‌های زیاد، دوباره آب چشمه افزایش پیدا کرد.

شناسنامه روستاهای شهرستان ری مهر تاریخی دارند

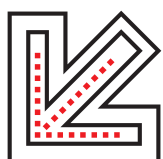
روستاهای ری

گنجینه‌های پنهان هویتی و فرهنگی

رابعه تیهوری



در زمانی نه چندان دور اغلب مناطق جنوبی تهران روستاهایی بکر بودند که نشانه‌های خوشایند زندگی روستایی در گوشه کنار آنها جریان داشت. با سنجاق شدن این روستاها به محدوده شهری پایتخت، نام «روستا» از شناسنامه آنها حذف شد و نرم‌نرمک از هویت و حال و هوای گذشته خود دور شدند. شهری هم از این تغییرات بی‌نصیب نماند و بخش قابل توجهی از ری قدیم به عنوان منطقه ۲۰ پایتخت به انتهای ضلع جنوبی شهر تهران چسبیده است، اما این شهر کهن هویت روستایی خود را تمام و کمال کنار نگذاشته و بخش قابل توجهی از محدوده جغرافیایی آن هنوز روستایی هستند. یک کشیدن نام روستا سبب نشده روستاهای شهری به هویت و سبک زندگی روستایی خود کاملاً وفادار بمانند، ولی هنوز هم در کوچه‌پس‌کوچه‌های بسیاری از آنها می‌توان عطر دل‌انگیز آبادی‌های قدیم را استشمام کرد. در تعداد زیادی از این روستاها مکان‌ها و آثار باستانی نیز وجود دارد که شگفتانه‌های دلچسب این روستاها را دوچندان کرده است. در گزارش زیر به عنوان مشتی نمونه خروار، به گلچینی از این روستاها سرک می‌کشیم تا گوشه‌ای از ظرفیت‌ها، خصوصیات و جاذبه‌های این روستاهای باستانی روشن شود.



روستای آب اندرمان

روستای ۷ هزار ساله؛ میزبان امامزاده ابوالحسن(ع)

خاص دارند و نمای آجری دیوارها و درگاه حرم حس نوستالژیک خوشایندی را تداعی می‌کند. در داخل حرم آرامش دلچسب و خوشایندی جریان دارد و این امامزاده پاتوق بسیاری از تهران‌نشینان و اهالی ری است که خسته و دلزده ازهای و هوی شهر به دنبال آرامش می‌گردند.

آب اندرمان امکانات رفاهی ندارد

کتیبه‌ای به خط ثلث که بر روی در چوبی رواق حرم نقش بسته، از قدمت چند صد ساله بنا حکایت می‌کند. بر اساس این کتیبه در قرن پنجم هجری شمسی ضریح چوبی بزرگی به سبک خانه مربع خراطی و در زمان قاجار در تربت‌خانه حرم نصب شده است. این در، پس از ثبت بنای آستان در فهرست میراث فرهنگی کشور، به محل دیگری منتقل شده و فقط تاریخ نگاشته‌ها از وجود آن در حرم حکایت می‌کنند. اشعار و مرثیه‌هایی که با خط نستعلیق بر روی گچبری‌های ایوان ورودی حرم حک شده، با مرمت و بازسازی حرم در سال ۱۳۷۱، رنگ و لعابی تازه پیدا کرده است. اگرچه قرار گرفتن آستان امامزاده ابوالحسن(ع) در دل روستای دنج و آرام آب‌اندرمان به فضای معنوی آن صفایی دوچندان بخشیده، اما جاماندن روستا از دایره تقسیم امکانات رفاهی سبب نارضایتی و مهاجرت ساکنان آن شده و در غربت و ناشناخته ماندن این امامزاده منتسب به امام صادق(ع) نقش به سزایی داشته است.

در بسیاری از میدان‌ها و معابر شهری بیلپوردهای بزرگی از سخنان بزرگان درباره مقام و منزلت امامزاده ابوالحسن(ع) نصب شده تا حق همسایگی این سید با نام و نشان را به اهالی و زائران شهری یادآوری کند. امامزاده ابوالحسن(ع) که از نوادگان امام جعفر صادق(ع) به شمار می‌آید، در روستای آب اندرمان آرمیده است و حرم ایشان در این روستای آرام و بی‌هیاهو قرار دارد.

پاتوق شهرنشینان

آب اندرمان در ۳ کیلومتری غرب شهری واقع شده و شهرت آن به این نام، به دلیل وجود آچشمه آب راكد گودال مانند در زمان‌های دور بوده که اهالی به شفا بخش بودن آن اعتقاد داشتند. بقعه امامزاده ابوالحسن(ع) در ابتدای روستا قرار دارد و همین که از خیابان شهید رجایی وارد روستای آب‌اندرمان شوید گنبد فیروزه‌ای حرم امامزاده ابوالحسن(ع) نگاهتان را نوازش می‌دهد. پس‌زمینه تصویر گنبد درخشان امامزاده منظره مزارع سرسبز و خرمن‌های طلایی گندم و جو روستاست که برای رسیدن به حرم باید از میان آنها عبور کنید. کنار جاده‌ای که در یک سوی آن ساختمان‌های مخروبه و گلی قلعه آب اندرمان قرار دارد، در اهلی و برنقش و نگار حرم با سادگی فاخری جلب توجه می‌کند. نقوش اسلیمی کاشی‌های لاجوردی که درگاه هلالی آستان را زینت داده‌اند، جلوه‌ای

قلعه‌ای غیر مسکونی

روبه‌روی حرم امامزاده ابوالحسن(ع) ساختمان‌هایی بادبوارهای خشتی وجود دارد که گذر زمان از پهنای حصارهای آنها کاسته و فقط لحظه‌ای بازیگوشی و جنب‌وجوش زمین کافی است که این بناهای کاهگلی را به تلی از خاک تبدیل کند. این ساختمان‌ها از قلعه قدیمی روستا به جا مانده است. «علی لطفی» که از ساکنان قدیمی روستای آب اندرمان است، درباره قلعه می‌گوید: «پنجا تا ۳۸ سال پیش محل زندگی اهالی محسوب می‌شد و از خانه‌های سیمان و آجری آن سر روستا خبری نبود. سال ۱۳۵۷ آب زیرزمین به اندازه‌ای فوران کرد که سطح روستا را پوشاند و تا کمر خانه‌های قلعه کشیده شد. نم و رطوبت، خانه‌های قلعه را ویران کرد و مردم مجبور شدند در زمین‌های اطراف امامزاده جادر بزنند. مدتی بعد اهالی با کمک دولت وقت، خانه‌هایی در آن سوی روستا ساختند و ساختمان‌های قلعه به گاوداری و کارگاه‌های تولیدی تبدیل شد.»

آب‌اندرمان در گذشته «آب اندرمان» نام داشت و در گذر زمان و گویش اهالی نام آن تغییر کرده است. این روستا قدمتی ۷ هزار ساله دارد و در دوره هخامنشیان جاده شاهی از آن می‌گذشت. در دوره هخامنشیان و چندین قرن پس از آن آب فراوان و رونق اقتصادی و اجتماعی آب اندرمان زباززد بوده و به برکت آب جوشان قنات روستا زمین‌های غلات و چغندر قند و صیفی‌کشاورزان حاصلخیز بوده است. زمین‌های سبزی و کشتزارهای گندم و غلات تنها نشان این رونق و آبادانی هستند که در آب اندرمان به جا مانده‌اند و اکنون بخش قابل توجهی از ساکنان آن را اتباع مجاز و غیرمجاز پاکستانی، افغانستانی و بنگلادشی تشکیل می‌دهند که بر روی زمین‌های کشاورزی یا در کارگاه‌های پلاستیک‌سازی روستا کار می‌کنند و در خانه‌های قدیمی آن سکونت دارند.



روستای کلین

کتاب تاریخ ری اینجاست



اغلب قریب به اتفاق روستاهای شهرستان ری قدمت و پیشینه‌ای قابل توجه و ارزشمند دارند، اما در میان آنها روستای «کلین» با داشتن چند بنای تاریخی و زیارتی مختلف منحصربه‌فرد است و به تنهایی برای نشان دادن هویت باستانی این شهر کهن کفایت می‌کند. روستای کلین در ۳۶ کیلومتری شهرری قرار گرفته و یخچال طبیعی، بقعه شیخ کلینی، آستان امامزاده حسین(ع)، تپه نجیر، آستان امامزاده یحیی(ع) و انبار گندم از آثار تاریخی و گردشگری است که در این آبادی باصالت واقع شده است.

از دیگر ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد این روستا احساس تعلق و تعصب بومیان روستا به ملک آبا و اجدادیشان است که سبب شده با وجود کمبودها و مشکلات روستا را ترک نکنند. در حالی که جمعیت بومی اغلب روستاهای شهرستان ری مهاجرت کرده‌اند و اتباع مهاجر جای آنها را گرفته‌اند، بیش از ۷۰ درصد جمعیت کلین بومی‌اند.

گردشگری که برای دید و بازدید به روستای کلین برود، بدون تردید پیش از وارد شدن به بخش مسکونی روستا با دیدن بنای خشتی و گلی یخچال کلین پا کند می‌کند و لحظاتی طولانی را به تماشای این اثر فاخر معماران عصر صفوی می‌گذرانند. معماران آن دوره این نقطه را که پست‌ترین مکان آن حوالی بوده و با بستر رود شور فاصله زیادی نداشته، برای ساخت

بقعه امامزاده حسین(ع) وقت گشت‌وگذار در کوچه‌پسکوپه‌های روستا است. کلین کوچه‌باغ ندارد، ولی به برکت بارندگی‌های امسال بسیاری از زمین‌های کشاورزی بایر روستا زیر کشت دیم رفته‌اند و دیدن این زمین‌های حاصلخیز نشاط‌آور است. «مریم قنبری» از اهالی روستاست و در دهیاری کلین اشتغال دارد. او می‌گوید: «روستای کلین ۱۱۰۰ هکتار زمین کشاورزی دارد که میزان قابل توجهی است، اما در سال‌های اخیر به دلیل کمبود آب خشک و بدون کشت شده‌اند. امسال نزولات آسمانی خوبی داشتیم و با آنکه چاه‌ها هنوز خشک هستند، کشاورزان توانستند محصولات دیمی بکارند.» خانه‌های روستا چندان قدیمی به نظر نمی‌رسند و تعدادی از آنها نوسازی شده‌اند، ولی قدمت کلین به حدود ۲ هزار سال پیش می‌رسد. به گفته قنبری، تعداد اهالی کلین ۸۵۰ نفر است و در چند سال اخیر ۱۳۲ نفر اتباع مهاجر افغانستانی در آن ساکن شده‌اند.

انبار گندم و غلات

بعضی از معابر با طرح‌های سنتی کفپوش شده‌اند و از سنگفرش به جای آسفالت استفاده شده است. اغلب اهالی کلین در شهرک صنعتی شمس‌آباد کار می‌کنند. دامداری‌های روستا که به شکل سنتی اداره می‌شوند، از ۲-۳ باب تجاوز نمی‌کند و تعداد کمی از اهالی به کشت دیم و دامداری مشغول هستند. اجداد ساکنان کلین از شیراز و فراهان به شهرری مهاجرت کرده‌اند و طایفه‌های «شسوری»، «قنبری» و «فراهانی» از ساکنان اصلی کلین هستند. حدود ۱۵۰ سال پیش وسط روستا با گل و سنگ و چوب انباری به وجود آورده‌اند که از راهروهایی طولانی درست شده است. در این راهروها که مانند یخچال خنک بوده، جریان باد به خوبی در گردش بوده است. این انبار برای نگهداری محصولات گندم و غلات کشاورزان ساخته شده تا ماندگاری بیشتری داشته باشند. در بسته این انبار که در مجاورت بلوار ثقه‌الاسلام کلینی فعلی قرار گرفته، فقط موقع بازدید مسئولان و تک و توک گردشگران روستا باز می‌شود.

کلین، روستای هدف گردشگری

بقعه شیخ کلینی، تپه نجیر و بقعه امامزاده یحیی(ع) ۳ ضلع مثلثی هستند که در ضلع جنوب‌غربی روستای کلین واقع شده‌اند و حدود ۲ هزار متر با خانه‌ها و کوچه‌پسکوپه‌های مسکونی روستا فاصله دارند. وجود این ۳ اثر تاریخی مهم‌ترین دلیل بوده که سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور، روستای کلین را در ردیف روستاهای هدف گردشگری معرفی کند، اما برای جذب گردشگر و رونق توریسم در این روستا برنامه‌ریزی نشده

زمین‌ها دوباره سبز شدند

پس از تماشای یخچال کلین و زیارت

است.

بقعه شیخ کلینی مهم‌ترین بنای روستاست که از جنبه تاریخی و مذهبی اهمیتی خاص دارد. در کتاب «معجم البلدان» نام «کلین» به‌عنوان نخستین منزل مسافران ری که به سمت «خوار» می‌روند، معرفی شده و محدث و عالم ایرانی و پدر مؤلف «اصول کافی» از ساکنان قدیمی این روستای ۲ هزار ساله بوده است.

از اوایل دوران انقلاب اسلامی اموات روستا در اطراف بقعه شیخ کلینی دفن می‌شوند و این محل دومین آرامستان بزرگ بخش فشافویه شهرری به شمار می‌آید. درختان بلندبالا و سرسبز آرامستان زنده و شاداب هستند و بیش از آنکه در اطراف بقعه حال و هوای سنگین آرامستان جریان داشته باشد، به بازدیدکنندگان آرامشی دلچسب منتقل می‌شود. نمای بیرونی بنای مکعبی بقعه از دیوارهای آجری تشکیل شده که محراب‌های هم اندازه و گنبدی خشتی آن را زینت داده است. مقرنس کاری‌های ساده‌ای که روی سردر ورودی و در گوشه و کنار فضای داخلی بقعه نقش بسته بر زیبایی فاخر آن افزوده است. اتاقکی که مزار شیخ در وسط آن قرار گرفته از ۳۰-۴۰ متر تجاوز نمی‌کند و محفظه شیشه‌ای که سنگ مزار مرمرین شیخ را در بر گرفته با پرچم‌ها و پارچه‌های منقش به ذکر ائمه(ع) پوشانده شده است. لوازم داخل اتاقک که برای استراحت مراجعه‌کنندگان و زائران فراهم شده چندان مفصل نیست، ولی برای یکی دو ساعت استراحت و دل سبک کردن کافی به نظر می‌رسد.

سکونتگاهی که از بین رفته است

حدود ۱۰۰۰ متر که از بقعه شیخ دور شوید، تپه عظیم و بلندبالای «نجیر» که از دور به تلی از

خاک شباهت دارد، خودنمایی می‌کند. «نجیر» در لغتنامه‌های فارسی (گوشت) معنا شده، ولی اهالی روستای کلین نمی‌دانند چرا این نام بر روی تپه تاریخی روستای آنها گذاشته شده است. بومیان قدیمی احتمال می‌دهند نام تپه «نشین» بوده و در گویش محلی و طی سالیان دراز به این نام تغییر کرده است. این تپه بلند که در گذشته سکونتگاهی مسکونی بوده بر اثر زلزله‌ای شدید زیر و رو شده و دیگر از خانه و سراهایی که در دل تپه قرار داشته خبری نیست، اما هنوز هم بقایا و سردر و ستون‌های این بناها باقی مانده و با کنجکاو و دقت قابل مشاهده است. البته با وجود زیاله‌های فراوانی که در اطراف

تپه نجیر ریخته شده بعید است برای گردشگران کمیاب روستای کلین شوق و انگیزه کنجکاوی بماند. سرنوشت و هویت ساکنان اصلی این تپه مبهم است، ولی به نظر می‌رسد پیدایش این تپه به دورانی می‌رسد که مردم ری باستان در زیرزمین زندگی می‌کردند.

بقعه امامزاده یحیی(ع) سومین رأس این مثلث است که ستون‌های آن از جنوب بقعه شیخ کلینی دیده می‌شود، ولی از بنای قدیمی



بقعه شیخ کلینی،

تپه نجیر و بقعه

امامزاده یحیی(ع)

۳ ضلع مثلثی

هستند که در

ضلع جنوب غربی

روستای کلین

واقع شده‌اند و

حدود ۲ هزار متر

با خانه‌ها و

کوچه‌پسکوپه‌های

مسکونی روستا

فاصله دارند

امامزاده فقط بقعه باقی مانده و باقی آن تخریب شده تا به همت خیران روستا نوسازی و بازسازی شود.

مرکز بومگردی کلین

تعطیل است

شیوع کرونا تنها مرکز بومگردی روستا را که به تازگی فعالیت خود را آغاز کرده بود به تعطیلی کشانده است. این مرکز حدود ۳ سال پیش در زمینی خالی ساخته شده، اما معماری آن به سبک خانه‌های حیاط و حوض‌دار قدیمی است. در ساخت عمارت بومگردی «خاتون» از مصالحی مانند کاهگل و گچ و آجرهای قزاقی استفاده شده و در معماری داخلی آن پنجره‌های گرد

و مربعی کوچک و درهای چوبی کلون‌دار به کار رفته است. نقشه ساخت آن هم به سبک خانه‌های قدیمی است و حیاط وسط بنا و اتاق‌های تابستان‌نشین و زمستان‌نشین در اطراف حیاط قرار گرفته‌اند. این عمارت پیش از شیوع کرونا فعالیت خود را آغاز کرده بود و مهمانان روستا چند ساعتی را در آن جا می‌گذراندند و پس از گشت‌وگذار در روستا با غذاهای محلی معروف ری مانند نان و حلیم و آبگوشت گوشت شتر پذیرایی می‌شدند. استفاده از پوشش محلی مردم اصیل کلین و افزایش تنوع غذاهای محلی در سفره مهمانان و گردشگران کلین از برنامه‌های این مرکز بومگردی بوده که کرونا روی کار و کسب مالک عمارت سایه انداخته و طرح و ایده‌های او را برای رونق گردشگری روستا نقش برآب کرده است.



اهالی یزدی تبارند

ساکنان بومی روستا یزدی تبارند و میان بسیاری از آنها رابطه فامیلی و خویشاوندی وجود دارد. طایفه «بسپار» و «حسین‌زاده» از نخستین اقوام یزدی هستند که برای کشاورزی به عمادآور آمده‌اند. واسطه مهاجرت این طایفه‌ها شخصی به نام مرحوم «اصغر بسپار» بوده که برای ارباب روستا کشاورزی می‌کرد و به دلیل صداقت و کاربلدی خود مورد اعتماد ارباب ده بود. اجرای دیرهنکام طرح هادی در عمادآور سبب مهاجرت تعداد زیادی از بومیان روستا شده و اتباع مهاجر که در زمین‌های کشاورزی و سبزیکاری مشغول هستند، بخش قابل توجهی از جمعیت کنونی عمادآور را تشکیل می‌دهند. در عمارت بادگیر هنوز هم نواده‌های خانواده سلامت زندگی می‌کنند و از این ارنیه خانوادگی خود و میراث ملی کشورمان مراقبت می‌کنند.

داشتند. در دوران طاغوت که برگزاری مراسم مذهبی با محدودیت‌ها و مشکلات بسیاری همراه بود، اربابان ده عمادآور، از بزرگانی مانند شهید نواب صفوی دعوت می‌کردند که در عمارت مراسم سوگواری ویژه ماه‌های محرم و صفر و شب زنده‌داری‌های قدر و رمضان را برگزار کند. این پیشینه پرارزش که بر پیشانی عمارت بادگیر رقم خورده، به تنهایی برای آبادانی شهری بزرگ کفایت می‌کند. اما عمارت بادگیر با تمام جبروت و دلبری‌اش در ورودی روستا غریب افتاده است. اداره میراث فرهنگی و گردشگری ری، عمارت بادگیر را مرمت و بازسازی کرده و هرگاه گذر یکی از مسئولان به شهری می‌افتد، فرصت بازدید از این معماری اصیل ایرانی را از دست نمی‌دهند، اما تاکنون این دیدوبازدیدها نه در تبدیل روستای عمادآور به مکانی توریستی نقش داشته و نه از غربت دلگیر این جاذبه گردشگری ری کاسته است.

باغ و قلعه

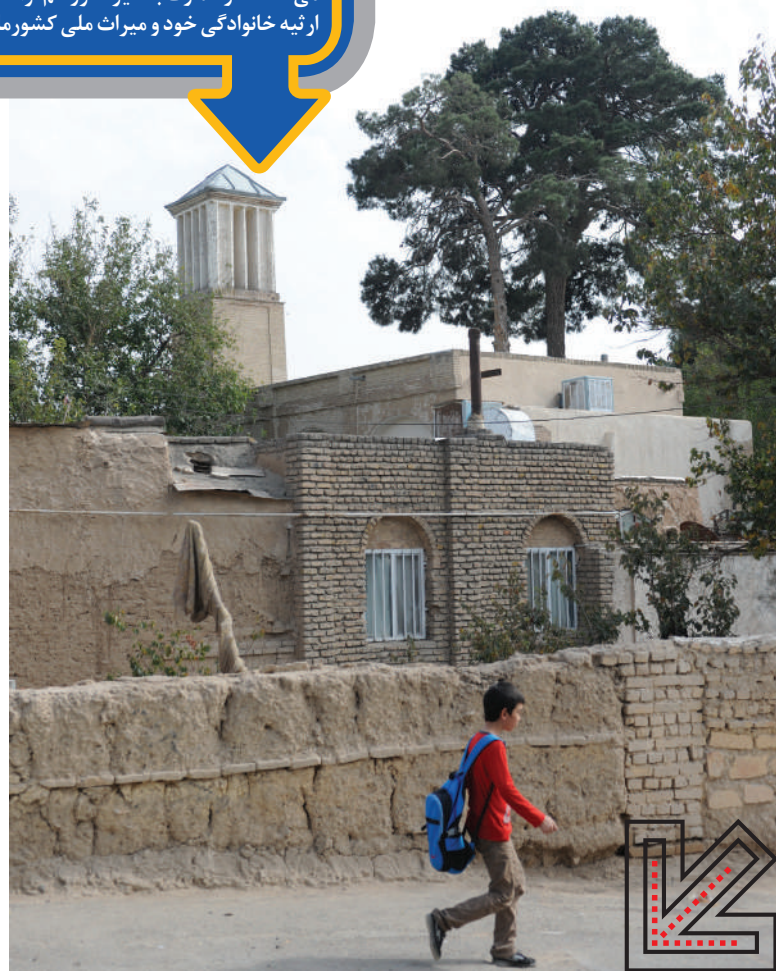
عمادآور که گاهی به نام فرزند کوچک خاندان سلامت، «احمدور» هم خوانده می‌شود، هویت فرهنگی و معماری قابل توجه و ارزشمندی دارد. این روستا از گذشته به ۲بخش قلعه و باغ تقسیم شده است. بخش باغ روستا شامل زمین‌های سبزیکاری شده و باغ‌های پر از کاج و سروهای بلند و درختان توت و انار و به و انجیر بود. در سرتاسر باغ و قلعه هم بوته‌های گل محمدی می‌روید که ورزش نسیمی ملایم برای پراکندن عطر خوش آنها در کوچه‌پسکوپه‌های روستا و اتاق‌های تابستانی و زمستانی عمارت بادگیر کافی بود.

اما سال‌هاست در عمادآور بوته‌های گل محمدی نمی‌روید و زمین‌های سبزیکاری سرسبز و بابرکت، پررنگ‌ترین نشانه‌ای است که از سبزنای روستا باقی مانده است. میان این زمین‌ها و بخش مسکونی روستا که هنوز هم «قلعه» نامیده می‌شود، طاق بزرگی قرار گرفته که به درگاه کاروانسرای قدیمی بی‌شباهت نیست. دری که در چهارچوب طاق جا گرفته، دسترسی محلی روستا به روستاهای مجاور را مسدود کرده است.

عنوان نگین ری تنها موهبتی است که وجود عمارت بادگیر برای روستای عمادآور به ارمان آورده و حال قلعه این روستا که به دلیل تأخیر چند ساله در اجرای طرح هادی و تخریب بافت مسکونی ناخوش شده، چندان زیننده این عنوان نیست. خانه‌های قلعه که اغلب قدیمی‌اند سقف‌های گنبدی دارند و از راهروهای باریک و اتاق‌های تودرتو تشکیل شده‌اند.

عمارت تاریخی فراموش شده

«حسن، مهدی، محمد و احمد سلامت» که اربابان و ملاکان زمین‌های زراعی روستا بودند، به دلیل انصافشان در میان اهالی عزت و احترامی خاص



روستای عمادآور

عمارت ۴۰۰ ساله بادگیر در نگین ری

به روستای عمادآور عنوان «سنگین ری» داده‌اند. وجود بنای تاریخی بادگیر ری، روستای کهن عمادآور را شایسته این عنوان پرمطراق کرده است. این روستا با محدوده شهری ری فاصله زیادی ندارد و نرسیده به نخستین دوربرگردان بزرگراه آوینی می‌توان تابلوی آن را پیدا کرد. پیش از آنکه به این روستای کوچک پا بگذارید، بدون تردید لحظاتی طولانی محو تماشای قد و قامت رشید عمارت تاریخی بادگیر خواهید شد که از پناه دیوارهای گلی روستا نمایان است. گذر زمان رویه سیمانی و آجرهای ختایی عمارت را از جلا و تازگی نینداخته و کلاهک‌های مکعبی شکل بادگیر به سبک معماری شهر یزد، بر روی بام بنا تعبیه شده است.

این عمارت که در میان باغی از درختان سرسبز



روستای آراد

آستان دو امامزاده کنار آبانبار ۴۰۰ ساله

حتی موسپیدان روستای «آراد» هم نمی‌دانند چه حکمتی در میان بوده که «میرزا علی آقا یزدی» نام فرشته خوبی‌های ایران باستان را برای روستای آبا و اجدادی خود انتخاب کرده و نام «آراد» را بر روی آن گذاشته است، اما آثار یزدی تبار بودن میرزا علی در همه کوچه‌پسکوپه‌ها و خانه‌های آراد کهن پیداست و بیش از آنکه به روستایی از توابع شهری شبیه باشد، به یکی از آبادی‌های یزد شباهت دارد. میرزا علی آقا از بازاریان یزدی تبار بازار تهران بوده که روستای آراد را بنیان گذاشته و پسرش نخستین پزشک متخصص بیماری سل در ایران بوده است.

وقتی در کوچه‌پسکوپه‌های روستای آراد قدم می‌زنید ردیفی از خانه‌های خشتی و گلی قدیمی باسقف‌های گنبدی می‌بینید. کوچه‌پسکوپه‌های روستای آراد خاکی است. بعضی از ساکنان روستا که حیاط یا دیوار خانه‌هایشان را با سیمان یا موزاییک پوشانده‌اند، مشتی سیمان هم جلو درگاهی خانه ریخته‌اند و با مال‌ه صاف کرده‌اند تا موقع برف و باران، گل و لای به کف کش و لباس‌هایشان نچسبد. اغلب خانه‌های روستا پنجره‌هایی کوچک دارند که نزدیک به سقف اتاق نصب شده‌اند. درهای کوتاه چوبی و آهنی با طاق‌های هلالی از دیگر ویژگی‌های خانه‌های خشتی و گلی روستای آراد است.

ویژه شهر ری

امامزادگان از بافت مسکونی روستا کمی فاصله دارد، اما همین که کوچه‌پسکوپه‌های روستا و چند قطعه زمین خالی پر از خار و گون را پشت سر بگذارید گنبد فیروزه‌ای ساده امامزاده به زیبایی چشم‌نوازی می‌کند.

به رسم شهر یزد

بنای آستان هم از زیبایی‌های معماری شهر یزد بی‌نصیب نمانده و سرمایش و گرمایش فضای بقعه‌ها با بادگیرهای آجری بلند بالایی تأمین می‌شود. درختان کاج و سرو اطراف بقعه عمری دراز و چندین ساله دارند و تعدادی از آنها هم در هرم آفتاب هوای کویری آراد پژمرده و کم‌رمق شده‌اند. صحن امامزاده آرامستان درگذشتگان روستاست و از زمان پاگرفتن روستا اموات اهالی در چهار سوی بقعه‌ها دفن می‌شوند. در میان سنگ قبرها کمتر می‌توان سنگی را پیدا کرد که نام خانوادگی روی آن پسوند «یزدی» نداشته باشد و گویا ساکنان روستا وصلت و پیوندهای خویشاوندی زیادی داشته‌اند.

رنگ فیروزه‌ای و آبی لاجوردی رنگ غالب در و دیوار و نوشته‌های آستان امامزاده ابراهیم و اسحاق(ع) است و سادگی درهای قدیمی و دیوارهای کاهگلی و آجرنمای بقعه‌ها دلنشین و آرامش‌بخش هستند. داخل بقعه‌ها به سادگی آراسته شده‌اند و از عمر فرش و قالی‌ها، پشتی‌ها و وسایلی که برای زینت بقعه‌ها استفاده شده لاقفل چندین دهه می‌گذرد. به گفته اهالی و بر اساس کتاب‌های تاریخی نسب امامزاده ابراهیم و اسحاق(ع) به امام موسی ابن‌جعفر(ع) می‌رسد و ابراهیم(ع) برادر بزرگ‌تر اسحاق(ع) است.

از همان ابتدای روستا بادگیرها و گنبد آبانبار ۴۰۰ساله روستا پیداست. قدیمی‌های روستا معتقدند آراد ۵ قرن قدمت دارد و یک قرن بعد از آغاز سکونت در روستا و در زمان حکومت قاجاریان آبانبار ساخته شده است. آبانبار آراد ۲ بادگیر مکعبی باریک و بلند دارد که در ۲طرف گنبد بزرگ آن و در محور شمالی- جنوبی قرار گرفته‌اند. فانوسی که برای روشن کردن آبانبار روی گنبد گلی تعبیه شده شکل و شمایل بنای حافظیه را به خاطر می‌آورد. این فانوس نه چندان بلند با قرار گرفتن سر روی گنبد هم‌قد و اندازه بادگیرها شده است.

باتوق زنان آراد

گنبد کله قندی آبانبار از خشت ساخته شده و ۱۰متر ارتفاع دارد. دهانه ورودی آبانبار، در ضلع جنوبی آن قرار گرفته که سردر آجرکاری زیبایی با طاق خوابیده دارد و برای رسیدن به اتاقک کوچک پاشیر (محل برداشتن آب) باید پله‌هایی کوتاه و آجری را طی کنید. پاشیر به اندازه نشستن چند نفر جا دارد و این اتاقک کوچک محل اختلاط و دورهمی‌های زنان روستا است که برای بردن آب به آب‌انبار می‌آیند. در آراد بر خلاف اغلب روستاهای شهری از زمین‌های کشاورزی و دامداری‌های کوچک و بزرگ خبری نیست. شغل ساکنان آن هم به کشت و زرع و پرورش دام ارتباطی ندارد و اغلب آنها در کارگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی اطراف شهری مشغول کارند.

آبانبار آراد تنها اثر تاریخی روستا نیست و آستان امامزاده ابراهیم(ع) و امامزاده اسحاق(ع) در آراد قرار دارد. بقاع این



قدیمی‌های روستا معتقدند آراد ۵ قرن قدمت دارد و یک قرن بعد از آغاز سکونت در روستا و در زمان حکومت قاجاریان آبانبار ساخته شده است





روستای چالطرخان اینجا دشتی آباد است



باغ‌هایی که دیگر نیستند

کاملاً دستخوش دگرگونی شده و تعداد افراد غیربومی، به‌ویژه اتباع خارجی، در این روستا کم نیست.

مشاغل روستایی

آنچه در سال‌های اخیر نام روستای چالطرخان را بر سر زبان‌ها انداخته، راه‌اندازی کارگاه‌های صنایع‌دستی و ایجاد کسب و کارهای خرد برای اهالی بوده که مهاجرت معکوس بومیان چالطرخان را به دنبال داشته است. به گفته دهیار چالطرخان، شغل اکثر اهالی روستا قالبیافی و صنایع‌دستی مانند میناکاری، سفالگری، رنگ‌آمیزی روی سفال و خیاطی است و تعدادی از اهالی و اتباع مهاجر ساکن روستا هم به کشاورزی مشغولند. «احمد عباسی» می‌گوید: «بیکاری مهم‌ترین عامل مهاجرت روستاییان و خالی از سکنه شدن تعداد زیادی از روستاهای شهری است. به همین دلیل، تلاش کرده‌ایم با کمک و حمایت نهادهای اجرایی، برای افراد مختلف و به‌ویژه جوانان روستا مشاغل زودبازده به وجودآوریم. اکنون تعداد زیادی از نوجوانان و بزرگسالان روستا مشغول انجام کارهای هنری هستند و تعدادی هم در کارگاه تولید پوشاک و خیاطی اشتغال دارند.»

متناسب بودن کارآیی مراکز خدماتی تازه‌تأسیس چالطرخان با سبک زندگی روستایی سبب شده هویت و حیات روستا آسیب نبیند. مجتمع تفریحی، آموزشی و کارآفرینی حضرت ولی‌عصر(عج) از جمله این مراکز خدماتی است که در آموزش، کارآفرینی و تولید محصولات بومی چالطرخان نقش زیادی داشته است. کتاب‌های «گذر و نظری بر ۳۰ روستای هدف گردشگری استان تهران» و «کاخ ساسانی چالطرخان» کتاب‌هایی هستند که داشته‌های باستانی و معاصر چالطرخان را بازگو می‌کنند و توسط دهیار روستا به چاپ رسیده‌اند.



روستای «چالطرخان» از روستاهای انگشت‌شماری است که برای حفظ اسم و رسم تاریخی و هویت باستانی خود با چنگ و دندان می‌جنگد. در این روستا که به دلیل داشتن خاک حاصلخیز، آب کافی و آب و هوای خوش به نام «چالطرخان» به معنای «دشت‌آباد» شهرت پیدا کرده هنوز هم کشاورزی رونق دارد و بسیاری از بومیان روستا بر روی زمین‌های کشاورزی آبا و اجدادی خود کار می‌کنند. به این ویژگی‌ها و داشته‌های چالطرخان باید آثار تاریخی ارزشمندی مانند آتشکده ری ۱۸۰۰ ساله و تپه باستانی میل را هم بیفزاییم. در این روستا هنرهای دستی طرفداران زیادی دارند و در سال‌های اخیر کارگاه‌های صنایع‌دستی زیادی در آن راه‌اندازی شده که پیش از شیوع کرونا بروبیایی داشتند.

روستای چالطرخان در ۱۲ کیلومتری شهری واقع شده و هر تازه‌واردی با دیدن ورودی روستا گشت‌وگذار در روستای آباد را به خود وعده می‌دهد. ورودی روستا بر خلاف اغلب آبادی‌های ری تابلویی زیبا دارد که تصاویر شهدای روستا نقش پنجره فولاد و محراب داخل آن را زینت داده‌اند. درختان کاج و سرو بلند و تپه‌های بکر حاشیه جاده ابتدای چالطرخان طبیعت سرسبز و جغرافیای خاص روستا را به خوبی نشان می‌دهد. به باور اهالی روستا و به گواه کتاب «ری باستان»، «محمد بن زکریای رازی» طبیب و شیمیدان معروف ایرانی بیمارستان معروف خود را در چالطرخان بنا کرده و دلیل این امر آب و هوای خوش و سالم این روستای کهن بوده است. آتشکده ری و تپه میل آثار تاریخی چالطرخان هستند که از گزند روزگار در امان مانده‌اند و با وجود بی‌مهری مسئولان به آثار باستانی شهر ری، هنوز پابرجا مانده‌اند، اما چالطرخان آثار باستانی دیگری هم داشته که از آنها نام و نشانی باقی نمانده است. تپه شغالی و تپه موشی از جمله این آثار بوده که مسطح شده‌اند و شکل و شمایل آنها دیگر شباهتی به تپه ندارد.



اسلام‌آباد سیمان(اشرف‌آباد) سکه‌های اشرفی در روستای ۴۰۰ ساله



صالح‌آباد شرقی یک آبادی پر از کوچه‌های آشتی‌کنان



غنی‌آباد قناتی که دیگر نمی‌جوشد

روزگاری ثروت مردم دامدار و زراعت کار این ولایت چنان زیانزد بود که به آن «غنی‌آباد» می‌گفتند. آن زمان جمعیت ۲۲۳ نفری ولایت غنی‌آباد، به برکت آب‌گوارای قنات، زمین‌ها و سفره‌های پربرکتی داشتند، اما حالا که جمعیت غنی‌آباد به ۱۰ برابر افزایش پیدا کرده، نه از جوشش آب قنات خبری هست و نه از زمین‌های حاصلخیز پر از خوشه‌های غلات و صیفی و چغندر قند. خیابان بلند و طولانی شهید کلهر خیابان اصلی روستای غنی‌آباد است. در کوچه‌های باریک و طولانی منتهی به این خیابان از خانه‌های گلی روستایی اثری نیست و لایه‌لای خانه‌های قدیمی کوتاه و فرسوده آن، ساختمان‌های نوساز بلندقامت سنگی و آجری هم دیده می‌شود.

غنی‌آباد در گذشته سرسبز بوده و مردم آن به دامداری و کشت گندم، جو و صیفی مشغول بوده‌اند، ولی پس از خشک شدن قنات ده، زمین‌ها به بیابان‌های بی‌حاصل تبدیل شده‌اند و جوانان با کار در مراکز صنعتی مانند کارخانه سیمان، کارخانه ذوب مس و استوک خاوران زندگی خود را می‌گذرانند. در مزارستان غنی‌آباد که فقط روزهای جمعه برای زیارت اهل قبور، در آن به روی اهالی باز می‌شود، افرادی دفن شده‌اند که لااقل ۳ سده از دفن آنها در این روستا می‌گذرد. در این مزارستان دنج و نقلی که فضای سبز باصفا و سنگ مزارهای مرتب و هم‌اندازه‌ای دارد، فقط در گذشتگان بومی غنی‌آباد دفن می‌شوند. اغلب مدفون‌شدگان در مزارستان

در حالی که نام روستای اشرف‌آباد به خاندان پهلوی ارتباطی نداشت و حتی قبل از کودتای رضا خانی، نام این روستا اشرف‌آباد بوده است. بر اساس اسناد، این روستا حدود ۴۰۰ سال پیشینه دارد و به دلیل داشتن آب و هوای مناسب و نزدیکی به کاروانسراها و محل‌های داد و ستد کالا، بسیاری از تجار اموال خود را از ترس راهزن‌ها در این محدوده پنهان می‌کردند. طی قرن‌های گذشته به دلیل وجود اشرفی(سکه طلا) و طلاهای زیادی که از خاک این روستا به توسط مردم کشف شد، این روستا به نام «اشرفیه» نامگذاری شد که در بستر زمان به نام اشرف‌آباد تغییر نام داد. یکی از درخواست‌های عمده اهالی برگرداندن نام این روستا به نام پیشین خود یعنی اشرف‌آباد است.

صالح‌آباد شرقی کشاورزی رونق دارد. در فاصله این روستا تا روستاهای مجاور مزارع پربرکتی وجود دارد که بسیاری از آنها را دیوارهای گلی کشیده‌اند و برای سکونت کارگران مزارع آلونک‌های گلی ساخته‌اند. اغلب ساکنان کوچه شهید فیاضی از بومیان قدیمی روستا و یزدی تبار یا اهل مشهد هستند. این امر سبب شده این کوچه به نام «قلعه یزدی‌ها» یا «قلعه مشهدی‌ها» شهرت پیدا کند. کوچه «شهید سیدحسن جعفرپور» که در فاصله کمی از خیابان شهید فیاضی قرار گرفته، از ارست‌ترین معابر روستای صالح‌آباد است که در حوالی آن از خانه‌های فرسوده و دیوارهای ترک خورده خبری نیست و درختان حاشیه آن فراوان و سرسبز هستند، آلاچیقی نقلی در وسط آن قرار گرفته و برای افزایش زیبایی خیابان از مجسمه‌ها و نمادهای رنگارنگ استفاده شده است.



غنی‌آباد که «بهشت فاطمه‌الزهر(س)» نامیده شده، از طایفه‌های «کلهر»، «حسن» و «سیری» هستند و برای دفن ۷ شهید دهستان هم جایگاهی ویژه در نظر گرفته شده است. روشنایی دهستان غنی‌آباد از برق شهری تأمین می‌شود و قسمتی از آب شبکه آبرسانی روستایی شهرستان ری که از ۵۰ حلقه چاه و ذخیره سد ماملو تغذیه می‌شوند، سهم اهالی غنی‌آباد است.



یادداشت

روستاهای ری

ظرفیت گردشگری مغفول پایتخت

حسن خلیل آبادی

رئیس کمیته میراث فرهنگی
و گردشگری شهرداری شهر



کنار کویر حسن آباد رها شده است، ده خیر که آتشگاهی با سه هزار سال سابقه را در خود جای داده هیچ امکاناتی را برای گردشگران ندارد، عشق آباد که دریاچه آن پذیرای گونه‌های مختلف پرندگان است، تبدیل به قطبی برای تأسیس کارگاه‌های شیمیایی و ضد محیط زیست شده است. متأسفانه بزرگراه امام علی (ع) از مکانی در شهرداری می‌گذرد که دو شهر تاریخی زیرزمینی بازمانده از دو زلزله سهمگین شهرداری در آنجا قرار دارد، این در حالی است که استادان باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی به شهردار وقت تهران تذکر دادند، سازمان میراث فرهنگی مقاومت نکرده و امروز ما در این بزرگراه بر میراث گذشتگانمان ماشین می‌رانیم و شهری که می‌تواند در صورت کوشش، دو دوره پر رونق ری را به دنیا بشناساند، زیر هزاران تن آسفالت و بتن و ... مدفون شده است.

برای توسعه روستایی گردشگری شهر تهران، مدیریت شهری تهران باید توجه داشته باشد که این روستاها در حریم پایتخت قرار دارند و با همکاری با فرمانداران، بخشداران و دهیاران این مناطق تلاش کنیم رویکرد تخریبی را از روستاهایی که می‌توانند مقصد گردشگری باشند، به سمت گردشگری و رونق آن سوق دهیم. انتظار می‌رود وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، شهرداری تهران و همه ارکان نظام با کمک و همراهی دیگر بخش‌های دولتی و خصوصی مرتبط با توسعه گردشگری، به یاری این صنعت نوپا بیایند و این حوزه حساس و زودرنج را یاری کنند، چراکه در صورت شکست در حوزه گردشگری بازآفرینی آن دشوار خواهد بود.

امید است که با تشکیل سازمان گردشگری شهرداری تهران که در ماده ۷۲ برنامه سوم توسعه شهر تهران آمده، بتوانیم ساماندهی و سیاستگذاری واحد در این حوزه را به گونه‌ای تدوین کنیم که شهرداری اماکن میراثی و به‌ویژه مکان‌های تاریخی روستاهای ری که در به‌عنوان یکی از محل‌های درآمد پایدار قرار دهد و تهران همچون مادرید، لندن، استانبول و ... مقصد گردشگرانی شود که هزاران دلار خود را برای بازدید از آن شهرها هزینه می‌کنند. امیدواریم با همکاری و نظر مساعد همکارانم این رویکرد همانند سایر رویکردهای انسان محور دوره پنجم برای اداره شهر تهران، ری و تجریش به منصفه ظهور برسد.

اهمیت روستاها در توسعه گردشگری و صنعت توریسم دنیا به اندازه‌ای است که روز جهانی گردشگری در سال ۲۰۲۰ «گردشگری و توسعه روستایی» نامیده شد، اما در کشور ما این ظرفیت‌های ناب مغفول مانده و به درستی استفاده نشده‌اند، مصیبتی که امروز بر دوش روستاها آوار شده، بی‌سابقه است و در هیچ کجای تاریخ چنین ستمی بر آنان روا نشده است.

روستاهای شمال تهران در مقایسه با روستاهای جنوبی پایتخت از شرایط مطلوب‌تری برخوردارند. روستاهای جنوبی که بخش اعظم آنها در شهرداری واقع شده، آماج بی‌مهری پایتخت قرار گرفته‌اند و به جای هدف گردشگری و اشتغالزایی مورد حمله مشاغل مزاحم تهران هستند. در شهرداری روستاهایی مانند امین‌آباد، آراد، عشق‌آباد، کلین، ده خیر، فیروز‌آباد و ... وجود دارد که آثار تاریخی و طبیعی فراوانی را در خود جای داده‌اند، ولی سرریز معضلات تهران به ری سبب شده آرادکوه را با پسماند بشناسیم نه با آثار تاریخی و یخچال طبیعی آن، امین‌آباد را با بیماران روانی و کارخانه سیمان تهران به خاطر آوریسم، نه با بقعه بی‌بی شهربانو و برج خاموشان و ... در حالی که تمامی این روستاها دارای جاذبه‌های تاریخی صاحب نامی هستند. روستای امین‌آباد که در دامنه کوه بی‌بی شهربانو قرار دارد و نقطه ثقل و مرکزی ری قدیم و باستانی است، متأسفانه با وجود بقعه بی‌بی شهربانو، گنبد اینانچ و استودان که مقبره‌های تاریخی در شهرداری است، رها شده و سیمان تهران جای جای این کوه با عظمت و بام جنوبی تهران را می‌بلعد. در کشورهای دیگر با پسماند کوه مصنوعی می‌سازند و در ایران با پسماند آرادکوه را زینت می‌دهیم که بوی نامطبوع آن مانع از حضور گردشگران به تهران می‌شود.

امروز بنای تاریخی بی‌بی شهربانو میزبان مسافرانی از هند، افغانستان، پاکستان و زرتشتیان است. این بنا چه به‌صورت مستند و چه غیررسمی زیارتگاه اقشار مختلفی است، اما باید از میان کامیون‌های معدن، لودر و در غبار کارخانه سیمان به این زیارتگاه راه یافت. کلین که زادگاه شیخ کلینی بوده است در

گردشگری طبیعی





گردشگری مدرن

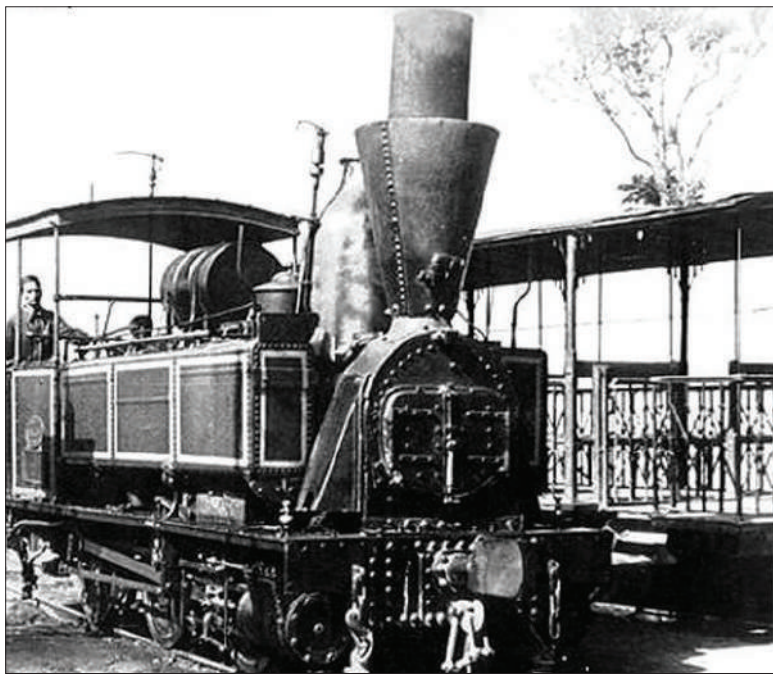


«احمد ابوحمز» پژوهشگر تاریخ و ری‌شناس می‌گوید که آرزوی هر تهرانی در هشتاد سال پیش سفر با ماشین دودی بوده است

وقتی غول آتش‌خوار به نزدیکی بازار حضرتی رسید

«زهراکریمی

رفتن به شهرری به مثابه سفر به تاریخ است؛ سفری به سرزمین ماشین دودی، برج طغرل و آتشکده ری. در گوشه گوشه این سرزمین از زندگی مردمان در گذشته‌های دور و حتی نه چندان دورنشانی دیده می‌شود. حفاری اخیر در خیابان فداییان اسلام روبه‌روی امامزاده عبدالله موجب سر برآوردن ریل‌های قدیمی و زنگ زده ماشین دودی از دل خاک شد. پیدا شدن بخشی از ریل قدیمی قطار بار دیگر سبب شد تا خاطره‌های ۸۰ سال پیش بومی‌ها زنده شود و این سؤال پیش آمد که چرا نخستین خط آهن تهران به ری ساخته شد و چطور بعد از ۸۰ سال جابجایی مسافران از ریل خارج و دیگر موتورشن روشن نشد. برای پاسخ این پرسش‌ها، سراغ «احمد ابوحمز» ری‌شناس و پژوهشگر تاریخ رفتیم. کسی که حدود ۳ دهه به پژوهش و مطالعه تاریخ ری پرداخته است.



«تاریخچه ساخت نخستین ریل مربوط به دوره ناصرالدین شاه و در شهرری است.

چرا نخستین ریل اینجا ساخته شد؟ چون در واقع اروپایی‌ها دنبال بازاریابی و منفعت شخصی بودند و چه مسیری بهتر از ری به تهران و تهران به ری. آنها در مورد مسیرهای رفت‌وآمد تهران بررسی‌های بسیاری انجام دادند و متوجه علاقه و ارادت تهرانی‌ها به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) در ری شدند. بنابر این، پیشنهاد ساخت این خط آهن به ناصرالدین شاه داده شد. اما ناصرالدین شاه ساخت خط آهن از شمال تا جنوب کشور یا در واقع از بحر خزر تا بحر خلیج فارس را پیشنهاد داد که به دلیل نبود امکانات، سرمایه کافی و شرکت راه‌آهن ملی، این پیشنهاد منتفی شد و ناصرالدین شاه برای مسیر زیارتی ری به تهران با «مسیو بوآتال» فرانسوی قرارداد بست. فابیوس بوآتال فرانسوی این قرارداد را با شرکت بلژیکی با شرایط ۹۹ ساله از میدان قیام تا ری امضا کرد و خط آهن در سال ۱۳۰۵ با طول حدود ۸ هزار و ۷۰۰ متر

«چه دلیلی داشت که ایستگاه ری را نزدیک بازار سنتی ساختند؟

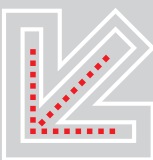
چون بازار ری یکی از بازارهای نامدار و پر رونق آن سال‌ها بود و مهم‌تر آن‌که در قدیم بازارها مسود توجه همه اقشار جامعه بود و معمولاً زائران بعد از زیارت برای خرید سوغات به بازار مراجعه می‌کردند. ایستگاه در فاصله کوتاهی با بازار در نزدیکی بیمارستان فیروزآبادی ساخته

شد، هنوز میدان شهرری کنونی وجود نداشت و همه بیابان، زمین کشاورزی و باغ‌های دلگشا بود. گار به زبان فرانسوی به معنای ایستگاه است و این خط آهن ۲ گار ماشین داشت؛ یکی در ری و دیگری در حوالی میدان خراسان تهران. قطارها پس از تعطیلی سال‌ها در ۳ لاین ریلی باقی بودند، ولی بنای ایستگاه اخذ بلیت ری در همان سال ۱۳۴۰ یا ۱۳۴۱ خراب و تبدیل به پارک عمومی شد. سال‌های زیادی لاشه قطارها آنجا نگهداری می‌شد تا وقتی ایستگاه مترو شهرری در دهه ۸۰ افتتاح شد و لوکوموتیو شماره یک با شناسنامه آهنی که پرچ به بدنه لوکوموتیو است، به ایستگاه مترو شهرری انتقال داده شد و دیگری به ایستگاه پارک کوثر محله قیام در منطقه ۱۲، واگن‌های دیگر را هم به کارخانه سیمان فرستادند. و بالاخره یکی دیگر از لوکوموتیوها در ایستگاه راه‌آهن تهران و یکی دیگر در پارک ملت در معرض نمایش عموم قرار داده شد.

«چه عواملی در دهه ۴۰ در تعطیلی ماشین دودی تأثیرگذار بود؟

این وسیله در سال‌های ابتدایی راه‌اندازی حمل‌ونقل ریلی برای عامه مردم عجیب و غریب بود، چون تاکنون قطار ندیده بودند. در آن زمان حمل‌ونقل با گاری و کالسکه باب بود و جاده‌سازی در شهر آنقدرها معنایی نداشت. مردم به این قطار غول آتش‌خوار، هیولای آهنی، ترن بخاری، کالسکه بخار و ماشین دودی نسبت داده بودند و در طول فعالیت ۸۰ ساله‌اش همیشه جمع کثیری با آن مخالف بودند. نخستین مخالفان آن کشاورزان حوالی محله شوش بودند که برای ریل‌گذاری بخش‌هایی از زمین‌هایشان را از دست دادند و برای آنکه این ماشین دودی به سرانجام نرسد، ریل را به سرقت می‌بردند و هر آنچه ساخته می‌شد تخریب می‌کردند. تا اینکه ناصرالدین شاه برای محافظت از آن مأمورانی را در مسیر به نگهبانی گمارد.

به مرور سفر با ماشین دودی به آرزوی هر تهرانی و برخی ری‌نشینان تبدیل و هیجان سفر باعث شد کار ماشین دودی حساسی رونق بگیرد و کاسی کالسکه‌چی‌ها بی‌رونق. اما ماشین دودی حادثه‌آفرین هم بود و یکی از سوزده‌های خبرساز نشریات آن زمان. مردم آن زمان آداب سفر با قطار را نمی‌دانستند و بیشتر جنبه تفریحی برای آنها داشت. زمانی که راه شوسه و بعد جاده‌سازی و خیابان‌ها آسفالت شد و از کمپانی‌های مختلف به کشور خودرو وارد شد، بازار ماشین دودی از رونق افتاد. آن سال‌ها ماشین دودی عمری ۶۰ ساله داشت و مستهلک شده بود و خطرات زیادی جان مسافران را تهدید می‌کرد. در نهایت همه این دلایل و همچنین بی‌نظمی در ساعت و روزهای حرکت، آمار فوٹی و سانحه‌دیده‌ها که بدون بلیت سوار می‌شدند و در مسیر از روی پشت‌بام‌ها خودشان را روی سقف ماشین دودی پرتاپ می‌کردند و ناراضی‌های راننده‌های مسافرکش در سال‌های دهه چهل شمسی، باعث شد هیولای آهنی برای همیشه خاموش شود.



نوستالژی‌های سفری در گفت‌وگو با «علیرضا زمانی» پژوهشگر تاریخ

هم‌زیارت هم‌سیاحت

مرور فرهنگ و رسومات ری‌نشینان به مثابه تورق تاریخ در چند جلد کتاب است که برای خواندنش زمان زیادی لازم است. همیشه این منطقه مورد توجه تهرانی‌ها و سایر شهرستان‌های ایران بوده و خودشان را از راه دور به اینجا می‌رساندند تا به زیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شوند. بنابراین همین رفت و آمدها و آشنایی مردمان اقلیم‌های دیگر سبب شده تا بسیاری از افراد با شنیدن نام شهرری یا شاه عبدالعظیم خاطرات گذشته برایشان زنده شود. به همین بهانه با «علیرضا زمانی» پژوهشگر تاریخ درباره سفر به ری و نوستالژی‌هایش صحبت کرده‌ایم و او مهم‌ترین‌ها را برایمان بازگو کرد.

زیارت با طعم کباب و ریحان

باب شدن خوردن کباب با ریحان پس از زیارت حضرت عبدالعظیم به دوران ناصرالدین شاه قاجار برمی‌گردد. تهرانی‌ها از کبابی‌های ری خاطره کم ندارند و معمولاً بعد از زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی به رستوران‌های بازار می‌رفتند تا دور هم با خانواده یا با رفقا کباب چرب با ریحان، دوغ و نان سنگک بخورند. از این رو، زائران همیشه مقابل کبابی‌های بازار به صف می‌ایستادند تا میز خالی شود و نوبت به آنها برسد. هنوز که هنوز است این صحنه در بازار حرم از سوی زائران دیده می‌شود. قیمت چلو کباب در اوایل حکومت محمدعلی شاه یک عباسی یعنی ۴ شاهی (۴ دهم ریال) بود. اواخر سلطنت رضا شاه در دکان‌های بازار ۳۰ شاهی (یک ریال و نیم) قیمت داشت.

آبنبات قیچی و سوهان، سوغات ری

معمولاً محبوب‌ترین سوغاتی زائران خرید آبنبات قیچی بود که همیشه از خوشمزه‌های این سفر بود. جعبه‌های مقوایی سوهان کرهای مخصوص هم از پر طرفدارترین

سوغاتی آن زمان ری بود. همچنین یکی از خوراکی‌های خوشمزه سفره نوروز ری‌نشینان سوهان‌های تازه و ترد بود. سوغات دیگر تسبیح، انگشتر (شرفالشمس، فیروزه، عقیق)، ادویه، گیاهان دارویی، خشکبار و عرقیات بوده است. این محصولات از قدیم معرف ری بودند و برای عزیزان چشم‌انتظار تهیه می‌شدند.

سوت‌سوتک، اسباب‌بازی معروف ری

یکی از اسباب‌بازی‌ها که امروزه رنگ نوستالژی به خود گرفته است، عروسک‌های پارچه‌ای یا سوت‌سوتک‌های سفالی بود. این سوت‌سوتک‌ها بیشتر در مغازه شهرهای مذهبی که زائران تردد داشتند مثل ری و مشهد دیده می‌شد و یا برخی بومی‌ها در مسیر زائران می‌ایستادند و با دمیدن به این سوت‌سوتک‌ها جلب توجه و مشتری جمع می‌کردند؛ از این رو، همیشه صدای این سوتک‌ها در همه بازار شنیده می‌شد. سوت‌سوتک‌ها اشکال مختلفی مثل مرغ و پرند داشتند که به مرور رنگی و پلاستیکی شدند و حالا به خاطره‌ها پیوسته‌اند.

ماست محلی و سبزی در سبد خرید مسافران ری

زمانی که رفت‌وآمد از تهران به ری با ماشین دودی باب شد، اهالی ری برای رونق زندگی‌شان از این فرصت استفاده کردند و با فروش ماست محلی و سبزی خوردن‌تر و تازه دل از تهرانی‌ها پرده بودند. سبزی زمین‌های کشاورزی شهرری معروف بود. طعم تند سبزی به واسطه آفتاب و آبی که این سبزی‌ها خورده و دیده بودند زیر دندان تهرانی مزه کرده بود و همیشه مقدار زیادی سبزی برای مصرف طولانی می‌خریدند. زائرانی که از تهران با کالسکه و گاری می‌آمدند برای خرید محلی حتماً بین مسیر توقف داشتند تا هم به زیارت و فاتحه‌خوانی بی‌بی زبیده بروند و هم ماست محلی بخرند.



از بازار گردی تا پاساژگردی مهیاست

روایت تاریخ و فرهنگ و هنر در بازار ری



فاطمه عسگریا

از جذابیت‌های اطراف حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) بازار قدیم ری است. این بازار که از دو راسته تشکیل شده است در محل تلاقی خود تشکیل یک چهارسوق زیبا را می‌دهد. البته در جوار حرم حسنی دو بازار وجود دارد؛ یکی بازار قدیمی یا همان بازار سنتی و دیگری بازار بزرگ ری. فضای قدیمی و سرپوشیده و سنتی بازار با عطر ادویه و داروهای گیاهی و... برای مردم تهران و زائران حرم حضرت عبدالعظیم(ع) جذاب و دیدنی است.

عمر بازار قدیمی یا همان بازار سنتی به ۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد؛ بازاری که به دستور شاه طهماسب ساخته شده است. معماری ایرانی اصیل این بنا مورد توجه گردشگران داخلی و خارجی بوده است. از رج به رج آجرهای خشت و گلی بازار ری می‌توان قصه گذشتگان را شنید. حجره‌ها و دکان‌های قدیمی به همان شکل باقی مانده‌اند و حال و هوای درونش همراه با سفری به دل تاریخ است. قاب عکس پیرمردهایی با کلاه پشمی اکثر دیوار مغازه‌های بازار را زینت داده و پشت دخل مغازه‌ها جوان‌هایی‌اند که جای پدرانشان نشسته‌اند و خاطرات و سخنان زیادی از گذشته را در سینه خود جای داده‌اند. چهره‌های جوان ادامه‌دهنده راه همان چهره‌های پیر با کلاه‌های پشمی هستند که حالا فقط ظاهرشان عوض شده است، اما بافت بازار و حجره و همچنین نوع محصولاتشان، آنها را یادگار همان دوران و

زدن در بازار سنتی ری می‌تواند ساعت‌ها انسان را به خود مشغول کند. یکی از مهم‌ترین اجناسی که در بازار سنتی شهرری عرضه می‌شود، ادویه است. می‌گویند که این بازار از قدیم‌الایام مرکز فروش داروهای گیاهی و محصولات بوده است که توسط بازرگانان از جاده ابریشم به ایران وارد می‌شده و جالب اینجاست که این بازار هنوز نیز رسالت خود را انجام می‌دهد و یکی از عمده‌ترین مراکز عرضه و فروش محصولات عطاری است. حاج محمدتقی عطار نژاد و برادرش از نسل عطار نیشابوری هنوز اینجا حجری دارند. جاده ابریشم که روزگاری نبض اقتصاد جهان محسوب می‌شد، بازارهای مختلفی در سطح ایران داشت، بازار ری از جمله بازارهای مهم تاجران آن روزگار محسوب می‌شد و به خاطر عرضه محصولات تجاری به شمار می‌رفت. البته هنوز هم این بازار یکی از مراکز بزرگ و شلوغ خرید در استان تهران محسوب می‌شود. البته این بازار در دوره‌های متفاوت مرمت شده؛ امیرکبیر در دوره قاجار دستور ترمیم آن را داده و اخیراً نیز با همت سازمان میراث‌فرهنگی و تنی چند از حجره‌داران این بازار، تعمیر و بازسازی شده است.

بازار بزرگ ری

در کنار بازار قدیم ری، باید از بازار بزرگ ری نیز نام ببریم که در کنار هم، جفتی مناسب برای خرید هستند و مکمل یکدیگر. بازار بزرگ هم از بازار سنتی وسیع‌تر است و هم اجناس متفاوت‌تر و امروزی‌تری را عرضه می‌کند. مغازه‌های این بازار چندطبقه به شکل مغازه‌های امروزی هستند و ساختار بازار، شبیه بسیاری از مراکز فروش مدرن است. البته اینجا نیز هنوز حال و هوای سنتی خود را حفظ کرده است و باز هم تفاوت‌های چندی با مراکز خرید مدرن امروزی دارد. نوع دکوراسیون، جنس اقلامی که عرضه می‌کند و... همگی نشانگر تفاوت‌هایی است که این مرکز خرید با دیگر مراکز مشابه خود دارد. اجناس بازار بزرگ بیشتر در حیطه پوشاک است و بیشتر کاسبان آن به فروش البسه مشغول هستند. این بازار بزرگ که در ضلع غربی حرم واقع شده است، ۳ طبقه دارد و چیزی بیش از ۴۰۰ دهنه مغازه را در دل خود جای داده است.



مراکز خرید و پاساژها در شهر ری

فروشگاه زنجیرهای شهروند

شهرری، میدان حرم، میدان معلم، خیابان کریمی شیرازی، جنب بازار میوه و تره‌بار



شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان استان تهران
تهران، حمزه‌آباد، میدان نماز، بلوار کمیل

فروشگاه رفاه تهران، شعبه شهر ری

تهران، حمزه‌آباد، خیابان فروشگاه رفاه

فروشگاه رفاه

شهرری، بزرگراه شهید آوینی، میدان هادی ساعی



مجتمع تجاری نگین

بزرگراه آوینی، خیابان زکریای رازی، مجتمع تجاری نگین

پاساژ وکیل

شهرری، خیابان سپاهیان انقلاب(قم)، نرسیده به میدان شهدای شاملو



مجتمع تجاری مهدی

شهرری، میدان شهرری، ابتدای خیابان قم، مجتمع تجاری مهدی(عج)

مجتمع تجاری خاتم

شهرری، میدان شهرری، خیابان زکریای رازی، مجتمع تجاری خاتم

مرکز خرید مروارید

بزرگراه آوینی، میدان هادی ساعی، خیابان آستانه، مرکز خرید مروارید



مجتمع تجاری میرداماد

خیابان زکریای رازی، خیابان آستانه، مجتمع تجاری میرداماد

بازار آرین (آرین مال)

شهر ری، خیابان رجایی - جنوب، پایین‌تر از بیمارستان هفتم‌تیر، سهره ترانسفو



از نان و کباب و ریخون تا مزه‌های تند عربی

شهرری هست و نان داغ و کبابش. هنوز هم خیلی‌ها وقتی اسم شهرری به گوششان می‌خورد خاطرات خوش ماشین دودی و نان و کباب و ریخان در کبابی‌های قدیمی شهر را در ذهن مرور می‌کنند. تا قبل از اینکه ماشین دودی از تهران به شهرری برود، البته از این قبل و قال کباب‌خوری در ری خیلی خبری نبود. اما با پیچیده شدن صدای تلق و تولوق قطار دودی و جاری شدن سیل مسافران تهرانی به شهرری به بهانه زیارت و سیاحت، بازار کباب خوری‌های ری داغ شد. مسافران بعد از تناول نان داغ و کباب داغ معروف حضرت عبدالعظیم(ع) در محوطه مصفا باغ طوطی استراحت می‌کردند و تا هوا تاریک نشده با همان وسیله‌ای که آمده بودند قصد رفتن می‌کردند. البته با کمی تفحص و تورق در کتاب‌های تاریخ به این نکته می‌رسیم که سر نخ چلوکباب حضرت عبدالعظیم(ع) هم به ناصرالدین شاه می‌رسد. طبق نوشته میرزا محمدرضا معتمدالکتاب، نویسنده کتاب «تاریخ قاجار»، «چلوکباب به دستور ناصرالدین‌شاه با روش قفقازی طبخ می‌شد و بعدها آشپزان دربار آن را تغییر دادند و به شکل چلوکباب امروزی درآمد.»

از فلافل و سمبوسه تا کباب

یکی از گذرهای خوشمزه در ری، بلوار قدس محله دولت‌آباد شهرری است. خیابانی شبیه خیابان‌های بغداد که به گذر شکم مشهور است. کاسبانش مردان دشداشه پوشند و فلافل‌ها، سمبوسه‌ها و شیرینی‌های عربی‌ای را که می‌پزند هیچ جای تهران نمی‌توانید پیدا کنید. چراغ این راسته اغلب با خاموشی شهر روشن می‌شود و گعده‌های خوردن چای تلخ و شیرین عربی در آن مشتریان فراوانی دارد. غذاخوری‌های شلوغ دولت‌آباد غذاهای معروف عربی مثل شاورما، کبه، حصص، سمبوسه و فلافل عربی دارد که طعم و مزه‌اش با همه فلافل‌فروشی‌ها و فست‌فودهای



تهران متفاوت است. بیرون برخی از غذاخوری‌ها میز و صندلی چیده شده است و مردانی سالخورده با دشداشه‌ای به تن روی صندلی‌ها مشغول خوردن چای عربی هستند. شیرینی‌های عربی با ظاهری فریبنده از پشت شیشه به مشتریان چشمک می‌زنند. شیرینی‌هایی که با روغن حیوانی درست شده و پر از پسته و بادام و گردو هستند. یکی از خوشمزه‌ترین شیرینی‌های اینجا «تاج‌الملک» است. چیزی شبیه پیراشکی پر از پسته و بادام. ملوکیه، لوزینه کنافه، کعک، لانه گنجشک هم نام دیگر شیرینی‌های معروف این راسته است. ماه رمضان که می‌شود این راسته حال و هوای دیگری دارد؛ یکی از غذاهای لذیذ که در این خیابان فروخته می‌شود، گس نام دارد. غذایی همانند کباب ترکی با این فرق که از گوشت گوساله و دنبه به‌صورت لایه‌لایه استفاده می‌شود. این غذا که طرفداران خاص ایرانی، علاوه بر عرب‌زبان‌ها، دارد، رونق زیادی به محله دولت‌آباد در شب‌های رمضان می‌دهد. علاوه بر گس شما می‌توانید انواع غذاهای لبنانی و حتی دل و جگر نیز در این خیابان میل کنید.



ساختمان‌های کارخانه قند کهریزک در دوره‌های قاجار، پهلوی اول و دوم ساخته شده‌اند

کام ایران با قند ری شیرین شد

فاطمه عسگرزیا



اساسی در این مرحله یافتن زمین‌های مناسب بود؛ هم برای ساختمان و هم برای کشت و زرع و چغندر و نکته بعدی هم به تعیین سهام مربوط می‌شد. بنابراین، کوشش‌های مستمر آغاز شد و اسناد می‌گویند که سرمایه کارخانه ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار فرانک بوده است. بیشتر سهام کارخانه در بروکسل به فروش رفت، اما فروش سهام ایرانیان مشکلی مهم بود.

مشکل دیگر مربوط به تهیه زمین بود. اگرچه بنا به اسناد، حق تملک به صاحبان امتیاز داده شده بود، اما در اصل امتیازنامه تنها به حق تولید قند تأکید شده بود، نه گرفتن زمین؛ چه برای ساختمان یا کشاورزی. دخالت میرزا علی‌خان امین‌الدوله در مسأله کارخانه قند به همین دلایل بود. بعد از گذراندن مراحل تحقیق، فروش سهام و مشارکت امین‌الدوله در اعطای زمین،

خروج کارخانه قند از فهرست آثار ملی

این کارخانه بعد از انقلاب به بنیاد واگذار شد. این بنا به شماره ۴۶۳۵ در یازدهم دی ماه ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی ثبت و ابلایه ثبت آن در ۱۳ اسفند ۱۳۸۰ توسط رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی به «علی‌اکبر رحمانی» استاندار وقت تهران، فرستاده شد. در چند سال گذشته چندین بار خبرهایی مبنی بر پیگیری شورای شهر برای نجات این کارخانه مطرح شده است، اما مالک این کارخانه اوایل سال ۹۵ با طرح شکایت به دیوان عدالت اداری، درخواست خروج از ثبت این بنا را مطرح کرد و از آن زمان بود که دعوی حقوقی میراث استان تهران و مالک به دادگاه کشیده شد و سرانجام بعد از گذشت سه سال بالاخره مالک بر این بخش از تاریخ صنعتی کشور غلبه کرد و این میراث صنعتی و فرهنگی از لیست میراث فرهنگی خارج شد. با حکم دیوان عدالت اداری گویا آب سردی بر سر و روی نخستین کارخانه قند خاورمیانه ریخته‌اند چنان‌که همه رگ و پیاش را سست کرده است.

عملیات ساخت کارخانه در سال ۱۲۷۳ آغاز و قرار شد طی شش ماه کار پایان یابد. در همین حال دستور خرید ماشین‌آلات کارخانه نیز صادر و از کشورهای آلمان، بلژیک و انگلیس خریداری شد. کار ساخت کارخانه بیش از دو سال طول کشید. این مسأله پیوسته سبب تذکر

دادن به مسئولان شرکت بود. وزیر مختار بلژیک پس از ۶ ماه در نامه‌ای تقاضا کرد که این مدت تجدید شود. در حاشیه این نامه هم ناصرالدین‌شاه نوشت مهلتی را که لازم است، بدهند. سال ۱۲۷۴ کار ساخت کارخانه قند همزمان با برداشت محصول چغندر در اوایل پاییز به پایان رسید و آماده بهره‌برداری شد. با راه‌اندازی این کارخانه، بازار داغ قند روسی در ایران از رونق افتاد، چراکه قندهای تولیدی کارخانه کهریزک هم کیفیت قابل قبولی داشت هم قیمت مناسب‌تری.

از این کارخانه سه دوره بهره‌برداری شد. کمپانی در سال ۱۲۷۸ به علت ورشکسته شدن تعطیل شد. در سال ۱۳۰۸ شمسی کسری ماشین‌آلات از کمپانی آلمانی «وولف» خریداری و نصب شد و نخستین بهره‌برداری مجدد آن بعد از ۳۲ سال تعطیلی در سال ۱۳۱۰ شمسی صورت گرفت. دولت همه سهام آن را خرید و اداره کارخانه را به دست گرفت. اما بیش از ۳۰ سال بعد، در ۱۳۴۳، فعالیت این کارخانه بار دیگر به علت فرسودگی ماشین‌آلات متوقف شد.

قدیمی‌ترین باسکول ایران در نخستین کارخانه قند خاورمیانه موجود است؛ این باسکول از کهن‌ترین آثار معماری صنعتی در ایران به شمار می‌رود.



آیت‌الله «سید رضا فیروزآبادی» مریضخانه فیروزآبادی را با حقوق نمایندگی مجلس ساخت و وقف کرد

بیمارستان فیروزآبادی

فاطمه عسگرزیا

داخلی، گوارش، اطفال، ارتوپدی، رادیولوژی، روماتولوژی، نفرولوژی، بیهوشی، ارولوژی، گوش و حلق و بینی، نورولوژی، روان‌پزشکی، چشم، پاتولوژی، تغذیه و داروسازی است. همچنین دارای بخش‌های جراحی زنان و مردان، داخلی-عقونی، اطفال، دیالیز و اوژانس است. آیت‌الله سیدرضا فیروزآبادی در تمام مدتی که نماینده مجلس بود، حقوقی از مجلس دریافت نکرد و تنها هنگامی که تصمیم گرفت بیمارستانی در شهری و حضرت عبدالعظیم بسازد، حقوق خود را از مجلس شورای ملی گرفت و آن را برای احداث بیمارستان هزینه کرد. فیروزآبادی، باغ حرمت‌الدوله را به مساحت ۶۲ هزارمترمربع، متیری یک قران خرید و ساختمان‌هایی را برای امور خیریه راه‌اندازی کرد. آیت‌الله سیدرضا فیروزآبادی از جمله رجال دینی و سیاسی دوران معاصر به شمار می‌آید که در چند دوره مجلس حضور داشت و به دلیل تأسیس مراکز عام‌المنفعه از جمله بیمارستان، مسجد و مدرسه در شهری در میان مردم به محبوبیت رسید.

«نصرالله حدادی» پژوهشگر و تهران‌شناس، می‌گوید: «فیروزآبادی برای رفع نیازهای مردم اقدامات بسیاری انجام داد و در این راه از خود بناهای ارزشمندی به یادگار گذاشت. بناهایی که امروزه تصویری از خدمات او را به نمایش می‌گذارند. یکی از این بناهای عام‌المنفعه

بیمارستان فیروزآبادی در سال ۱۳۱۳ توسط آیت‌الله «سیدرضا فیروزآبادی» و با کمک دکتر امیراعلم، ساخته و وقف شد. این بیمارستان در شمال میدان اصلی شهری قرار دارد. مریضخانه فیروزآبادی در زمان تأسیس با ۶۰۰ تخت بستری در زمره بزرگ‌ترین بیمارستان‌های کشور محسوب می‌شد که به‌جز درمان بیماران، بعدها پزشکان و استادان بسیاری در آن پرورش یافتند. سردر معروف فیروزآبادی رنگ مریضخانه فیروزآبادی نیز که در زمره آثار ثبت شده میراث فرهنگی است، در ضلع جنوب‌شرقی بیمارستان واقع شده و جمله معروفی نیز بر آن نقش بسته «این مریضخانه وقف است بر فقرا و رعایا و غربا و بیچارگان. لعنت بر کسی که تخلف نماید.»

این بیمارستان درحال حاضر به‌عنوان یک بیمارستان جنرال تخصصی و درجه یک در شهری با متراژ تقریبی ۵۲ هزارمترمربع زمین و حدود ۲۵ هزارمترمربع به ارائه خدمات درمانی پرداخته و با دارا بودن حدود یکصد تخت ویژه به‌عنوان مرکز تخصصی بخش‌های ویژه قلب در شهری و جنوب تهران و تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایران است. این بیمارستان دارای تخصص‌های زنان، جراحی،

بیمارستان فیروزآبادی است. بیمارستان در دوم آذر ۱۳۱۳ رسماً افتتاح شد و آیت‌الله فیروزآبادی همواره در توسعه و بهبود آن تلاش می‌کرد. این انسان وارسته و بزرگ در آغاز با ساختن ۲ اتاق، درمان مریض‌ها را آغاز کرد و بعد روند تکمیل و توسعه کمی و کیفی بیمارستان را همچنان ادامه داد تا جایی که در هنگام مرگش، مجهز به ۶۰۰ تخت‌خواب و درمانگاه و... شد. یکی دیگر از خدمات عام‌المنفعه این عالم وارسته و خستگی‌ناپذیر تأسیس ده‌ها مسجد در مناطقی چون ری، فیروزآباد، عمادآور و شهریار بود. بزرگ‌ترین این مساجد، مسجدجامع فیروزآبادی است که در شهری قرار دارد و با مناره‌ای بلند و زیبا، منظره باشکوهی به وجود آورده است.

حدادی می‌گوید: «در تاریخ ایران، ۲ روحانی هستند که با لباس روحانیت وارد اتاق جراحی می‌شدند، اول حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و دوم حاج رضا فیروزآبادی. نقل است از ایشان که همیشه پنی‌سلین محلول را در یخ نگه می‌داشت و به‌عنوان داروی معجزه‌آسای آن زمان مردم را درمان می‌کرد. فیروزآبادی در زمان حیات خود، ۲ پزشک انسان‌دوست شهیر ایرانی، دکتر محمد غریب (بانی طب نوین اطفال در ایران) و محمدرضا حکیم‌زاده (بانی آسایشگاه خیریه کهریزک) را به‌عنوان رؤسای بیمارستان فیروزآبادی انتخاب کرده بود.»

در یادنامه «محمد ترکمان» آمده است که حاج رضا فیروزآبادی یک روز در شهری با «محمدرضا پهلوی» در کنار یک ساختمان نیمه‌کاره ملاقات می‌کند و فیروزآبادی از برنامه خود برای ساخت این فضای نیمه‌کاره می‌گوید و شاه در جواب می‌پرسد: این مکان چقدر هزینه دارد؟ فیروزآبادی مبلغ ۳ میلیون تومان را عنوان، اما از شاه هیچ درخواستی برای کمک نمی‌کند. حدادی در ادامه می‌گوید: «لازم به ذکر است که بگویم حاج آقا ۹ بچه داشتند و در خانه‌شان شبی که فوت کردند چیزی نبوده و تمام پول را خرج بیمارستان کرده‌اند.»

این بیمارستان به دلیل بروز مشکلاتی در اداره آن، در سال ۱۳۱۳ به اداره صحتیه (وزارت بهداشت) واگذار شد.



اولین کارخانه سیمان روی شهر باستانی ۲۷۰۰ ساله در چند قدزمی ادژ اشکان ساخته شده

نبض توسعه تهران در کارخانه سیمان ری می‌زد



«علیقلی خان سپاهی دنبلی» کسی است که نامش با نام نخستین کارخانه سیمان ایران گره خورده است. همه او را مهندس‌الدوله خطاب می‌کردند.

او در سال ۱۲۹۲ خورشیدی از پلی تکنیک زوریخ فارغ‌التحصیل شده بود. مهندس‌الدوله از سال ۱۲۹۵ خورشیدی دنبال ساخت این کارخانه بود. قراردادی هم برای کسب امتیاز انحصاری ساخت کارخانه سیمان با وزارت فواید عامه بست، اما شناس با او یار نبود و با تعطیلی مجلس شورای ملی در پی شروع جنگ، به مدت ۵ سال این قرارداد اجرایی نشد. بعد از آن هم این قرارداد وارد دست‌اندازهای سیاسی و اقتصادی دیگر شد. پس از بازگشایی مجلس بر تعداد متقاضیان ساخت کارخانه سیمان افزوده شد. «الکساندر طومانیانس» سرمایه‌دار ارمنی، شرکت ایران و آلمان، حاج «رحیم اتحادیه» سرمایه‌دار ایرانی و شرکت «وانگهو» از جمله متقاضیان این مهم بودند. علاقه زیاد سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در حوزه سیمان این تفکر را در جامعه تبیین کرده بود که چرا امتیاز ساخت کارخانه سیمان باید انحصاری باشد، باید آزاد باشد تا همه بتوانند کارخانه سیمان بسازند. مهندس‌الدوله به پشتوانه قراردادی که با دولت داشت اقدام به واردات دستگاه‌هایی برای ساخت کارخانه کرد، اما از آنجا که با وضعیت پیش آمده تکلیفش معلوم نبود شروع به ساخت کارخانه نکرد. در آن دوران کشور برای واردات هر خروار سیمان از باکو ۵۰ هزار تومان هزینه می‌کرد، اما مهندس‌الدوله قول

فاطمه عسگریا

هشتاد و هفت سال پیش بود که نخستین کارخانه سیمان ایران در نزدیکی‌های آستان‌العظیم حسنی پای کوه چشمه‌علی افتتاح شد. هشتم آذرماه سال ۱۳۱۲ روزنامه اطلاعات در تیتربزرگی خبر از افتتاح این کارخانه داد. البته کار ساخت کارخانه از سال ۱۳۱۱ شروع شده بود. منصور، وزیر طرق (راه‌سازی) وقت، در گزارشی اعلام کرد قسمتی از ماشین‌آلات این کارخانه سیمان ساخت اشمیت دانمارک و قسمت دیگر از کشور سوئد تهیه شده است. کارشناسان و متخصصان سوئدی خودشان برای نصب تجهیزات بخش نخست به ایران آمدند. متخصصان آلمانی هم کار ساخت ابنیه کارخانه را عهده‌دار بودند؛ کارخانه‌ای که روزانه استعداد تولید هزار تن سیمان را داشت و توسعه تهران و کشور مدیون این کارخانه است.

داده بود اگر کارخانه را بسازد بهای هر خروار سیمان مورد نیاز کشور را با سه تومان تمام کند. او سرانجام کارخانه را ساخت آن هم در چند قدیمی دژ رشکان بر روی شهر باستانی و تاریخی ۲۷۰۰ ساله. خبرنگار روزنامه اطلاعات، آذرماه ۱۳۱۲، در این باره می‌نویسد: «مواد اولیه برای این کارخانه به‌حد وفور و نزدیک به‌محل کارخانه وجود داشت. از حیث ترکیبات شیمیایی هم این مواد اولیه دارای تمام شرایط لازم بود. لذا بهترین جنس سیمان، معروف به سیمان «پرتلند»، حاصل می‌شد که مخصوصاً در ساختمان‌های مهم مربوط به راه‌آهن و راه‌سازی و... مورد اطمینان و استفاده بود. بعد از ساخت کارخانه سیمان قوای برق که یک‌هزار و دویست قوه اسب بود به قسمت‌های مختلف کارخانه توزیع شد. دستگاه‌های الکتروموتور برق را می‌گرفتند و ماشین‌های کوه‌پیکر کارخانه به حرکت درآمد. تماشای کارخانه سیمان، غرش و نعره چرخ‌ها و ماشین‌ها درحینی که قطعات سنگ را خرد می‌کرد، بعد نرم می‌ساخت، بعد می‌پخت، دیدن دیگ‌های عجیب، کوره چرخنده، سیمان‌پزی، آسیای سیمان‌کوبی و سایر قسمت‌های آن روح بانشاط و فرحبشی در تمام حضار ایجاد کرده بود. همه از دیدن این مؤسسه مسرور و خوش‌وقت بودند. تمام نقل‌وانتقالات مواد به وسیله ادوات الکتریکی، جراثقال و با خطوط کوچک آهنی انجام می‌گرفت که در اطراف قسمت‌های کارخانه کشیده شده و دستگاه‌های نقلیه کوچک روی خطوط حرکت می‌کردند.

با شروع قرن چهاردهم خورشیدی کشور با سرعت به سمت مدرن‌سازی پیش رفت و پروژه‌های عمرانی یکی پس از دیگری اجرای شد؛ از ایجاد خط آهن گرفته تا ساخت سدها، جاده‌ها و اماکن آموزشی و عمومی. رشد سریع مصرف سیمان و سودآوری بالای تولید آن توجه زیادی را برای ساخت واحدهای دیگر تولید سیمان جلب کرد، به گونه‌ای که احداث کارخانه‌های سیمان بخشی از سرفصل‌های برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه قبل از انقلاب بود. هر چه کشور رو به جلو می‌رفت تقاضا برای محصول سیمان هم بیشتر و بیشتر می‌شد همین مسئله باعث شد تا نیاز به تأسیس کارخانه‌های سیمان در کشور احساس شود. در تاریخ ۱۳۱۴ کارخانه دیگری با ظرفیت روزانه ۲۰۰ تن طراحی و عملیات ساختمانی آن در سال ۱۳۱۵ در جوار کارخانه قبلی شروع و در سال ۱۳۱۶ بهره‌برداری از واحد دومش آغاز شد. با راه‌اندازی کارخانه‌های جدید، کارخانه سیمان ری که بخش بزرگی از تهران و حتی سایر شهرهای ایران با سیمان تولید آن ساخته شد در نهایت در سال ۱۳۶۴ در سایه توسعه شهر و بافت مسکونی منطقه تعطیل شد. قرار است ساختمان قدیمی و هویتی سیمان ری به موزه تبدیل شود.

گزارشی از مرکز نجوم آستان حضرت عبدالعظیم حسنی(ع)

نخستین رصدخانه جهان اسلام در ری



زهره کریمی

علم نجوم سابقه ای یک هزار ساله در شهرستان ری دارد و به‌عنوان نخستین رصدخانه جهان اسلام در حدود قرن ۳ هجری به دستور فخرالدوله دیلمی در ری ساخته شد. مدیران آستان حضرت عبدالعظیم با عنایت به به قدمت شهرستان ری در علوم نجوم تصمیم گرفتند در سال ۱۳۷۹ با مشورت آموزش و پرورش، رصدخانه‌ای با رویکرد آموزشی و پژوهشی در ری راه‌اندازی کنند. ریاست مرکز نجوم آستان عبدالعظیم از سال ۱۳۸۰ به عهده حجت‌الاسلام «محمد تقدیری» است و مدیریت مرکز پژوهش این مرکز از سال ۱۳۷۹ با «مهدی دانشیار» است که برای آشنایی بیشتر با عملکرد اجرایی در حوزه آموزش، پژوهش و آسمان‌نما گزارش‌های اجمالی ارائه داد که در ادامه آمده است.



پژوهش درباره ستارگان دوتایی

این مجموعه به پیشنهاد مرکز تحقیقات استراتژیک به‌عنوان رصدخانه پشتیبان تقویم هجری شمسی در ایران شناخته می‌شود. از جمله فعالیت مهم دیگر این مرکز با توجه به استقرار ستاد استهلال استان تهران، رصدهای ماهانه رؤیت هلال و هماهنگ کردن دیگر رصدهای گروه‌های استان تهران و سپس ارسال به دفتر مقام معظم رهبری و مراجع است. همچنین کار در زمینه تعیین قبله با توجه به مختصات خورشید به‌طور دقیق و تعیین اوقات شرعی و برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های متناسب از جمله فعالیت‌های این مرکز محسوب می‌شود. فعالیت‌های آموزشی و برگزاری کلاس‌های مختلفی آموزشی به‌صورت ترمی برای دانش‌پژوه‌ها و بازدیدکنندگان از رصدخانه است.

سمینار و کنفرانس‌های مختلفی در زمینه نجوم در آستان برگزار می‌شود و در این نوع برنامه‌ها جایزه ویژه‌ای در قالب کنگره به افراد برتر اهل علم تقدیم می‌گردد. سال جاری این سمینار به‌صورت ویدئو و به مدت سه روز برگزار شد و جایزه ویژه تقدیم نفر برتر شد. برگزاری سمینار ماهانه درباره مسائل نجوم برنامه مهم مرکز است که با استقبال منجمان رویه‌رو شده است.

اینجا رصدخانه عبدالرحمن صوفی است

مرکز نجوم آستان حضرت عبدالعظیم با توجه به نوع فعالیت‌ها از قسمت‌های مختلفی برخوردار است. یکی از قسمت‌ها به رصدخانه مدرن یا رصدخانه عبدالرحمن صوفی رازی معروف است و این قسمت یک تلسکوپ ۱۸۰میلیمتری از نوع استروفیزیک دارد که در حال حاضر بزرگ‌ترین تلسکوپ انحصاری ایران است و بزرگنمایی ۵۰ تا ۵۰۰ برابر به‌صورت حقیقی و ۵۰۰ تا یک هزار برابر به‌صورت مجازی را نمایش می‌دهد و دارای یک گنبد در حال گردش ۳۶۰ درجه به گرد خود گشته و ۹۰ درجه درجه‌اش باز می‌شود و به صورت گنبدی ساخته شده باز می‌شود. دانش‌پژوهان با مراجعه به این مرکز می‌توانند از این بخش بازدید کنند.

کتابخانه‌ای برای آشنایی با علم نجوم

بخش «تالار علمی» این مجموعه که در زاویه شمالی حرم قرار دارد و بازدید از آن برای عموم آزاد است، یکی از جذاب‌ترین‌های بخش این مرکز است چون می‌تواند با بهترین وسیله آسمان‌نما پلانتاریوم از نوع استارالایوم تجربه جدیدی در

زندگی در حوزه نجوم داشته باشند. مدارس برای بازدید گروهی دانش‌آموزان از بخش آسمان‌نما باید از قبل هماهنگ کنند و با برنامه‌ریزی اطلاعات خوبی به آن گروه سنی ارائه شود. تالار بعدی مربوط به فیزیک است و در آنجا دستگاه‌ها و لوازم مربوط به فیزیک به نمایش گذاشته شده است و دانش‌پژوهان و دوستداران نجوم می‌توانند از این امکانات استفاده کنند. کتابخانه مرکزی نجوم از همان بدو راه‌اندازی مرکز نجوم فعالیتش را با ۳هزار کتاب در زمینه نجوم، ریاضی، فیزیک به‌صورت خصوصی آغاز کرده است. در حال حاضر بیش از پنج هزار عضو فعال دارد و کتاب‌ها به ۲ زبان فارسی و انگلیسی جمع‌آوری و تهیه شده‌اند و علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به این کتابخانه با شرایط عضویت آشنا و از خدمات آن بهره‌مند شوند. همچنین در حوزه نجوم ۱۸ عنوان کتاب در زمینه پژوهش و نجوم تخصصی منتشر شده که این مجموعه با عنوان منجم که به نجوم دسترسی ندارد نامگذاری شده است.



تقویم‌شناس شویم و منجم شویم

بخش آموزش نجوم یکی از بخش‌های فعال و پرتعداد مجموعه است. این بخش آموزش همه مقاطع مختلف سنی را شامل می‌شود از دوره ابتدایی تا مقطع دانشگاهی. این مرکز برای توسعه و تقویت عملکرد آموزشی با مؤسسات علمی دیگر نیز ارتباط دارد و به‌عنوان مرکز آموزش آزاد فعال است. علاقه‌مندانی که در این مرکز ثبت‌نام می‌کنند پس از گذراندن دوره‌های آموزشی گواهی انجمن نجوم را با تأیید مرکز نجوم زیر نظر وزارت علوم دریافت می‌کنند. تعداد مراجعه‌کنندگان به بخش آموزش مرکز نجوم متغیرند اما به‌طور میانگین در هر دوره آموزشی ۸۰ نفر آموزش می‌بینند. این کلاس‌ها از دوره عادی تا پیشرفته فعال است و در حوزه تقویم نیز کلاس‌هایی به‌صورت ثابت برگزار می‌شود و انواع تقویم‌ها در این مرکز تدریس می‌شود.

تماشاگاه تقویم

بخش دیگر مرتبط با فعالیت‌های مجموعه با عنوان تماشاگاه تقویم و اسناد است. در این بخش انواع تقویم‌ها و اسناد بارزش از دوره هخامنشی تاکنون به نمایش گذاشته شده و معمولاً از بخش‌های پر بازدید و جذاب است.

بوستان‌های ری میزبان زائران و شهروندان

هم استراحت هم تفریح

فاطمه عسگری‌نیا

شهر ری در کنار تمام جاذبه‌های تاریخی، فضاهای سبز شهری را هم در دل خود جای داده است که محل گذران اوقات فراغت و تفریح اهالی و گردشگران است. در شهری ۱۶۷ بوستان به وسعت ۱۷۶۶۹۴۷ مترمربع وجود دارد که هریک ویژگی‌های شاخص و زیبایی‌های خود را دارد. تنوع و تعدد بوستان‌ها در شهری باعث شده تا اغلب محله‌های این محدوده به امکانات تفریحی و فضای سبز دسترسی داشته باشند.



بوستان جانبازان

بوستان جانبازان شهری یکی از بوستان‌های بزرگ و زیبای شهری است. این بوستان که مساحتی به وسعت ۱۴ هکتار دارد، از شمال به خیابان ۱۳ آبان، از شرق به ساختمان ناحیه ۳ و سوله بحران منطقه ۲۰، از جنوب به زمین‌های کشاورزی و سوله بازیافت و از غرب به نهر جمع‌آوری فاضلاب صالح‌آباد محدود می‌شود. یکی از ویژگی‌های این بوستان دسترسی‌پذیر بودن آن برای جانبازان و معلولان است. البته این شرایط باعث شده تا جانبازان و معلولان شهر تهران هم گاه برای تفریح و دورهمی‌های دوستانه این بوستان را انتخاب کنند.

علاوه بر مسیرهای پیاده‌روی زیبا و سرسبز این بوستان امتیازهای ویژه دیگری هم دارد که از جمله آن می‌توان به پیست دوچرخه‌سواری اشاره کرد.

این بوستان که در سال ۸۸ تأسیس شده است، دارای ۲۰ هزار مترمربع محوطه‌سازی شامل معابر اصلی و فرعی، رینگ تندرستی، رینگ دوچرخه‌سواری، کمپینگ، میدان اصلی و آب‌نما، زمین‌های بازی کودکان و بزرگسالان است. مقبره دو تن از شهدای هشت سال جنگ تحمیلی که در سال ۹۴ روی دست مردم شهیدپرور شهری تشییع شد هم از دیگر جاذبه‌های این بوستان بزرگ در شهری است. این مقبره در فضایی به وسعت ۴۰ مترمربع و در قسمت مرکزی بوستان جانبازان ساخته شده است.



بوستان محمودوند

بوستان محمودوند یکی از بوستان‌های محله جوانمرد قصاب است. این محله کلاً محله‌ای بوستانی است؛



چراکه تعدد بوستان‌ها در آن زیاد است. پارک محمودوند ۵۵۰۰ مترمربع مساحت دارد و به واسطه نزدیکی به ایستگاه مترو جوانمرد قصاب و همچنین ایستگاه اتوبوس عمومی، یکی از انتخاب‌های شهری‌ها و ساکنان حوالی آن است.

این بوستان در محله جوانمرد قصاب و در بلوار دستواره، خیابان کمیل، خیابان حنیفه‌زاده واقع شده است. یکی از ویژگی‌هایی که باعث شده در فصل‌های بهار و تابستان این بوستان انتخاب اول مردم باشد، قرار گرفتن آن در نزدیکی فروشگاه‌های مهمی مثل نجم خاورمیانه است. قرار گرفتن بوستان محمودوند در دل محله جوانمرد قصاب باعث شده تا اهالی محله به‌ویژه سالمندان و میانسالان بخش قابل توجهی از اوقات فراغت خود را در این محل سپری کنند. ست‌های ورزشی این بوستان طرفداران بسیاری دارد و بازار دورهمی‌های زنانه و فعالیت‌های اجتماعی در این بوستان حسایی داغ داغ است.



بوستان ترافیک

بوستان ترافیک یکی از بوستان‌های تفریحی و آموزشی در شهری است. این بوستان سال ۱۳۸۸ در زمینی به وسعت ۵ هزار و ۷۰۰ مترمربع احداث شد و تمام فعالیت‌های خود را زیر نظر معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری منطقه ۲۰ دنبال کرد. ساختار این بوستان کمی با بوستان‌های شهری دیگر فرق می‌کند؛ چراکه در برگیرنده ساختمان اداری - آموزشی و محوطه بیرونی است و تمامی فعالیت‌های آموزشی بوستان به‌صورت رایگان انجام می‌شود. امکانات و فضاهای موجود در بوستان آموزش ترافیک در فضای داخلی شامل دو کلاس با ظرفیت ۴۰ نفر

است که مربیان آموزش‌های لازم را بر اساس معیارهای جدید ترافیکی و برنامه‌ریزی شده با هدف مشخصی چون یاددهی و یادگیری فعال و شرکت دادن آنها درخصوص مسائل ترافیکی ارائه می‌دهند.

سالن آمفی‌تئاتر با ظرفیت ۷۰ نفر است که دانش‌آموزان پس از آموزش‌های لازم در کلاس وارد سالن آمفی‌تئاتر می‌شوند و مربیان علاوه بر ایجاد محیطی شاد و مفرح، آموزش‌ها را به کمک پخش فیلم، موسیقی، نمایش، مسابقه و بازی ادامه می‌دهند.

فضای خارجی شامل محوطه بوستان ترافیک و کارگاه هنر و خلاقیت است که فراگیران به‌صورت عملی با مباحث ترافیکی آشنا می‌شوند. در کارگاه هنر و خلاقیت دانش‌آموزان پس از آموزش در کلاس و آمفی‌تئاتر وارد کارگاه خلاقیت می‌شوند و در آنجا خلاقیت دانش‌آموزان در قالب نقاشی، کاردستی، پازل و کلاژ گذاشته می‌شود.



بوستان جهان‌آرا

بوستان جهان‌آرا یکی از زیباترین بوستان‌های شهری است که البته در میان اهالی منطقه به بوستان جنگلی جهان‌آرا مشهور است. اراضی این مجموعه در حاشیه بزرگراه قیل از اینکه تبدیل به بوستان شود اغلب محل تجمع کارتن‌خواب‌ها بود. زمین مخروبه‌ای که محل تولد آسیب‌های اجتماعی بود در قالب طرحی نو به یکی از زیباترین بوستان‌های شهری و محلی برای تفریح، ورزش، بازی کودکان و گذراندن اوقات شهروندان تبدیل شده است.

بوستان جنگلی جهان‌آرا ۱۳ هزار و ۱۳۰ مترمربع وسعت دارد و زیبایی‌های منحصره‌فردی دارد؛ از تعبیه آلاچیق‌های بزرگ و کوچک در آن تا استقرار وسایل بدنسازی، المان‌های پارکی، نورپردازی چشم‌نواز و همچنین زمین بازی استاندارد. از دیگر جاذبه‌های قابل توجه بوستان جنگلی جهان‌آرا این است که به جای چمن‌کاری از گیاهان پوششی، دائمی، درختچه‌های زیبا، گیاهان رونده و نشاهای فصلی ماندگار استفاده شده است. گفتنی است



انواع درختان موجود در این بوستان جنگلی شامل کاج، سرو، افاقیا، زبان گنجشک، نارون، تبریزی و بید است.



بوستان جنگلی آلاله

بوستان جنگلی آلاله در بلوار شهید غیبی ۷ هزار ۲۰۰ مترمربع است. تعداد درختان این بوستان جنگلی ۵۵۰۰ درخت شامل کاج، سرو، افاقیا، زبان گنجشک، نارون، تبریزی و بید است. علاوه بر این ۱۵ هزارمترمربع چمن‌کاری، ۸۶۰ گلدان درختچه کاری، ۱۲۰ مترمربع رز و نسترن کاری، ۳۰ مترمربع کاشت نشاء فصلی و کاشت ۸ اصله بید مجنون و کاج مشهد از دیگر ویژگی‌های این بوستان جنگلی است که در محدوده شهری واقع شده است. بوستان جنگلی آلاله جزء بوستان‌های فرمانطقه‌ای شهری است که علاوه بر اهالی این منطقه، سایر تهرانی‌ها هم برای گذران ساعات خوش به آن مراجعه می‌کنند.



بوستان مدرس

خیابان مدرس نرسیده به میدان مدرس در شهری درست جایی است که بوستان مدرس واقع شده است. این بوستان بیش از ۳ هکتار از مساحت این محدوده را به خود اختصاص داده، اما مردم محلی از وجودش راضی و خرسندند. بوستان مدرس با وجود ست‌های ورزشی و آرامش و امنیتی موجود هر روز صبح جمع ورزشکاران خانم و آقا را پذیراست. ناگفته نماند که این بوستان محل دورهمی‌های محلی شهروندان هم هست. گونه‌های درختی زبان گنجشک و افاقیا در این بوستان به زیبایی آن افزوده است.



بوستان دستواره

پارک دستواره یکی از بوستان‌های محله جوانمرد قصاب است که دسترسی محلی به یکی از ظرفیت‌های گردشگری طبیعی منطقه ۲۰ را آسان کرده است. بوستان دستواره ۵ هزار و ۸۸ مترمربع مساحت دارد. اگر دنبال یک محل دنج و آرام



برای ساعتی تفریح و دورهمی هستید بوستان دستواره شهری پیشنهاد خوبی است. در این بوستان هم زمین بازی برای کودکان تعبیه شده است هم آلاچیق‌هایی برای خانواده‌ها. تنوع فضای سبز و گونه‌های گیاهی آن هم از دیگر جذابیت‌های این بوستان محلی است.



بوستان ولی‌عصر (عج)

بوستان ولی‌عصر (عج) در ضلع شمال غربی میدان نماز شهری واقع شده است. این بوستان که ۲۷ هزارمترمربع مساحت دارد فرهنگسرای ولا را نیز در دل خود جای داده و مراجعه‌کنندگان به این فرهنگسرا عمدتاً ساعتی از وقت خود را در فضای زیبای این بوستان سپری می‌کنند. بوستان ولی‌عصر (عج) همچنین میزبان مقبره ۵ تن از شهدای گمنام هشت سال دفاع‌مقدس نیز است و این مسئله باعث شده تا ارادتمندان شهدا برای زیارت قبورشان به این بوستان مراجعه کنند.



بوستان نغمه

بوستان نغمه یکی از بوستان‌های زیبا و چشم‌نواز شهری است. این بوستان که ۷۶۶۵ مترمربع وسعت دارد در محله ظهیرآباد و در بزرگراه کریمی واقع شده است. نزدیکی این بوستان به مراکز مهمی مانند برج تاریخی طغرل و جایگاه سی‌ان‌جی باعث شده تا گردشگران زیادی به این مجموعه طبیعی مراجعه کنند. دسترسی این بوستان به ایستگاه اتوبوس شهید تراب شمالی هم از امتیازهای این بوستان زیباست.



بوستان نشاط

یکی دیگر از بوستان‌های محله‌ای در محله جوانمرد قصاب بوستان نشاط است. این بوستان ۴۵۰۰ مترمربع وسعت دارد و یکی از جاذبه‌های محلی برای دورهمی‌های‌گاه و بیگاه اهالی است. برخورداری این بوستان از ست‌های ورزشی و سایبان‌های زیبا باعث شده تا همواره میزبان اهالی باشد چه برای ورزش و تندرستی چه برای دورهمی و گپ‌های دوستانه.





گردشگری آرمستان





چگونه شکل‌گیری گورستان‌های زیرین و برین در گفت‌وگو با علیرضا بیشه، پژوهشگر تاریخ

مدفن پادشاهان ساسانی

بهاره خسروی

در خروجی بزرگراه امام علی(ع) به سمت بزرگراه بسیج در حوالی شهرری چند استودان (استخوان دان) یا دخمه زرتشتیان وجود دارد. بر اساس احتمالات موجود، این دخمه محل دفن هرمز، پسر یزدگرد دوم ساسانی، و سه تن از خاندان شاهی است که بعد از کشته شدن در این استودان‌های کوچک مدفون شدند. این گورستان‌های قدیمی در میان محلی‌ها به گورستان‌های زیرین و برین معروف است. گورستان‌هایی که روایت می‌شود افراد مختلف و چهره‌های نام‌شنایی از سران حکومتی، علما و اندیشمندان با ادیان و عقاید مختلف قرن‌های زیادی است که در کنار هم در آن آرامیده‌اند، هرچند که این روزها به دلیل بعضی بی‌مهری‌ها این گورستان مهجور مانده و بسیاری از بناها و مقبره‌های تاریخی و قبور آن تخریب شده و ازمیان رفته است. اما برای علاقه‌مندان به تاریخ ایران آشنایی با مشاهیر پیش از اسلام و سده‌های نخست اسلام یکی از جاذبه‌های گردشگری شهرری محسوب می‌شود. در این گزارش، علیرضا بیشه (رازی) پژوهشگر تاریخ، از تاریخچه و چهره‌های مدفون در این گورستان روایت می‌کند.

«دوازدهمین شهرری که در جهان بنا شد ری بود. قدمت این شهر تاریخی و باستانی همپایه شهر بابل است. حتی نقل شده ری از شهرهای آتن و بابل هم قدیمی‌تر است. در بعضی روایت‌های اسطوره‌ای آمده که پسر حضرت آدم و یا هوشنگ پسر طهمورث، نخستین پادشاه افسانه‌ای ایران، شهرری را بنا کردند. در کتاب اوستای زرتشت نقل شده که اهورا مزدا رگ یا ری را آفرید. یکی از ویژگی‌های این شهر باستان ایرانی و نهمین شهر تاریخی دنیا رونق زندگی و کسب‌وکار در آن است. البته پژوهشگران برای قدمت و سابقه حیات در شهرری هنوز به نظریه واحدی نرسیده‌اند؛ بعضی‌ها قدمت آن را بین ۵ تا ۶ هزار سال تخمین زدند، در صورتی که قدمت ۸ هزار ساله آن ثابت شده است.»

«علیرضابیشه (رازی)» پژوهشگر تاریخ، با این تعریف کوتاه از تاریخچه شهرری ادامه می‌دهد: «اگر کاوش‌های بیشتری در این شهر انجام شود قطعا آثار بیشتری درباره قدمت شهرری به دست می‌آید. حتی ممکن است سابقه سکونت در ری نسبت به شهر «اریحا» در فلسطین و «دمشق» سوریه هم بیشتر شود. در حال حاضر این دو شهر با ۱۱ هزار سال سابقه حیات به‌عنوان قدیمی‌ترین سکونتگاه بشری در جهان مشهور هستند که متأسفانه به شدت با خطر تخریب

از سوی داعشی‌ها و صهیونیست‌ها مواجه‌اند. شهرری در دوره اسلامی به شیخ البلاد معروف بوده است.»

گورستان ناشناخته ری

یکی از بخش‌های تاریخی و گردشگری شهرری که در مقایسه با سایر بناهای تاریخی در غبار فراموشی‌ها جامانده گورستان برین است. گورستانی در حوالی کوه بی‌بی شهربانو که در دل آن ۷۴ گور کشف شده است. «علیرضابیشه (رازی)» درباره گورستان برین توضیح می‌دهد: «گورستان کهن بالا قدیمی‌ترین گورستان شهرری است. این گورستان در همسایگی گورستان پایی است و به‌واسطه دیواری از فضای شهرری جدا شده است. گورستان در مثلثی قرار گرفته که خط‌نهایی آن به کوه بی‌بی شهربانو که قدیم به آن کوه ری می‌گفتند، متصل می‌شود. غرب آن به دیوار سوم و شرق آن به جاده معروف ابتهاج و شمال آن به کوه سرسره یا صفایی و کارخانه سیمان متصل می‌شود. از این گورستان با عنوان برین یاد می‌کنند؛ گورستانی که محل دفن زرتشتیان و افراد عادی پیش از اسلام هم بود. البته محلی‌ها به این گورستان برج خاموش یا دخمه زرتشتیان هم می‌گویند. دخمه زرتشتیان، مشرف به شهرک مشیریه در منتهی‌الیه قسمت

شمال شرقی کوه بی‌بی شهربانو است تا دوره قاجار هم کاربری داشت.»

گورستان اسرار آمیزی

گورستان زیرین، در همسایگی گورستان برین و از دیگر گورستان‌های تاریخی ری است که در دل آن ۱۱۸ گور شناسایی شده است. این گورستان آرامگاه مشاهیر و چهره‌های سرشناس تاریخ ایران و اسلام است. بیشه درباره این گورستان اسرارآمیز شهرری و ماجراهای آن توضیح می‌دهد: «گورستان زیرین از غرب با کوه بی‌بی شهربانو، از شمال با نهرهای آب روبه‌رو است و شرق آن با ارگ سلجوقی همسایه شده است و میان دو کوه بی‌بی شهربانو و نقاره‌خانه محصور شده است. همچنین گنبد اینانج از مهم‌ترین آثار تاریخی گورستان زیرین است. بر اساس روایت‌های نقل شده در این گورستان مسلمانان اولیه مدفون شدند.» به گفته بیشه، گورستان زیرین، فقط مربوط به مسلمانان نبود، آثار و شواهد حفاری‌های برجای مانده از این گورستان نشانگر دفن مردگان زرتشتی هم در این گورستان بوده است. او در این‌باره می‌گوید: «در این گورستان چهار روش مختلف تدفین و گور کشف شده است.

گورهایی با طرح مستطیلی و گورهایی که گنبد آنها مدور بوده است. گورهای مدور متعلق به مردگان زرتشتی است. زرتشتیان بعد از مرگ مردگان‌شان را دفن نمی‌کنند. آنها را سر کوهی می‌گذارند بعد از خورده شدن جسد آنها توسط پرندگان گوشت‌خوار، استخوان‌های مردگان خود را به‌صورت مدور دفن می‌کنند، چراکه معتقدند روح به‌صورت مدور گرد جسدش در چرخش است.»

در میان اهالی ری گورستان زیرین به گورستانی اسرارآمیز و پر از ماجراها و داستان‌های عجیب‌وغریب مشهور است. برای مثال در افسانه‌پردازهای قدیمی روایت شده که اسحاق ترک در ماوراء النهر قیام کرد برای ابومسلم

خراسانی الوهیت قاتل شد و گفت در کوه ری (بی‌بی شهربانو) پنهان شده و ظهور می‌کند.



نامداران مدفون در گورستان‌های زیرین

بر اساس کاوش‌های انجام‌شده و اسناد پژوهشگران، با توجه به سابقه حیات و زندگی در شهرری چهره‌ها و افراد مشهوری، از بزرگان و سیاستمداران تاریخی و دینی پیش و بعد از اسلام، در این گورستان زیرین مدفون هستند. اسامی تعدادی از این چهره‌ها به شرح ذیل است:

فخرالدوله: پسر رکن‌الدوله دیلمی، شاه آل بویه یکی از افرادی است که روایت می‌شود در گورستان زیرین دفن شده باشد.

ابوالمظفر خجندی: یکی از علمای اهل سنت «ابوالمظفر خجندی» بود. او در همان گورستان طبرک مدفون شد.

رکن‌الدین دیلمی: یکی از پادشاهان دیلمیان در ایران و عراق «رکن‌الدین دیلمی» پدر «فخرالدوله دیلمی» بود که در سال ۳۶۶ هجری قمری از دنیا رفت و در این گورستان مدفون شد.

مرداویج زیاری: پادشاه و بنیانگذار سلسله «آل زیار»، «مرداویج زیاری» بود که در جشن سده در حمام به دست غلامش در اصفهان کشته می‌شود. اما او را در ری و گنبد گبری دفن می‌کنند. مزار این پادشاه در عکاسی‌های دهه ۴۰ میلادی مشخص بود. او در سمت نقاره‌خانه میان کوه بزرگ و کوچک مدفون است.

برزجومید: بزرگ امید یا برزجومید از بزرگان زرتشتی بود که در دوره اسلامی در شهرری



زندگی می‌کرد و بعد از مرگش در دوران اسلامی اجازه ساخت مقبره را داشت.

امام شیبانی: «ابومحمد بن حسن شیبانی» معروف به «امام شیبانی» از فقهای اهل سنت و حنفیه بود. او همچنین شاگرد، «ابوحنیفه» و «ابو یوسف» از فقهای بزرگ دوران اسلامی بوده که با رئیس فقه شافعی هم مناظره می‌کند. زمانی به هارون الرشید نزدیک بود و مدتی هم مورد غضب او قرار می‌گیرد. در اواخر قرن دوم هجری به دیار باقی شتافت.

امیر حسام‌الدین سنقر اینانج: یکی از فرماندهان و حاکمان شهرری در زمان سلطان سنجر سلجوقی «امیر حسام‌الدین سنقر اینانج» بود. گنبد معروف اینانج که تخریب شده است آرامگاه این فرمانده و حاکم نامدار شهرری بوده است.

ابراهیم خواص: «ابواسحاق ابراهیم ابن احمد خواص» معروف به «ابراهیم خواص» از فقهای قرن سوم هجری بود. در زمان خلیفه المکتفی بالله زندگی می‌کرد. او در مسجد جامع مهدی ری بر اثر بیماری اسهال فوت کرد و زیر حصار طبرک هم دفن شد.

صاحب بن عباد: یکی از وزرای «فخرالدوله دیلمی»، «صاحب بن عباد» بود. اوسرا و کتابخانه مشهوری در شهرری داشت. سال ۴۰۶ قمری در گذشت و روایت شده در کتابخانه‌اش مدفون شده است.

نگاهی به تاریخچه آرامستان «حضرت عبدالعظیم حسنی» و مشاهیر مدفون در آن به روایت مهدی یساولی، پژوهشگر تاریخ

چگونه تفرجگاه باغ توتی گورستان شد



بهاره خسروی

باغ توتی آرامستانی است که در غرب آستان مقدس حضرت عبدالعظیم واقع شده و در دل آن بزرگان زیادی خفته‌اند. در گذشته اغلب در جوار بیشتر امامزاده‌ها باغ خرم و باصفایی وجود داشت تا زائران خسته با طی کردن راه طولانی سفر در دل جاده‌های خاکی بعد از یک دل سیر زیارت اهل قبور جایی را برای اتراف و استراحت و گشت‌وگذار و تفریح داشته باشند. باغ توتی یکی از همین نقاط چندمنظوره برای اهالی ری و تهرانی‌ها به حساب می‌آمد؛ در روزگاری که هنوز تهران استخوان نترکانده بود و تعداد اماکن تفریحی و زیارتی آن از انگشتان یک دست هم کمتر بود. هرچه که بود اما باغ توتی مدتی بعد با دفن تعدادی از بزرگان، چون قائم‌مقام فراهانی و جبران، همسر ناصرالدین‌شاه، به‌مرور تبدیل به آرامستان چهره‌های سرشناس سیاسی و فرهنگی ایران شد. در این گزارش، «مهدی یساولی» پژوهشگر تاریخ، درباره تاریخچه شکل‌گیری آرامستان باغ توتی برایمان می‌گوید.



در روزگاری که هنوز ابزارهای ارتباط جمعی و سفر کردن در تهران و همسایه آن هنوز چندان پیشرفته نبود، مردم اغلب برای زیارت به آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی سفر می‌کردند. در جوار این بارگاه مقدس باغی با عنوان باغ توتی بود. «مهدی یساولی» پژوهشگر، این را می‌گوید و درباره اهمیت درختان توت و نذر مردم در جوار امامزاده‌ها توضیح می‌دهد: «درخت توت در فرهنگ ایران از هزاران سال پیش تا امروز همیشه محبوب بوده است. کاشتن بسیاری از درختان توت در مسیر حرکت کاروان‌ها بر مبنای ادای نذری بوده؛ دلیلش هم نگهداری ساده و راحت از درخت و اینکه نیازی به آبیاری نداشته و از طرفی میوه‌اش هم شیرین و شست‌وشو و پوست‌کندن آن آسان است. به این ترتیب، کاشت درخت توت راحت‌ترین نذر بود و اغلب در فصل بهار و ماه‌های اردیبهشت و خرداد که آب‌وهوا برای سفر مساعد است این نذر را ادا می‌کرده‌اند. بر این اساس، در تهران، در مسیر جاده کن به امامزاده داود و نیز در مسیر ری به سمت حرم عبدالعظیم حسنی درختان توت کاشته می‌شد.»

باغ توتی؛ آرامگاه مشاهیر هنوز هم اگر در میان خاطرات قدیمی‌های شهری به‌ویژه زائران حرم حضرت عبدالعظیم حسنی سرک بکشیم نوستالژی‌های سفر به ری و گشت‌وگذار در دل باغ توتی مجاور حرم از بخش‌های شیرین خاطرات روزهای کودکی و جوانی‌شان است. یساولی با اشاره به این موضوع درباره باغ توتی توضیح می‌دهد: «باغ توتی در غرب آستان مقدس حضرت عبدالعظیم یکی از بخش‌های پرطرفدار گردشگری در ری برای زائران بود. بسیاری از زائران بعد از زیارت در همین باغ توتی اتراف و تفریح می‌کردند، اما کم‌کم این باغ به فضایی برای دفن مردگان تبدیل شد؛ باغی که در آن قبر چندصدساله هم یافت می‌شود. در باغ توتی چهره‌های مشهور سیاسی و فرهنگی در کنار هم آرمیده‌اند. «عبدالحسین میرزا فرمانفرما» از مشهورترین کنشگران سیاسی و اجتماعی قاجار و پهلوی اول، «علی‌اصغر حکمت» وزیر معارف رضاشاه و «ستارخان» و مشاهیر دیگری که روزگاری در تاریخ ایران اثرگذار بوده‌اند در این باغ خفته‌اند.»

مشاهیر معروف آرامستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

از اینکه باغ توتی در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم دقیقاً از چه تاریخی تبدیل به آرامستان شد، اطلاعات دقیقی در دست نیست. در بعضی روایت‌ها آمده که بعد از مدفون شدن جبران، همسر محبوب ناصرالدین‌شاه،

این باغ تبدیل به آرامستان شد، آن هم برای اینکه ناصرالدین‌شاه وصیت کرده بود تا در جوار همسرش جبران دفن شود. البته بعد از ترور ناصرالدین‌شاه و تدفین او باغ توتی تبدیل به آرامستان شد و چهره‌های سیاسی و فرهنگی در آن به خاک سپرده شدند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آرامستان‌های تاریخی شهری، در روزگاری که هنوز بهشت‌زهر(س) در تهران شکل نگرفته بود، آرامیدن چهره‌های سرشناس معاصر، با عقاید مختلف از هر طیف سیاسی و فرهنگی، در این محل در کنار هم است.

افرادی که روزگاری در کرسی مقابل هم در جدل و ستیز بودند، اما در یک آرامستان ساکت و خاموش در کنار هم خفته‌اند. در این بخش تعدادی از مشاهیر مدفون در آرامستان حضرت عبدالعظیم حسنی به‌اختصار معرفی می‌شود.

قائم‌مقام فراهانی: «سید ابوالقاسم قائم‌مقام‌زاده»

صدراعظم محمدشاه قاجار و پیشکار عباس میرزا، ولیعهد محبوب قجری‌ها، سال ۱۱۵۸ خورشیدی در هزاه اراک متولد شد. این ادیب سیاستمدار از شخصیت‌های برجسته ایرانی در دیپلماسی بین‌المللی ایران با کشورهای همسایه و ابرقدرت‌های قرن سیزدهم بود. او در سال ۱۲۱۴ خورشیدی بر اثر توطئه نزدیکان محمدشاه در باغ نگارستان زندانی شد و بعد از چند روز در همان باغ به دستور محمدشاه خفه‌اش کردند.

فروغ السلطنه: «خدیجه تجریشی»

معروف به فروغ السلطنه، همسر محبوب ناصرالدین شاه بود. او دختر باغبان و نجاری به نام محمدعلی از اهالی قریه تجریش در نزدیکی تهران بود. صریح‌اللهجه بود و علاقه‌مند به شکار و اسب‌سواری؛ زمان سواری کاری اغلب چکمه و لباس مردانه می‌پوشید و روپندش را دور سرش می‌پیچید. به دلیل چشم‌های بزرگش شاه او را جبران، در زبان ترکی به معنای آهو، می‌نامید.

ناصرالدین‌شاه: «ناصرالدین میرزا»

سلطان صاحبقران ایرانی چهارمین پادشاه قجری در ایران بود. پادشاهی خوش مشرب، شاعر، نویسنده و اهل گشت‌وگذار در

ینگه‌دنها؛ بسیاری از نخستین ابزارها و نشانه‌های پیشرفت و گشایش پنجره‌های نوگرایی در سبک زندگی در دوران این پادشاه به ایران آمد. او بیش از نیم‌قرن بر ایران سلطنت کرد و با افتخار خود را پادشاه صاحبقران ایرانی دانست. او در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۲۷۵ به دست میرزا رضای کرمانی کشته شد به همین دلیل عنوان شاه شهید را گرفت.

ستارخان: «ستارخان قراچه‌داغی»

سال ۱۲۴۵ در روستای سردارکندی تبریز متولد شد. او سومین پسر حاج حسن قره‌باغی بود. ستارخان از سردمداران مشروطه‌خواهی بود و در مقابل قشون محمدعلی شاه بعد از به توپ بستن مجلس و حمله آنها به تبریز برای دستگیری مخالفان همراه با باقرخان در تبریز مقاومت کرد. این مقاومت با همراهی مردم یک سال زمان برد و از گزند نیروهای حکومتی تبریز در امان بود؛ به همین دلیل به او لقب سردار ملی دادند.

سید مجتبی تهرانی: «مجتبی شهیدی کلهری»

معروف به حاج‌آقا مجتبی تهرانی، در فروردین ۱۳۱۶ در تهران متولد شد. حاج‌آقا تهرانی از استادان حوزه‌های علمیه تهران به‌ویژه مدرسه مروی بود. پدر این مرجع تقلید تهرانی «میرزا عبدالعلی تهرانی» از شاگردان «عبدالکریم حائری یزدی» بود. مرحوم تهرانی از نخستین افرادی بود که به‌رغم مخالفت‌های حکومتی برای سید «مصطفی خمینی» فرزند امام، مراسم ختم برگزار کرد. این عالم ربانی بیش از ۴۰ سال در تهران درس فقه تدریس می‌کرد و در سال ۱۳۹۱ در گذشت.

علی‌اصغر حکمت: «علی‌اصغر حکمت»

وزیر معارف دوره پهلوی اول سال ۱۲۷۱ در روستای پیراشکفت فارس متولد شد. این سیاستمدار، ادیب، شاعر، مترجم و نویسنده نخستین رئیس دانشگاه تهران و بنیانگذار کتابخانه ملی و نشریه فروغ تربیت بود. حکمت نقش مهمی در گسترش و توسعه آموزش نوین در ایران را داشت. او در شهریور سال ۱۳۵۹ در گذشت.

عبدالله مستوفی: نویسنده کتاب معروف «شرح زندگانی من»، «عبدالله مستوفی»

سال ۱۲۵۵ در تهران متولد شد. از رجال درباری قاجاری و پهلوی بود و سال‌ها استاندار آذربایجان. او کارمندی وزارت امور خارجه در کنسولگری ایران در روسیه را تجربه کرده بود. مستوفی در ترجمه هم دستی بر آتش داشت و ترجمه کتاب «انقلاب کبیر فرانسه» از مهم‌ترین آثار اوست. عبدالله مستوفی در سال ۱۳۲۹ در گذشت.

عبدالحسین فرمانفرمائی‌ان: «عبدالحسین میرزا فرمانفرما»

سال ۱۳۳۱ در تبریز متولد شد. در دوره احمدشاه بر کرسی نخست‌وزیری نشست. خانواده‌های فیروز و فرمانفرمائی‌ان از جمله خانواده‌ای منتسب به این شاهزاده قاجاری بودند. با روی کار آمدن سلسله پهلوی به‌تدریج از ثروت و قدرت سیاسی او کاسته شد. عبدالحسین میرزا فرمانفرما در سال ۱۳۱۸ در تهران درگذشت.

آیت‌الله کاشانی: «سید ابوالقاسم کاشانی»

سال ۱۲۵۴ در تهران متولد شد. او از افراد فعال سیاسی در دهه ۲۰ و ۳۰ بود. عضویت در مجلس مؤسسان، نماینده ادوار ۱۴، ۱۶، ۱۷ مجلس شورای ملی از حوزه تهران از مسئولیت‌های این روحانی بود. او نقش مهمی در کودتای ۲۸ مرداد و دعوت مردم در خیابان‌ها برای طرفداری از دکتر محمد مصدق داشت. او در اسفند سال ۱۳۴۰ در گذشت.

علی رزم‌آرا: «علی رزم‌آرا»

۱۰ فروردین سال ۱۲۸۰ در تهران متولد شد. پدر رزم‌آرا از افسران تحصیل کرده قزاق‌خانه بود. او ابتدا علی را به مکتب‌خانه و سپس به مدارس الیاس، اقدسیه و دارالفنون فرستاد. علی با درجه سپهبدی نخست‌وزیر ایران بود. اما در ۱۶ اسفند سال ۱۳۲۹ از سوی یکی از اعضای گروه فداییان اسلام، «خلیل طهماسبی»، در مسجد شاه ترور شد.

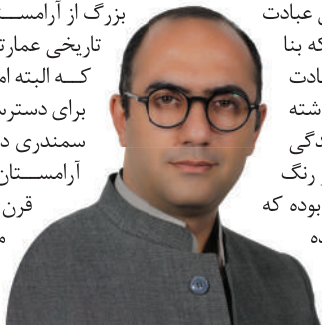


نگاهی به هویت کسانی که آرامستان امامزاده عبدالله ری^(۴) خفته‌اند به روایت پیمان سمندری، پژوهشگر فرهنگ ایران

آرامستان تاریخ‌سازان ایران

بهاره خسروی

شخصیت برجسته‌ای که در آستان مقدس مشهور به امامزاده عبدالله به خاک سپرده شده، در اصل «ابوعبدالله حسین بن عبدالله ابیض» (علیه‌السلام) نام دارد که با پنج واسطه نسب ایشان به حضرت امام علی بن الحسین زین العابدین (علیه‌السلام) می‌رسد، اما همه ما شخص مدفون در این بارگاه را با نام کنیه‌اش «عبدالله» می‌شناسیم. در واقع این اشتباهی تاریخی است که در میان مردم باب شده و این دو شخصیت را که در واقع پدر و پسر هستند یکسان گرفته‌اند. پیمان سمندری، پژوهش‌گر تاریخ و فرهنگ مردم با اشاره به این موضوع چنین بیان می‌کند: «گویا ابوعبدالله حسین بن عبدالله ابیض بسیار اهل عبادت و دعا و نیایش بوده تا جایی که بنا بر برخی روایت‌ها به سبب عبادت فراوان چهره‌ای بسیار سفید داشته که یا در اثر ضعف و رنگ‌پریدگی بوده که رخ ایشان چنین تغییر رنگ داده یا موجب آن نورانی‌تی بوده که از قلب وی به چهره‌اش رسیده و چنین است که به او لقب



ابیض را داده‌اند.» به گفته سمندری، خانواده این سلاله پاک پیامبر(ص) در نبرد ظلم‌ستیزی با حاکمان دوران خود بسیار شهره بوده‌اند و اغلب در جنگ و جدال با ستمگران حاکم عباسی عمر خویش را صرف کرده‌اند و به همین دلیل بسیاری از ایشان یا به شهادت رسیده اسیر یا ناگزیر از ترک سرزمین خود و مهاجرت به مناطقی مانند قم و ری شدند.

آرامستانی‌باشکوه

بنای تاریخی امامزاده عبدالله یکی از آرامستان‌های شایان توجه در میان بخشی بزرگ از آرامستان‌های ایران است. این بنای تاریخی عمارتی چهار ایوانی داشته است که البته امروزه تنها از یکی از ایوان‌ها برای دسترسی به بارگاه استفاده می‌شود. سمندری در ادامه توضیح می‌دهد: «این آرامستان که یادگار دوران صفویان و قرن یازدهم هجری است، همواره مورد توجه بسیاری از رجال و پادشاهان و همچنین

مردم از گروه‌های مختلف بوده است. برای نمونه، ناصرالدین‌شاه ناصرالدین‌شاه دستور بازسازی و مرمت آن را می‌دهد در این بقعه، دستور بازسازی و مرمت آن را می‌دهد. این بقعه در چند مرحله دچار تغییراتی می‌شود و آرایه‌ها و اجزایی به آن افزوده می‌شود. از جمله در حدود سال‌های ۱۲۷۴ هجری قمری و پس از آن توسط افرادی مانند میرزا کاظم خان نظام‌الملک یا پسر حاج میرزا آق‌نوری، صدر اعظم وقت، بازسازی‌هایی در آن انجام پذیرفته و تزیین‌هایی به این بقعه افزوده شده است.» او در ادامه افزود: «هم‌چنین بازسازی‌هایی در این بقعه انجام شده که نمونه‌ای بسیار شایسته و قابل توجه از کار مرمت در میان بناهای آرامگاهی و زیارتگاه‌های مذهبی به شمار می‌رود که تا امروز هم فضای داخلی آن برای هر بیننده‌ای، چشم‌نواز و ستودنی است.»



در گذشته‌های نه‌چندان دور سرسبزی زمین و سایه‌گستری درختان موجود در حوالی آرامگاه حضرت امامزاده ابوعبدالله، یکی از جاذبه‌های تفریحی و تفرج‌گاه‌های عمومی برای ساکنان تهران و ری بود

جایی برای تفرج و زیارت اهل قبور

در گذشته‌های نه‌چندان دور سرسبزی زمین و سایه‌گستری درختان موجود در حوالی آرامگاه حضرت امامزاده ابوعبدالله، یکی از جاذبه‌های تفریحی و تفرج‌گاه‌های عمومی برای ساکنان تهران و ری و نواحی اطراف آن بوده است. شاید یکی از دلایل شکل‌گیری و پررونق شدن این آرامستان در دل امامزاده در همین نکته نهفته باشد. سمندری درباره نحوه شکل‌گیری آرامستان حومه امامزاده عبدالله چنین توضیح می‌دهد: «اطراف بقعه امامزاده عبدالله پر درخت و خوش و آب و هوا بود. بیشتر زائران علاقه‌مند بودند بعد از زیارت در زیر سایه همین درختان ساعتی خوش و آرام را در کنار اعضای خانواده و درگذشتگان خود سپری کنند. این استقبال به مرور زمان باعث شد تا درگذشتگان بیش‌تری در کنار این درختان باصفا صاحب مزار شوند و این‌علاقه‌مندی به قشرهای دیگر اجتماعی هم سرایت پیدا کرد.»

محل گردهمایی چهره‌هایی از همه گرایش‌ها

یکی مهم‌ترین جاذبه‌های آرامستان امامزاده عبدالله، مدفون بودن چهره‌های مهم سیاسی، فرهنگی و هنری است؛ چهره‌هایی که هرکدام در تاریخ ایران نقشی حایز اهمیت داشته‌اند. «پیمان سمندری» در این باره می‌گوید: «در واقع باید از این آرامستان به‌عنوان آرامستان و موزه تاریخ‌سازان ایران یاد کرد. نکته جالب‌تر اینکه در این آرامستان، چهره‌ها و تاریخ‌سازانی موافق و مخالف و با انواع گرایش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کنار یکدیگر آرمیده‌اند و دیگر مشکلی هم با هم ندارند! ماجراهای زندگی و وقایع جالب و سرنوشت چهره‌های مدفون در آرامستان امامزاده عبدالله بی‌شمارند.»

ماجرای یکسان‌سازی مزارها

موضوع یکسان‌سازی مزارهای آرامستان امامزاده عبدالله یکی از ماجراهایی بود که چند سال پیش در این گورستان اتفاق افتاد و باعث اعتراض بسیاری از خانواده‌های متوفیان شد. پیمان سمندری در این باره می‌گوید: «این آرامستان محل دفن ستاره‌ها و خاندان‌های بزرگ ایرانی است. از دهه ۵۰ به بعد اجازه دفن هیچ فرد جدیدی در آرامستان امامزاده عبدالله صادر نشد مگر کسانی که در آن مقبره خانوادگی داشتند. به مرور زمان اختلاف سطحی میان قبور و سنگ قبرها در آرامستان امامزاده عبدالله ایجاد شد بهانه‌ای برای یکسان‌سازی قبور شد اما مورد اعتراض قرار گرفت چرا که این موضوع با هویت آرامستان در تضاد قرار گرفت. همین موضوع باعث اعتراض بسیاری از خانواده‌های متوفیان شد که این مشکل را با مرمت قبور و نصب دوباره سنگ گورها تا اندازه‌ای برطرف کردند.»



مشاهیر مدفون در آرامستان امامزاده عبدالله^(۴)

در این بخش از تعدادی چهره‌های سرشناس آرامستان امامزاده عبدالله یاد کنیم



عمادالکتاب: «میرزا محمد

حسین سیفی قزوینی» معروف

به «عمادالکتاب» یکی از بزرگان

خوش‌نویسی ایران و از نام‌آوران

مدفون در آرامستان امامزاده عبدالله است.

او نخستین آموزشگاه خوش‌نویسی را در خیابان

ناصرخسرو تهران راه‌اندازی کرد و همچنین سال‌ها

معلم مشق احمدشاه قاجار بود و شاگردانی فراوان

داشت.

نیما یوشیج: در زمان درگذشت «علی

اسفندیاری» با نام هنری «نیما

یوشیج»، پدر شعر نو فارسی، تا سال

۱۳۷۲ خورشیدی، پیکر وی در

گورستان امامزاده عبدالله آرمیده بود تا

اینکه بعدها و با فراهم آمدن شرایط، مزار و

پیکر به زادگاهش انتقال یافت.

عبدالحسین تیمورتاش: یکی رجا نامدار

دوران قاجار و پهلوی اول و از مهره‌های

اثرگذار و همراهان رضا شاه بود. عبدالحسین

تیمورتاش نخستین وزیر دربار رضاشاه

بود و هم‌زمان در سیاست خارجی

ایران نقشی چشم‌گیر داشت، اما

قدرت‌گیری روزافزون و پیشروی‌های

تیمورتاش چندان به مذاق رضا شاه

خوش نیامد و چند سال بعد مورد غضب

قرار گرفت و در ۱۳۱۲ در زندان قصر کشته

شد.

شیخ خزعل: یکی از سران قدرتمند و پراوازه

اقوام عرب خوزستان و نواحی جنوبی ایران

بود. او یکی از مخالفان سرسخت

رضاشاه بود که همراه عده‌ای

در مخالفت با او کمیته سعادت

خوزستان را تشکیل دادند، اما

توسط رضاشاه سرکوب شدند. او به

فرمان رضاشاه دستگیر شد و به قتل رسید و

جنازه او تا سال‌ها به امانت در امامزاده عبدالله

مدفون بود.



نگاهی به هویت و شکل‌گیری
آرامستان ابن‌بابویه و جاذبه‌های گردشگری آن

سیاسی‌ترین گورستان تهران

بهاره خسروی

آرامستان ابن‌بابویه بزرگ‌ترین گورستان شهرری و دومین گورستان بزرگ تهران و نام آن بر گرفته از نام محمد بن علی بن بابویه معروف به «شیخ صدوق»، یکی از فقها و دانشمندان شیعه است. پیدا شدن جسد سالم این عالم شیعه در زمین‌های کشاورزی ری و تبدیل آن به گورستان حکایت جالبی دارد. اگر علاقه‌مند به مطالعه و آشنایی با مشاهیر و بزرگان ایران هستید حتما سری به گورستان ابن‌بابویه بزنید، گورستانی که هر چهره خفته در آن برگه‌ای از تاریخ ایران با فعالیت و کارهای خود نوشتند. در این گزارش «علی شهیدی» محقق آرامستان‌ها، برای ما از هویت و چهره‌های آرامستان ابن‌بابویه و جاذبه‌های گردشگری آن روایت می‌کند.



روایت شده که آرامگاه شیخ صدوق در گذر زمان و در اثر وقایعی چون حمله مغولان و جنگ‌های خوارزمشاهیان و تیموریان و نیز عوامل طبیعی چندین بار ویران شد و به همین دلیل سال‌ها در دل خاک پنهان بود تا اینکه در دوره ناصرالدین شاه جسد سالم او را یافتند و هویتش از طریق سنگ قبری که نزدیک جسد قرار داشت معلوم شد و به مرور گورستان ابن‌بابویه در کنار مزار او شکل گرفت.

درختان کاج و چنار سایبان قبرها

گورستان ابن‌بابویه وسعتی به اندازه ده هکتار دارد. درختان کاج و چنار این آرامستان سایبان خوبی برای مزارها و حفظ آنها از گرند گرمای خورشید و سوز زمستانی است. با کمی گشت‌وگذار در دل این آرامستان قدیمی متوجه می‌شوید که در آن چهره‌های نامدار عرصه‌های علم، دین، سیاست، فرهنگ، هنر، ورزش و... آرامیده‌اند. عمر این گورستان حداقل ۱۵۰ سال است. از نخستین چهره‌های مدفون در این



علی شهیدی
محقق آرامستان‌ها

گورستان میرزا عبدالباقی منجم‌باشی لنگرودی در گذشته به سال ۱۲۸۷ ق است که اکنون اثری از گور او بر جای نیست. مرحوم دکتر «محمد مصدق» از جمله افرادی بود که وصیت کرده بود در گورستان ابن‌بابویه دفن شود، اما از عمل به وصیت او مبنی بر دفن در کنار شهدای سی‌تیر جلوگیری شد.

محل قرارهای جبهه ملی

گورستان ابن‌بابویه یکی از مکان‌های گردهمایی‌های سیاسی بوده است. «علی شهیدی» محقق آرامستان‌ها در این باره می‌گوید: «برخی سال‌ها فعالان سیاسی هوادار نهضت ملی به بهانه برگزاری سالگرد قیام سی‌تیر در قطعه‌سی‌تیر گرد هم می‌آمدند که این گردهمایی‌ها بعضاً به بازداشت شرکت‌کنندگان می‌انجامید. ضمن اینکه تدفین برخی رهبران و فعالان نهضت ملی هم چون سیدحسین فاطمی، دکتر غلامحسین صدیقی و حاج حسن شمشیری در گورستان ابن‌بابویه هویتی سیاسی به این گورستان داده است.



نامداران آرامستان ابن‌بابویه

آشنایی با مشاهیر عصر حاضر ایران یکی از جاذبه‌های گردشگری آرامستان ابن‌بابویه است. نامدارانی که روزی در حساس‌ترین تصمیم‌گیری و سیاست‌های داخلی و جاری کشور نقش اثرگذاری داشتند. از تعدادی آنها به اختصار یاد می‌کنیم.

محمدعلی فروغی:

«محمدعلی فروغی» مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار، نماینده و رئیس مجلس، رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر در دوره‌های قاجار و پهلوی یکی از چهره‌های سیاسی آرامستان ابن‌بابویه است. این سیاستمدار که پایه‌گذار نخستین فرهنگستان ایران و نخستین رئیس آن بود در زمینه‌های ادبیات، تاریخ و فلسفه آثاری را تألیف، ترجمه یا تصحیح کرد و منتشر ساخت.

غلامرضا تختی:

جهان پهلوان و ورزشکار افتخارآفرین ایرانی در سال ۱۳۰۹ در محله خانی‌آباد تهران متولد شد. او و امامعلی حبیبی در رقابت‌های المپیک ۱۹۵۶ برای نخستین بار برای ورزش ایران مدال طلای المپیک به ارمغان آوردند. تختی پرافتخارترین ورزشکار ایرانی است که بیشترین تعداد مدال را در رقابت‌های المپیک و بازی‌های جهانی کسب کرده است. او برای ورزشکاران ایرانی نماد فتوت و جوانمردی و پهلوانی است. ماجرای زلزله بوئین زهر و اقدام او به جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای زلزله‌زدگان در خاطره‌ها باقی است.

حسین بهزاد:

نقاش، مینیاتوریست و کارمند اداره فنی کل باستان‌شناسی بود. این هنرمند استاد مینیاتور هنرستان هنرهای زیبا بود و خانه او در تهران و محله جهموری «خیابان شهید نو فلاح» قرار داشت که در گذشته به خیابان حسین بهزاد مشهور بود. بهزاد در سال ۱۳۴۷ درگذشت. آثار نقاشی او در یکی از کاخ‌های مجموعه سعدآباد در معرض نمایش دائمی است.

مرشد چلوپی:

«حاج میرزا احمد عابد نهاوندی» سال ۱۲۶۷ در نهاوند متولد شد. در کنار مسجدجامع بازار مغازه چلوکبابی داشت و چون به پندواندرز مردم و مشتریان خود می‌پرداخت در میان مردم به مرشد چلوپی شهرت یافت. مرشد چلوپی مردی شاعر و عارف مسلک بود. جلسه‌های سخنرانی و درس اخلاق برگزار می‌کرد و با زبان شعر پند و اندرز راه و رسم زندگی اسلامی را آموزش می‌داد. او در سال ۱۳۵۷ در سن ۹۰ سالگی در گذشت.

سید حسن رزاز:

«سیدحسن شجاعت» معروف به رزاز از پهلوانان ورزش باستانی ایران بود که به دلیل حرفه‌اش برنج‌فروشی در میان مردم تهران به رزاز شهرت داشت. در جریان مشروطیت به دلیل همراهی با مشروطه‌خواهان به زندان افتاد و در دوران آشفتگی حکومت احمد شاه با هزینه شخصی در مسابقات جهانی روسیه و سوئد شرکت کرد و به موفقیت‌هایی هم رسید.

رجبعلی خیاط:

رجبعلی نکوگویان معروف به خیاط عارف نامدار ایرانی است که به دلیل اشتغال به خیاطی به «رجبعلی خیاط» معروف بود. شاگردان و ارادتمندانی داشت که برای ایشان درس اخلاق و جلسات دعا و توسل برگزار می‌کرد. در ۲۲ شهریور سال ۱۳۴۰ درگذشت و آرامگاهش در ابن‌بابویه مورد توجه و زیارتگاه است.

فخرالدوله:

«شرف‌الملوک فخرالدوله» دختر مظفرالدین شاه یکی از بانوان نامدار خاندان قاجار و مادر علی امینی نخست وزیر دوره پهلوی، خواهرزاده «عبدالحسین میرزا فرمانفرما» و دختر خاله دکتر «محمد مصدق» است و گفته شده که بعد از به تخت نشستن رضاشاه و به اشاره او قاجاریه را از رویارویی با شاه جدید بر حذر داشت و منصرف کرد.

محمدحسن شمشیری:

«حاج محمدحسن شمشیری» متولد ۱۲۷۳ش در تهران از بازاریان ثروتمند و حامیان بزرگ جبهه ملی و صاحب چلوکبابی شمشیری در سبزه‌میدان بود. این چهره سرشناس در ماجرای نهضت ملی شدن صنعت نفت از پشتیبانان دکتر مصدق در بازار تهران بود. او در سال ۱۳۴۰ درگذشت.

حیدر رقابی:

«حیدر علی رقابی» سراینده ترانه معروف مرا ببوس در سال ۱۳۱۰ متولد شد. او از فعالان سیاسی سال‌های نهضت ملی و از طرفداران دکتر مصدق و جبهه ملی بود. در سال ۱۳۶۶ش درگذشت و در کنار شوهر خاله‌اش حاج حسن شمشیری به خاک سپرده شد.

چهره نام آشنای قرن حاضر

بیت معروف «آنچه خوبان دارند تو یک جا داری» در واقع مصداق آرامستان ابن‌بابویه و مردگان آن است که مانند یک کتاب تاریخی ارزشمند و پرصفحه در کنار هم آرامیده‌اند. شهیدی درباره چهره‌های مشهور این آرامستان می‌گوید: «دهخدا، اشرف‌الدین گیلاتی، میرزاده عشقی، غلامرضا تختی، بانو فخرالدوله از شاهزادگان قاجار، شیخ رجبعلی خیاط، میرزا ابوالحسن جلوه و ده‌ها چهره نامدار دیگر در این آرامستان مدفونند که در عرصه‌های مختلف نقش آفرین بوده یا آثار ماندگاری از خود به جای گذاشته‌اند.»



برخی چهره‌های خفته در آرامستان ابن‌بابویه

- حسین فاطمی
- رحیم مؤذن‌زاده اردبیلی
- علی اکبر دهخدا
- ابوالحسن جلوه
- محمدعلی فروغی
- رکن‌الدین مختاری
- وحدت کرمانشاهی
- دکتر محمدخان کرمانشاهی
- محمدباقر میرزا خسروی کرمانشاهی
- حسین بهزاد
- میرزاده عشقی
- هادی اسلامی
- احمد هاشمی
- صادق قطب‌زاده
- میرزا ابوالفضل عنقای طالقانی
- اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال
- غلامحسین صدیقی
- اشرف‌الملوک فخرالدوله دختر (مظفرالدین شاه قاجار)
- فیروز فیروز نصرت‌الدوله
- سیدرضا دربندی
- محمدصادق کوپال
- احمد ناظرزاده کرمانی
- حیدر رقابی
- محمود محمود
- فاطمه سیاح



شهردار منطقه ۲۰ از نتایج برنامه جامع استراتژیک ری می‌گوید

ممانعت از آسیب‌های بافت تاریخی با مدیریت جامع شهری

رابعه تیموری

مدیریت چندپارچه بافت تاریخی شهرری تیغ دولبه‌ای است که در کنار معایب و آثار نامبارک خود، خالی از فایده نیست. این امر فرصتی را به وجود می‌آورد که با بهره‌گیری از پتانسیل دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مختلف ظرفیت قابل توجهی برای رسیدگی به منابع تاریخی ایجاد شود. مدیریت شهری منطقه ۲۰ یکی از متولیان رسیدگی به بافت تاریخی شهرری است. شهردار منطقه ۲۰ معتقد است رسیدگی به اماکن تاریخی موجب رونق اقتصادی شهرری می‌شود. گفت‌وگو با «فرهاد افشار» را می‌خوانید.

◀ نبودن مدیریت یکپارچه شهری و تعدد مراجع تصمیم‌گیری بر هویت شهرری و بافت تاریخی آن آسیب‌های زیادی وارد کرده است. برای کاهش این آسیب‌ها چه تعاملات میان بخشی با سایر متولیان شهر دارید؟

در سال گذشته برنامه جامع استراتژیک با لحاظ کردن اسناد بالادستی توسعه شهرستان ری به‌عنوان سند چشم‌انداز و با در نظر گرفتن نقش همه سازمان‌ها و ادارات شهر تدوین شد و با رعایت سرفصل‌های این سند، موضوع مدیریت جامع شهری که نیاز توسعه شهرری است، محقق می‌شود و با همیاری و کمک دیگر دستگاه‌های اجرایی اقدامات لازم صورت می‌گیرد.

◀ با توجه به ظرفیت‌های گردشگری شهرری برای رشد صنعت توریسم و توسعه این ظرفیت‌ها چه اقداماتی انجام شده است؟

مدیریت شهری منطقه ۲۰ در زمینه بسترسازی برای توسعه خدمات توریستی نقش تسهیل‌گری دارد. سیاستگذاری در طرح تفصیلی و بهسازی محیطی فضاهای پیرامونی آثار تاریخی از جمله

خدماتی است که با همین رویکرد انجام می‌شود. به‌طور کلی اقدامات مدیریت شهری با هدف ارائه زنجیره‌ای از خدمات توریستی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود و رعایت مقررات اماکن و فضاهای تاریخی و کمک به نگهداشت آثار و ابنیه تاریخی با تولیت وزارت میراث فرهنگی و گردشگری از اصول این اقدامات به شمار می‌آید.

◀ هویت تاریخی منطقه ۲۰ تا چه اندازه در رشد اقتصاد این منطقه تأثیرگذار است؟

شهرداری‌ها در اقتصاد شهری نقش مؤثری ندارند، ولی تلاش کرده‌ایم با آینده‌نگری و حفظ بناهای تاریخی زمینه افزایش گردشگر و رونق اقتصادی ناشی از خدمات گردشگری را فراهم کنیم.

◀ چرا به تاریخ کهن و تمدن بزرگ ری به‌صورت شایسته توجه نشده است؟

متأسفانه با وجود اینکه ری در مسیر توسعه در دیپلماسی شهری برگ‌های زرینی دارد توانسته همپای تهران توسعه یابد و به واسطه مغفول ماندن این جایگاه، ری از نظر اقتصادی در جایگاه پایینی قرار گرفته است که

همت و مشارکت مردم و دیگر بخش‌های اجرایی را می‌طلبد. مشارکت و همدلی اهالی ری برای ارتقای مطالبات خود در راستای توسعه همه جانبه این شهر نقش مؤثری دارد و به اثربخشی خدمات مدیریت شهری کمک می‌کند.



تلاش کرده‌ایم با آینده‌نگری و حفظ بناهای تاریخی زمینه افزایش گردشگر و رونق اقتصادی ناشی از خدمات گردشگری را فراهم کنیم

مدیریت شهری منطقه در حفظ هویت تاریخی بناها چه نقشی داشته است؟ متولی بناها و آثار تاریخی، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری است،

اما با توجه به محدودیت‌های منابع این وزارتخانه، شهرداری منطقه ۲۰ در نگهداشت آثار تاریخی مانند بازآفرینی کاروانسرای شاه عباسی، ساخت پیاده‌راه حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، بازسازی مسیر منتهی به استودان، برج اینانج و تپه میل و دیگر آثار تاریخی مؤثر بوده است.

◀ هویت تاریخی محله نفرآباد در طرح توسعه حرم آسیب زیادی دیده است. برای ترمیم این محله و احیای هویت تاریخی آنچه برنامه‌ای دارید؟

در طرح توسعه حرم پیش‌بینی شده بود که محله نفرآباد به باغ گورستان (گورباغ) تبدیل شود. برای بازآفرینی این محله و بازگشت کیفیت زندگی به آن طرح تفصیلی تهیه شده که در آن بر حفظ هویت تاریخی و میراثی محله نفرآباد و خانه‌های واجد ارزش محله تأکید شده است.

◀ مرکز ری‌شناسی از مکان‌های شاخص منطقه است که دچار حریق شد. بازسازی آن در چه مرحله‌ای است و پس از نوسازی فعالیت آن مانند گذشته خواهد بود؟

مرکز ری‌شناسی کانونی برای فعالیت‌های هنری و فروش محصولات فرهنگی بود و حریق به وجود آمده باعث رویکرد جدید

در فعالیت این مرکز شد. بنابراین این مرکز محلی به‌عنوان کانونی برای شناسایی ظرفیت‌های هنری و فرهنگی منطقه ۲۰ خواهد شد و تاریخچه ری را در ۱۰ مرحله به نمایش خواهد گذاشت.



1400



تیپہ و آتشکدہ میل

۱۲ کیلومتری جنوب شرقی به سوی ورامین بر پستی دیده ای پهن در زمین مسطح فلهه نو پیدای کاخی
عظیم واقع است که به نوبه نام شهیدوار گردیده است. این اثر در تاریخ ۱۳۱۳۳۳ هـ شماره ۷۰۹
فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است و ریشه نام این چهار ضلعی بنوعی از نشانه که
چهار ضلع به نام دی سوسن آن شهر بر وجهه شرقی استساقی غربی را می توان رفت در قسمت
زین مجموعه یک افزونی که عرض وجود دارد که براساس طول بنا را می بیند یک پای معماری نیمه
میل از ساختار مستطیل از گل، حشمت، لاشه سنگ، آجر و ساروج و از نظر قدمت متعلق به دوره
صفویان است.



برج نقاره خانه

در ادامه جنوبی، کوه نظاره خانه (طبرک) ابرج نظاره خانه به صورت هشت ضلعی ساخته شده و دارای سوله‌ای آن است که توسط راهرویی که در میون ساخته شده به زیر برج ارمی باشد برج نظاره خانه دارای ساختاری متشکل از لانه شقایق و کج و منکب آن برپاست آخر کاری به همراه لوس های جانبی، برپایی می باشد و از نظر قدمت برج نظاره خانه متعلق به دوره سلجوقیان است.



دژ رشکان

یکی از زخا و فداهای محافل حسنه اولیه ری به شمار می‌رفت. این دریا سختیاری و مشکلی از لایه سنگ و ماریج عظیمه به دوره اشکانیان است. این در گذشته با التیباب به غرض اعلاوه این الموهله دلمی، فخر ارمایه دمی، نام قلعه عظیم «شکریه» از کلمه «شکر» که به گندیکاران این سلسله می‌انداختند بوده است. نام قلعه عظیم در گذشته و به زبان اشکانیان این سلسله حوت فضاخره قلعه اشکرگ نام دارد. حوت فضاخره می‌گردد. در زن از زمانی «شکرگه» نام داشته است. از این محل وسایل جنگی، کهنه و زینت دست آمده که در موزه ایران باستان موجود می‌باشد. این قلعه خاخره اموالی گران به و تعداد جابه هادی و حوت داشت. زینت‌های اصلی قلعه در این قاهره برای بیو جیاد آمده است و قسمت اعظم آن به ایرانیه و حوت باستان برای غرض این ماریج وسایل برای بیو جیاد است.



قلعه گبری

در جنوب‌شرقی شهر و در شهرک کلاترین و بجایه‌ی نام‌واقعه‌ی شمع‌دانه و از جمله نام‌های قدیمی است که قدمت آن به ۲۰۰۰ سال پیش می‌رسد. این قلعه که کناسیج در حدود ۲۰۰ متر مربع قرار دارد، در میان‌دو تپه‌ی بلند و شیب‌دار و در پایانی آن‌ها قرار دارد. این قلعه را به قریب ۱۰۰ نفر سرباز و کشته و امروزه تنها دو دیوار طویلی و مربعی از حصار و تالار به یادمانده است. بیش از ۱۰۰ نفر قلعه به عنوان کارگاه خنجر سازی استفاده می‌شد و پس از مرگ صاحبان آن قلعه در اختیار آستان بنده‌العلیه قرار گرفته است.

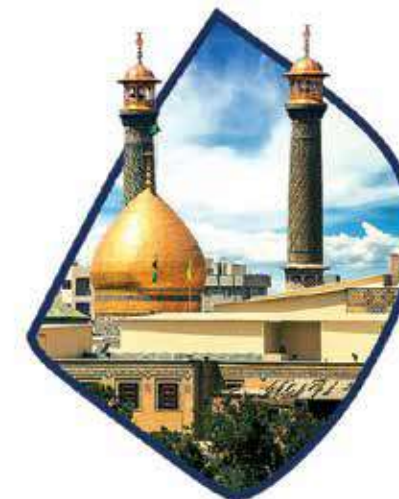


بیاری

[illegible]

گنبد اینماج

عاشد برچ در بورد سلجوقی به آل دینی بودن این کلبه هم در منابع اختلاف هست. برخی آن را نورمان سلجوقی، دیگری خواجه و چندین را نیز قبوله درجستگاه خواجه قبوله حاکم آل بویه و ده نفر طایفه طبرک که دولتش در مقابل برخی کعبه ائمه اربعه خواجه شمس‌الدین و آل ربه حاکم الدین سمراسلطان که زمانی بر سر طایفه سلجوقیان بود که در منابع نقلش گشته است منسوب می‌کنند. این کعبه که ساختمان آن دورانی فاخر را می‌رساند، امروز ویران شده و تنها بقایای شالوده آن بر جای مانده است. این بنا در محله حاکم بنی قلد بنشینده و در ادامه کوچه قلع‌کعبه است. دیگر شهرهای محل باقیانند که این روی آن این بنا را از آن حسن‌الحضیل بن فارس «دستگاه است» بانی که در زمان محمدشاه قاجار کشیده و آن رده اداوشن هم درجاست. امروز جاده امام‌زاده شریف این بنا را تا میانه میدان



ری قبدہ ستران



Tehran, a city for everyone

[t.me\Ghebleyeteheran](https://t.me/Ghebleyeteheran)

 [Tehranmunicipality20](#)

 www.Region20.tehran.ir

